



جشن کتاب ۱۰ روز با کتاب در سراسر ایران

۲ گفت و گو
۲ چهره

نکته های ترجمه و شعر

بحث با محمد قائد بر سر یک ترجمه

♦ هم به متن فون دیرکه وفادار ماندم و هم سعی کردم آن را بازنویسی کنم

۱۰



گفت و گو اول



مرور شعر با حسین منزوی

♦ جنگ قالب، جنگ شکل های شعری، جنگ بیپرده ای است که فقط نیرو و انرژی شاعران را هدر می دهد و حاصلی هم برای هیچ کس ندارد

گفت و گو دوم

۲۰

طنز سراغم آمد!

رویا صدر در سال ۷۱ همکاری با گل آقا را آغاز کرد و تاکنون کتاب های: «فرهنگ زنان پژوهشگر در علوم انسانی» و «عزیزانه معرمانه (مجموعه طنز)» را چاپ کرده است. به تازگی نیز اثری به نام «وی از سوی نشر هرمس با نام «بیست سال با طنز» انتشار یافته است.

گفت و گو با رویا صدر

۸



نثر زویا پیرزاد یک نوع دکوپاژ است

گفت و گو با هانیه توسلی

هانیه توسلی با بازی در فیلم شام آخر وارد سینما شد و هم اکنون هم فیلم «نثری» با بازی او در سینماها اکران شده است. او با اینکه بازیگر است ولی علاقه زیادی به نوشتن و خواندن دارد. شاید همین علاقه به نویسندگی باعث شود که روزی به نویسندگی حرفه ای روی آورد. هانیه توسلی می گوید: به نظر من بهترین مسأله «درست دیدن» است. زندگی سرشار از لحظاتی است که باید درست دیده شود و به نظر من درست فیلم دیدن و کتاب خواندن به این نوع «دید» کمک می کند. او معتقد است از بین کتاب هایی که خوانده نثر زویا پیرزاد یک نوع دکوپاژ است

۱۶



گفت و گو با محمود بدر طلایی

حتی اگر یک نفر بخواند

♦ محمود بدر طلایی که تاکنون آثاری چون «سپلیش» ۱۳۵۶ «پیمان» ۱۳۶۷، «در تاریکی» ۱۳۶۵ و «آکنتیم چهار آیه و هفت کتب» ۱۳۷۷ را منتشر کرده است، ساکن و معلم روستاهای رشت است.

۵



گزارش

هیچ کس از این ترکیب راضی نیست

ملاحظات ادغام سازمان اسناد ملی در کتابخانه ملی

۴

INTERNET

موتورهای کاوش

۲۲

کوت و کو

حرف های کتابی

درکافی شاپ تئاتر شهر

۶

چهره ها و کتابها

دکتر محمد اسماعیل رضوانی

۲۳

بین المللی

آنچه نویسندگان باید بدانند

جنبه چاپی کتاب

نوشته: پاتریسیا جی بل



پاتریسیا جی بل (PATRICIA J. BELL) برای کتاب «چه چیزهایی را قبل از چاپ اولین کتاب خود باید بدانید» برنده جایزه Benjamin Franklin شده است

۲۱



به مدت ۱۰ روز

کتاب هفته

از پس فردا

روزانه منتشرمی شود

روال انتشار کتاب هفته از پس فردا تغییر خواهد کرد.

کتاب هفته از دوشنبه ۶ آبان ۸۱ تا چهارشنبه ۱۵ آبان به مدت ۱۰ روز به صورت روزانه منتشر خواهد شد.

علت تغییر روزال انتشار کتاب هفته پوشش اخبار و تحولاتی است که از دوشنبه به سبب آغاز هفته کتاب رقم خواهد خورد.

خبرنگاران و گزارشگران کتاب هفته خواهند کوشید تا در این ده روز با پوشش جامع رویدادهای مرتبط با کتاب در سراسر ایران هر صبح بر روی پیشخوان مطبوعات، نشریه‌ای پربار را در اختیار شما قرار دهند.

منتظر گزارش‌ها، گفت و گوها و خبرهای خواندنی کتاب هفته باشید و در عین حال باخبر باشید که ما هر در انتظار کسب هر نوع خبر در این زمینه از دست اندرکاران این جشن فرهنگی سراسری هستیم.

کتابخوانان استان تهران در مسابقه بزرگ کتابخوانی شرکت می‌کنند

مسابقه بزرگ کتابخوانی استان تهران ویژه دهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شود.

برگزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران، شرکت کنندگان در این مسابقه باید یکی از کتاب‌های منتشر شده در موضوعات «مخمسایل و زندگانی حضرت امام حسین(ع)»(به مناسبت سال عزت و افتخار حسینیه) «کتاب و خانواده» و «کتاب و کودک و نوجوان»را خلاصه کنند. میزان خلاصه نویسی به ازای هر صفحه کتاب، ۲ صفحه کافظ ۸۲ تعیین شده است و شرکت کنندگان علاوه بر خوانا بودن متن‌های ارسال‌ی باید به «شاره و درج عناوین، فصل‌ها، موضوعات اصلی و فرعی کتاب و نتیجه گیری مناسب در پایان اثر تلخیص شده» توجه داشته باشند. مهلت شرکت در این مسابقه که ویژه کتابخوانان استان تهران است تا بیستم آبان‌ماه تعیین شده است.

علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را به نشانی تهران، خیابان شهید مطهری، بین خیابان سلیمان خاطر (امیر انبیک) و مهروردی، شماره ۱۲۰، امور کتابخانه‌های اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران ارسال و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۸۸۲۳۹۲ و ۸۸۲۳۹۱ تماس حاصل کنند.



معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، افرایش تولید کتاب متناسب با نیازهای کودکان و گسترش دامنه کتابخوانی در کارخانه‌ها و روساها را از عهده محروم‌های فعالیت‌های دهمین دوره هفته کتاب عنوان کرد.

علی اصغر رمضانپور در جمع خبرنگاران گفت: نتایج بررسی‌ها در زمینه دستاوردهای برگزاری هفته کتاب در سال‌های دهه ۷۰ نشان می‌دهد که فعالیت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای تأثیر محدودی بر گسترش کتاب و کتابخوانی در جامعه دارد و در مقابل، فعالیت‌های نهادی، انجمنی و زیرساخت‌های فرهنگ کتابخوانی نقش تعیین کننده‌تری را در این عرصه ایفا می‌کند.

وی در تشریح برنامه‌های دهمین دوره هفته کتاب گفت: نخستین روز این هفته که مصادف با ششم آبان است، روز کتاب، صنعت و کارگزاران گرفته و عمدت‌ترین طرح اجرایی این روز، طرح کتاب در سد خوارق کارگان است. معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار داشت: دهمین روز هفته کتاب، روز کتاب و دانش آموز است که طرح همبره با کتاب در مدرسه و جمله به آن اجرامی شود. در این روز، ۴۰۰ جشن آموز برگزارید و کتاب‌ساز سیزده معرفی می‌شود و در نمایشگاه‌های کتاب، مدارس، کتاب با تخفیف ۳۰ درصدی به دانش آموزان ارائه می‌شود.

رمضانپور، عنوان روزهای بعدی هفته کتاب را کتاب، خاکنام نشر و حمایت نسخ خطی و و کتاب و پدیدآورندگان،

عنوان کرد.

وی گفت: در چهارمین روز این هفته از نوبت‌گانی که کتاب‌های آنها در سال ۸۰ به عنوان کتاب تشریفی در مراسم

کتاب سال معرفی شده‌اند، تقدیر می‌شود. رمضانپور افزود: هجتمین ثبت نام برای بیمه و مستوری نویسندگان و پدیدآورندگان آثار در این روز آغاز می‌شود. برگزاری مراسم مربوط به پنجمین روز هفته کتاب با نام روز کتاب و خانواده بر عهده صدا و سیماست که برنامه‌های ویژه‌ای را برای این روز تدارک دیده است.

رمضانپور کتاب، کودک و خانواده را اصلی‌ترین شعار هفته کتاب در دهه ۸۰ خواند و گفت: اکنون پوروش فکری کودکان و نوجوان‌ن سولی برگزاری برنامه‌های ششمین روز هفته کتاب، با نام، کتاب، و کودک است.

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خاطرنشان کرد: برپایی جشنواره یک روزه کتاب کودک و نوجوان، برگزاری مسابقه کتابخوانی در ۵۰۰ کتابخانه کانون، در سراسر کشور و برپایی نمایشگاه‌های کتاب، از جمله این برنامه‌هاست.

وی افزود: در روز کتاب ایران در جهان، که عنوان هجتمین روز هفته کتاب است، همایش «آزمایش فعالیت‌ها و تحولات حوزه نشر بین الملل کتاب ایران» برگزار می‌شود. در این همایش تأثیرات حضور ایران در نمایشگاه‌های کتاب دنیا ازجمله فرهنگت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

معاون فرهنگی وزیر ارشاد خبر داده به مناسبت این روز ۶ هزار جلد کتاب به مدارس پیش از ۴ کشور، در مقطع سنی نوجوانان در موضوعات فرهنگ، تاریخ، هنر و ادیان ارسال خواهد شد. رمضانپور گفت: در هشتمین روز که روز کتاب و ادب پایداری، نامگذاری شده، به کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های برگزیده در زمینه ادبیات دفاع مقدس جایزه‌ای اهدا خواهد شد.

همزمان با هفته کتاب

کتابداران نمونه کشور معرفی می‌شوند

مدیر روابط عمومی دبیرخانه هیأت امای کتابخانه‌های عمومی کشور درباره این فعالیت‌ها گفت: جهت ایجاد هماهنگی‌های لازم در اداره کتابخانه‌ها و رایانه‌ای کردن فعالیت‌های کتابخانه‌ای، برقم‌افزار کتابخانه‌ها در هفته کتاب عرضه خواهد شد. همچنین با مشارکت ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌های اصفهان، خراسان، کرمان، زنجان، اردبیل، همدان، چهارمحال و بختیاری، یزد و شهرستان یزیرو به مناسبت هفته کتاب، ۳۰۰ عنوان لوح نشرده در زمینه‌های علمی، فرهنگی، علوم اسلامی و قرآنی و فیلم‌های سینمایی به مجموعه مواد مکتوب کتابخانه‌ها برای استفاده اعضا اهداء خواهد شد. مراسم معرفی کتابداران، خادمان و الجمن کتابخانه‌های نمونه کشور با تازهم آبان برگزار می‌شود.

برنامه های دهمین دوره هفته کتاب اعلام شد

و میرگدی زیربزی بررسی کتاب‌های ادبیات دفاع مقدس در این روز تشکیل می‌شود.

وی افزود: به مناسبت نهمین روز هفته کتاب، که روز کتاب و دانشجو نام دارد، برنامه‌های متنوعی از سوی جهاد دانشگاهی اجرامی‌شود که برگزاری جشن کتاب در ۳۰۰ واحد دانشگاهی، تقدیر از مؤلفان و کتابداران برجسته دانشگاه، و ۳۰۰ نمایشگاه کتاب در ۳۰۰ واحد دانشگاهی از آن جمله است.

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار داشت: در دهمین روز هفته کتاب که به پیشاپذ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان کتاب و کتابدار به ایلیم هفته کتاب اصدافه شده، هیأت امای کتابخانه‌های تهران از کتابدار نمونه تجلیل به عمل می‌آورد. همچنین در این روز ۱۲ کتابخانه در استان‌های کشور گشایش می‌یابد.

رمضانپور، همچنین از طرح مسابقه اینترنتی از طریق پایگاه کتاب هفته، طرح مسابقه گرافیک و بخش سرودی به مناسبت هفته کتاب، طرح مسابقه کتابخوانی سرود کاری است از عبدالحسین محتاجیاد با شعر ناصر کساروز که امیدواریم در هفته کتاب از رسانه‌هایپخش شود. دوره معرفی خبرنگار برگزیده، سرود کتاب ازاز دیگر برنامه‌های هفته کتاب اعلام کرده گفت: در جشنواره مسابقه‌ای که دبیری آن راویس کشورام بر عهده خواهد داشت، نشریه و خبرنگاران نمونه در بخش کتاب و نشر معرفی می‌شوند و به بهترین تولیدات رادیویی و تلویزیونی در زمینه فعالیت برای کتاب نیز جایزه‌ای اهدا خواهد شد. گفتنی است دهمین دوره هفته کتاب از ۱۵ تا ۶ آبان ماه در سراسر کشور برگزار می‌شود.

مراسم انتشار شصتین شماره نشریه کتاب ماه ادبیات و فلسفه عضور روز جمعه ۲۶ بهرام با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمع کثیری از استادان، صاحبزنان، نویسندگان و مترجمان ادبیات و فلسفه در محل ۱۴۰ برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی خانه کتاب، در این مراسم احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی سخنانی اطلاع‌رسانی کتاب‌های منتشر شده در کشور، گذرش نقد و بررسی در حوزه کتاب و ارتباط نزدیکتر پدیدآورندگان کتاب با خوانندگان را از اهداف ایجاد مجموعه نشریات کتاب ماه در سال ۱۳۹۶ عنوان کرد.

وی دربارهٔ نقد کتاب در ایران گفت: در هنگام تأسیس نشریات کتاب ماه به دلیل بالا بودن هزینه‌های اجتماعی نقد در کشور و بازتابی آن این سوال مطرح بود که آیا شرایط جامعه ما اقتضای نقد موثر و فعال را دارد؟ همچنین شیوه‌ها و چارچوب‌های نقد هم چندان مدون نیست و تخصصی‌ترین روش‌شناسی آن نیز توان شخصی محدود ندارد و در کار زمینه لازم برای حضور منتقدان در این عرصه فراهم نیست. ما به این تلاش مطرح شدن و تقویت نقد کتاب را در جامعه ضروری دیدیم و از نخستین شماره کتاب ماه ادبیات و فلسفه یک جریان بررسی و نقد کتاب در دستور کار گرفت تا زمینه حضور علاقه‌مندان به نقد را در حوزه کتاب و کتابخوانی فراهم سازد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه به ارتباط نزدیک میان مؤلفان، مترجمان و منتقدان باخوانندگان کتاب ماه ادبیات و فلسفه اشاره کرد و گفت: این نشریه به باغ فراوانست یک اجتماع علمی به وجود آورد و همگان می‌توانند در جلسات نقد و بررسی آن شرکت و اظهار نظر کنند تا مباحث روزبه‌روز شوند و یک مدیریت سالم و عالمانه در مجموعه این حرکت وجود دارد که باعث یک اتفاق بزرگ شد و آن اینکه کتاب ماه ادبیات و فلسفه جلسات خلوت یک‌رسمانه، که به نقل رویدادها

می‌رواحت، خارج شد و پیش از یک رسامه عمل کرد و در حقیقت یک جریان فرهنگی، علمی و پژوهشی را پهنشانی کرد و فضای علمی و پژوهشی را در جمعه پدید آورد.

مسجدجامعی در ادامه اظهار داشت: آن چه اتفاق افتاد صرفاً این نبود که شمارگان نشریات کتاب ماه از پانصد شماره به چند هزار ششصد رسید، بلکه آن چه در نشست‌های علمی، فرهنگی مطرح شد، توانست فضای علمی کشور را تحت تأثیر قرار دهد و انعکاس آن در رسانه‌های چون صدای سیما و مطبوعات نشان داد که مخاطبان تنها، فقط مخاطبان نشریات کتاب ماه نیستند.

وی تصریح کرد: علمی‌رغم توفیق کتاب ماه در نقد و بررسی، ما باید آلتیفته‌های جدیدی را مناسب یا جامعه خود و تحول تشایان، حوزه‌های علم، فرهنگ، فلسفه، ادبیات و کتاب انتخاب کنیم و در جمع بندی قسمت شماره گذشته از دیدگاه‌های صاحبزنان و مدیران فرهنگی آگاه شویم. وزیر فرهنگ و ارشاداسلامی در ادامه ساختنش بر ارتباط بیشتر مراکز فرهنگی، پژوهشی کشور و نویسندگان و مترجمان و پژوهشگران داخل کشور با مراکز فرهنگی و ارتباطی خارجی و مراکز آموزش و پژوهش زبان و ادبیات فارسی در خارج و مراکز که در حوزه فلسفه اسلامی و ایرانی فعالیت می‌کنند، تأکید کرد و گفت: در

سال‌های اخیر فعالیت‌های پژوهشی زیادی در زمینه ایران‌شناسی و فرهنگ و تمدن و تاریخ ایران در کشورهای خارجی انجام شده و برای مثال کتابخانه‌های بسیاری در کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس در حال شکل‌گیری است و در کنار آنها مراکز تحقیقاتی بزرگی ایجاد شده و فعالیت‌ها به دلیل تاریخ و فرهنگ مشترک آنها



با ایران در حال انجام شدن است ولی ما از فعالیت‌های آنها آگاهی چندانی نداریم. مسجدجامعی در ادامه به گزارش‌های مختلف و متفاوتی که از فعالیت‌های شرق‌شناسی و ایران‌شناسی خارج از کشور ارائه می‌شود، اشاره کرد و گفت: تفاوت در اطلاعات توسط مراکز رسمی نشان می‌دهد که ما از وضعیت تحقیق دربارهٔ زبان، ادب، تاریخ، فلسفه و تمدن ایران در کشورهای دیگر اطلاع نداریم و باید این اطلاع اندک نمی‌توانیم قدم‌های بزرگ برداریم و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق داشته باشیم.

وی تصریح کرد: هیچ جای دنیاست که بخوانم در حوزه ایران‌شناسی کار کند و بی‌نیاز از ایران باشد. ایران مرکز همهٔ مطالعه‌ها و پژوهش‌هایی است که در حوزه تاریخ، تمدن، فلسفه، فرهنگ و هنر ایران انجام می‌گیرد و قدم نخست برای دانش سمورت، در این عرصه‌ها دانش اطلاع و ارتباط است. بنابراین یکی از شاخه‌هایی که مجموعه نشریات کتاب ماه می‌تواند به آن برافزاید، دانش ارتباط با شخصیت‌های فرهنگی و مراکز و موسسه‌ها و بنیادهای پژوهشی و دایرهٔ معارف‌های خارجی است تا

علی اصغر رهضانبور:

تولید کتاب در ده سال اخیر پنج برابر شده است

معادن فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت، در میان اقلام فرهنگی سید هزینه خانوادگی‌های ایرانی، کتاب و مطبوعات بیشترین و مهم‌ترین جایگاه را دارد.
علی‌اصغر رهضانبور روز سه‌شنبه گذشته در حاشیه نمایشگاه بزرگ کتاب خراسان افزود: کتاب و کتابخوانی بخش مهمی از فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان را تشکیل

می‌دهد. وی با بیان اینکه کتابخوانی در ۱۰ سال اخیر رشد قابل توجهی داشته است، اظهار داشت: تنها در این مدت تولید کتاب بیش از پنج برابر شده است.
وی از جمله مشکلات کتابخوانی در کشور را محدودیت امکان استفاده مردم از کتابخانه‌های عمومی دانست و گفت: مردم نمی‌توانند برای داشتن هر مطلبی کتاب بخردند و باید فرهنگ استفاده از کتابخانه‌های عمومی و امکانات موجود در آنها را افزایش داد.به گفته وی اکنون

افزون بر یک هزار و ۵۰۰ کتابخانه عمومی در کشور وجود دارد که زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.
وی همچنین افزود: علاوه بر این یک هزار و ۵۰۰ کتابخانه دیگر نیز در حال فعالیت است که توسط خود مردم در محله‌ها و مساجد کشور دایر شده است.

<div><div> </div></div>	تسلیمت	<div><div> </div></div>
جناب آقای محسن چینی فروشان		
محبتیت وارده را به شما و خانواده محترممان تسلیمت می‌گویم.		
مهدی حجویانی ، حسین پکایی ، حسین نوروزی ، سید مرتضی مرتضایی ، آرژو انواری ، شهرام اقبال زاده ، جمال‌الدین اکرمی ، مهدی کاموس و دیگر اعضای تحریریه کتاب ماه کوردک و نوجوان		

بروانده زمینه گفت و گورایین ما و آنها قرار کنند و در این زمینه، هر کتاب ماه می تواند در هر حوزه فرهنگی، ویژه‌نامه‌ی منتشرکننده و بررسی و ارزیابی برپازد، چون جامعه ما به این اطلاعات نیاز ضروری دارد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان سخنان اظهار داشت: در حال حاضر این شیوه که یک مرکز دولتی یا غیردولتی خواهد داشت، باید همهٔ اطلاعات فرهنگی را آماده کند، کاربردی ندارد. بنابراین باید شرایط را تطبیق فراهم کنیم که بحث‌های مختلف فرهنگی علمی و پژوهشی ارتباط برانند با مراکز فرهنگی، علمی و پژوهشی خارج ارتباط داشته باشند و از همه ظرفیتهای علمی فرهنگی کشور بهره بگیریم. مجموعه نشریات کتاب ماه جایگاه فروری این ارتباطات فرهنگی، علمی را دارد ولی نیازمند یک برنامه‌ریزی اصولی در این زمینه هستیم.

در این مراسم پیش از سخنان وزیر فرهنگ و ارشاداسلامی، برخی از استادان صاحبزنان چون دکتر عباس‌محمدزکریبی، سید مصطفی موسوی، دکتر مریم‌ملایان گلرانی، فاطی در زمینه عملکرد کتاب ماه ادبیات و فلسفه سخنانی بیان کردند و علی‌اصغر محمدحلی، مدیر این نشریه، گزارشی از چگونگی کار تحریریه و گسنت‌های که در زمینه نقد ادبی و کتاب‌های تازه، برگزار می‌شود، ارائه کرد.

<div><div> </div></div>	علی اصغر رهضانبور:	<div><div> </div></div>
---	---------------------------	---

قبل تنها ۶۰۰ کتابخانه عمومی در کشور وجود داشت و امروز این میزان چهار برابر شده است که سواری‌شد انتشار کتاب است. وی با بیان این که سرانه کتاب برای هر دانش‌آموز در سال ۹۵ کسر از یک کتاب بوده افزود: امروز این سرانه به بیش از سه کتاب برای دانش‌آموز رسیده است که این خود بیانگر تلاش ما در رفع نیازهای جامعه بزرده جوانان به این محصول فرهنگی است.

برنامه‌های کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در هفته کتاب

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در روز چهارشنبه ۸ آبان ۸۱ که مصادف با سومین روز هفته کتاب که به‌عنوان کتاب، خامن‌نشر حامیان‌نسخ خطی، نامگذاری شده است، آیین برگذاشت حامیان‌نسخ خطی را همراه با تجلیل از اساتذ، دانشمند و فهرست‌نگار جهانی مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه، با حضور اساتادان، محققان و دانش‌پژوهان برگزار می‌کند. همچنین در حاشیه آیین برگذاشت نمایشگاهی از آثار، یادگات، اسناد و عکس‌های مرحوم دانش‌پژوه و نیز آثار برگزیده و برتر سال ۸۰۸۱ در بازده ویژه قابل بریاست.

۱- حفاظت و نگهداری نسخ خطی ۲. فهرست‌نگاری نسخ خطی ۳. کتابداری نسخ خطی ۴. اهدای نسخ خطی ۵. تصحیح و تحقیق نسخ خطی ۶. تحقیق در عرصه‌های مربوط به نسخ خطی (نسخه‌شناسی، نسخه‌پردازی شیوه تصحیح ۷. مجله‌ها تخصصی در حوزه نسخ خطی ۸. مقالات نقد و معرفی نون ۹. انتشار نسخ خطی تصحیح شده ۱۰. پایانه‌های دانشجوی در زمینه تصحیح نون ۱۱. اطلاع‌رسانی شیوه افزودن آثار ۱۲. آثار می‌شود در این مراسم باید از اساتادانشمند -محمدرضا ششمی گفتنی، تقدیه به عمل آید.ولی ایشان -میرزاغصانه از پذیرش این امر استنکاف ورزیدند.

<div><div> </div></div>	تسلیمت	<div><div> </div></div>
مرک بایان کیوتر نیست		
نویسنده گرامی، جناب آقای علی خاکبازان		
در گذشت مادر ارجمندتان را به شما و خانواده محترممان تسلیمت می‌گویم. برای آن مرحوم مغفرت الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمایم.		
فریدون عموزاده خلیلی ، مهدی حجویانی ، حسین ابراهیمی (الوند) ، پیروز قاسمی ، چینا یثیری ، شقایق قندقاری ، حسین پکایی ، سیدعلی کاشفی خوانساری ، مجید عبیب ، محسن مجیدی ، مدیه شریفی ، مصعبه انصاریان ، علی‌اصغر سیدآبادی ، مهدی کاموس ، حسین نوروزی ، شهرام اقبال‌زاده ، محمود برآبادی ، صلاح‌الدین احمد لوساتی ، مازیار نهانی ، محمدرضا یوسفی ، تورا حق‌پرست ، فرهاد حسن زاده ، مصطفی حسین سید مرتضی مرتضایی ، آرژو انواری ، هادی عورشاهیان ، السانه نظامی		

ماجرای اعدام سازمان اس‌تام ملی در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران طاهر آبه مراد ماه سال جاری و نود و پنجمین جلسه شورای عالی اداری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بر می‌گردد.بخشی از آخرین نشست که به ریاست دکتر محمد رضا عارف معاون اول رئیس‌جمهوری و در محل دفتر ریاست جمهوری برگزار شد، چنین است:
به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به منظور مدیریت انسانی کشور و ایجاد هماهنگی برای نگهداری آثار و اسناد مکتوب (چاپی و خطی) و غیرمکتوب و اوراق،ام‌سات،دفاتر و سایر اسناد ملی در دستگاههای اجرایی و نظائر آن و همچنین تسهیل در نگهداری و دسترسی به اسناد و صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط و جلوگیری از تلفات و طایف تکراری سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با کلیه وظایف و مصروفی‌های مربوط و جلوگیری از ایجاد و طایف تکراری سازمان اسناد ملی ایران با کلیه وظایف و مصروفی‌های مربوط و برنامه‌ریزی کشور مترجم و اخبارات،امکانات،اخبارات،تئوری انسانی اموال،مدارک و تعهدات از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مترجم و با کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ادغام و عنوان آن به سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تغییر یافت.؛در همین چارند که با گفت‌و پیمان غیر نکتات قابل توجهی رجمود دارد که با گفتگشت نهادن بر آنها سوالات یادآوری‌اشان در حال حاضر ضروری از تصویب پروژه اعدام، پیوهده به نظر برسد.ام‌سات کم‌ترت می شود تاآنقدر برای بعد. هر چند که نخستین زرمزه‌های اعدام این دو سازمان ملی در هفت سال پیشتر مربوط بشود اینکه بنا به هر دلیل در آن روز کار طرح مذکور اجرا نشد یا احتمالاً اسکوت ماند.بدینست در همین آغاز به یکی از نکات حباب گفته شده اشاره به‌اعطاف کارشناسان زنده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعدام سازمان اسناد ملی کشور و کتابخانه ملی را غیر علمی و خسارت بار می‌داند.و معتقدند این حرکت هیچ گزراهی را به لحاظ کیفی در روند عملکرد دو سازمان نمی‌گشاید که گزهی بر گروه می‌زند.
بااین اشاره ابتدای خیر را دوباره مرور کردیم.

جایگاه مستقل کتابخانه

آرشیو ملی در دنیا

در تمام کشورهای مشرق دنیا، دو سازمان بین‌المللی مجزا در این زمینه وجود دارد. فدراسیون بین‌المللی انجمن‌هاور سازمان‌های کتابداری (ی‌ف‌ا)که اطلاع‌رسانی نیز جزو وظایف آن است و انجمن دارنده بین‌المللی آرشیوها که هر کدام شرح وظایف متفربی دارند. همین تفاوت‌ها که مایع چاهی بااینترنت نیز در این زمینه سر می‌بازیم می‌کند که تنها در دو سه کشور کوچک، تازه باکرده،بناطیف مانده یاگفتنی اسناد ملی و کتابخانه ملی در یک مجموعه متمركز هستند.با هم کار می‌کنند که به نظر می‌رسد در سال‌های بعد که این کشورها به خود بیایند و سامان بگیرند،در صدد تفکیک این دو نهاد برجسته ملی خود آیند.اما در سایر کشورها این دو سازمان مجزاست. برای مثال در کشور استرالیا بیش از ۲۵سال است که هر دو سازمان ملی به صورت مستقل به انجام وظایف مشغولند. فرانسه، انگلیس، کشور ایتالیا،کانادای و حتی کشورهای نظیر هند نیز در این عرصه دو سازمان ملی جداگانه دارند. کتابخانه ملی هر کشور آینه تمام‌نمای فرهنگ آن کشور است و سیران فرهنگی و مقامات بلندپایه در دیدارهایشان از کشورها برای اطلاع از وضع فرهنگی کشور میزبان نخستین بازدیدها را از کتابخانه ملی به انجام می‌رسانند. آرشیوها نیز درحقیقت حافظه ملت‌ها هستند. بعد از دو جنگ بین‌المللی اول و دوم که طی آن خسارات عظیم و جبران‌ناپذیری به آرشیوهای کشورهای جهان وارد آمد، دست‌اندران فرهنگ جهان ایجاد نهادی را که حتی امکانات ازوال و نابودی اسناد جلوتر می‌کند ضروری دانستند.



بنابراین پس از تشکیل سازمان ملل متحد، با تلاش شاخه علمی فرهنگي ايران سازمان (یونسکو) شورای جهانی آرشیوه به‌وجود آمد. اولین اجلاس آن در سال ۱۹۵۰در پاریس تشکیل شد. شورای جهانی آرشیوها تا سال ۱۹۹۷ دارای ۱۲۵۰ عضو از ۱۷۰ کشور دنیاست.

پیشینه سازمان اسناد

و کتابخانه ملی ایران

برای بازشناسی و مرور پیشینه سازمان اسناد ملی ایران بهترین منبع، مقاله‌ای است به قلم ایرج افشار، برچسبه‌ترین کنشپناس کشور. در بخشی از این نوشته آمده است: روزی که به دعوت دکتر محسن صبا به عضویت کمیسیون ایجاد مرکز باگفتنی ملی، دعوت شدم (زمستان ۱۳۲۸) و رئیس کتابخانه لشکریه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بودم و من عضو آنجا بودم. او از سفری بازگشته بود که به دعوت یونسکو، به پاریس رفته بود و در آنجا تصمیم گرفته شده بود که یونسکو، با کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ادغام و عنوان آن ملک‌ت‌هایی را که مرکز اسناد آرشیو ایران‌دند متوجه کند که می‌باید حفظ آثار تمدن بشری، اسناد و اوراق گدشتگان را گردآوری کرد و در اختیار محققان و مورخان قرار داد. به من گفت: کمیسیون ملی یونسکو در ایران، از این تصمیم یونسکو استقبال کرده و قرار شده است



کمیسیونی به این کار بپردازد و معلوم کند که چه باید کرد و من اسم شما را برای شرکت در این کمیسیون دادم و… باآخره قانون در سال ۱۳۲۹ از تصویب گذشت و نخستین گام‌ها با سرعت به همت دشلوزانه سیروس پرهام که به ریاست آنجا انتخاب شده بود برداشته شد. از نخستین اقدام‌های او شرکت در سازمان اسناد ملی در کنفرانس‌های بین‌المللی آرشیو (ICA) بود. در حال حاضر سازمان اسناد ملی ایران از نظر تقسیم‌بندی منطقه‌ای عضو ششیم جنوب و غرب آسیاست. این ششمه مشکلی از ینگلادش، ایران، سری‌لانکا،هند، پاکستان و تایل است.

جمهوری اسلامی ایران عضو رده «الف» شورای جهانی آرشیو است و در تمام اجلاس‌های این شورا از حق رای برخوردار است و از امکانات آن بهره می‌برد. سابقه کتابخانه ملی ایران نیز بنا به آنچه در اسننامه آمده است به سال ۱۳۱۶ بازمی‌گردد، یعنی سال احداث و شروع به فعالیت ساختمان مرکزی کتابخانه ملی. این سابقه در حالی ذکر می‌شود که عده‌ای از پژوهشگران با اشاره به مهرهایی که بر کتاب‌های کتابخانه ملی است پیشینه این کتابخانه را به دوران قاجار و پیش از آن متصل می‌داند. گفته‌اند این بحث آنچه مهم‌تر به چشم می‌آید، اینکه از سه چهارسال پیشتر زرمزه استقلال کتابخانه ملی ایران ششیده می‌شد. با تلاش‌های ارزانی‌ها و دیگری‌های مدام سرانجام در سال ۱۳۹۹، تصویب‌های مجلس شورای اسلامی گرفتاده شد و کتابخانه ملی از وزارت علوم و آموزش عالی مترجم شد و زیر نظر نهاد ریاست جمهوری قرار گرفت. رئیس‌جمهور نیز به عنوان رئیس هیأت امانا

کتابشناسی

فرزین شیرزادی

ادغام سازمان اسناد ملی در کتابخانه ملی

هیچ کس از این ترکیب راضی نیست

تعیین شد. پیش از آن کتابخانه ملی ایران (دوره کلاری بود از وزارت علوم و آموزش عالی وقت). به این ترتیب برنامه‌ریزی برای ارائه سازماندهی جدید کتابخانه ملی شروع شد. چرا که اساسنامه جدید که محصول رایزنی تلاش با ارزش سندن‌اول بود در مجلس به تصویب رسیده بود. بنابه سازماندهی جدید، پست‌های سازمانی در کتابخانه ملی آماده ای‌لخ بود که نود و پنجمین جلسه شورای عالی اداری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به پایان رسید و اتمام این دو سازمان اعلام شد. یعنی همه چیز به هم ریخت. مرور مصائب کار، صرف هزینه و زمان در کنار تصمیم اعدام این دو سازمان به خوبی خودتصویری از یک اشتباه به دست می‌دهد. مثل ساختن پرمرات جام بلوری که نگاهان به زمین بینند.

سنخیت برجسته حضور

در حاشیه اتوبان خنای

پوری سلطانی کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی بایش از چهار هغه سابق کتابداری یکی از مخالفان اعدام کتابخانه ملی سازمان اسناد ملی است. او می‌گوید: « اگر از مخالفت ما با این اعدام گفته و اعلام کردم و برای رئیس جمهوری و رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی هم نوشته‌ام که این اعدام از پایه و اساس کار سنجیده و درستی نیست. همه کشورهای دنیا یک آرشیو ملی هم‌تراز دارند. نباید آرشیو ملی یک سرزمین را می‌چند به هم ریخت. سازمان اسناد ملی کشور ما کمرش را انجام می‌دهد و از نهادهای غیر ضروری نوده‌است که با وجود هم مجموعه نهادهی دیگر قرارش دهیم. آرشیو ملی ایران در سال ۳۹ امراسیس برنامه‌ریزی درستی تأسیس شده است. کسانی که دست اندرکار بوده، مقالات زیادی در مورد آرشیو ملی ما نوشته‌اند. از جمله آقای سیروس و بهام و ایرج افشار. کتابخانه ملی نیز سابقه و پیشینه‌ای دارد و یک کود تازه به دو‌ان رسیده‌نیست.»

در هر حال به نظر می‌رسد با این اعدام جز در هم ریختن دو سازمان اتفاق دیگری نینفاده باشد. شاید معادعان این طرح مخالف چنین نظری باشند. نگاهی به اهداف و وظایف این دو سازمان ملی حاکی از تفاوت‌های حرفه‌ایشان با یکدیگر است. ماده اول قانون تأسیس سازمان اسناد ملی مصوب ۲۹/۷/۳۹ چنین است: به منظور جمع‌آوری و حفظ اسناد ملی ایران در سازمان واحد و فراهم آوردن شرایط و امکانات مناسب برای دسترسی عموم به این اسناد و همچنین صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری و استخدماش از طریق تمرکز پرونده‌های راکد و اوراق فاقد ارزش‌است و دولتی وابسته به دولت واحدا اوراق فاقد ارزش‌است به نام سازمان اسناد ملی ایران وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور تأسیس می‌گردد.

اساسنامه کتابخانه ملی ایران نیز چنین شروع می‌شود: «کتابخانه ملی ایران مؤسسه‌ای است آموزشی، علمی، تحقیقاتی و خدماتی که زیر نظر ریاست جمهوری اداره می‌شود. گردآوری، حفاظت، اشاعه اطلاعات و سازماندهی آثار مکتوب و غیرمکتوب که در ایران منتشر می‌شوند متعلق به او است. علاوه بر آن، کتب و اسناد ملی خارجی را جمع می‌کند. علاوه بر این، کتب و اسناد ملی است. اَلیداشفیه کرد که منظور از اسناد در کتابخانه ملی نسخ خطی، مرقعات و کتاب‌های قدیمی و نقیص است.»

یکی دیگر از کارشناسان کتابخانه ملی دربارهٔ وجه اشتراک وظایف این دو سازمان می‌گوید: «اهداف و وظایف این دو با هم متفاوت است. شاید به خاطر وجود کلمه «طبقه‌بندی» در شرح وظایف این دو سازمان چنین تصور شده است که سازمان اسناد ملی و کتابخانه ملی هر دو مشغول طبقه‌بندی هستند و می‌توانند در هم ادغام شوند. کارشان را ادامه دهند. اما واقع امر این است که

نوع و شیوه‌های طبقه‌بندی در هر دو سازمان از اساس با یکدیگر متفاوت است. طبقه‌بندی باگفتنی‌های راکد یک سرزمین یا طبقه‌بندی تک، اسناد اطلاع‌رسانی و جاری یک کشور یا طبقه‌بندی تکراری سازمان اسناد است. که باگفتنی راکد سازمان‌های پیشتر دولتی و معضاً غیردولتی را در یافت و ارزیابی کند تا آنده دست از آثاری که باید نگهداری شوند مشخص گردد و بخش دیگر احواد شود. کار که کتابخانه ملی هر ک انجام نمی‌دهد کتابخانه ملی و طبقه احواد ندارد. بلکه حفظ و نگهداری آثار مکتوب و غیرمکتوب محور وظایفش را می‌سازد. همین‌طور باگفتنی راکد هم به هیچ وجه ندارد. ما با این مصف می توان گفت هنگامی که صورت مسأله اشتباه باشد نتیجه هم نادرست خواهد بود. صورت مسأله در اینجا تصور کار موزی و وظایف مشترک است. نتیجه نیز اعدام این دو سازمان ملی از آب درآمد است. شاید بزرگ نگفته باشیم که ساختن برجسته میان سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی در این خلاصه شونده هر دو در حاشیه اتوبان شهید فتاحی واقع شده‌اند.

پیش از تصویب اعدام

چه گذشت

پوری سلطانی می‌گوید: «دو خاطرم برچیز از ایجاد آشوب و تزلزل شدن به بحث تخصصی، مفصلی و راهگشای سعید کریم لاریزاد، ریاست مترونی کتابخانه ملی نظارت‌آران ارائه‌دهیم. وقتی این اظهار نظر را به علمی برده خود من به عنوان یک کارشناس نظر مخالف را در برابر اعدام سازمان اسناد ملی با کتابخانه ملی صورت کبیه به آقای خامنه‌ی رئیس جمهوری نوشتم و روشنت آن را هم به آقای بورنجانی در کمیسیون فرهنگی مجلس فرستادم. البته گویم که در کتابخانه ملی، معلمان کتابخانه و همه کارشناسان، شورای عالی اداری سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت کشور نظیر مخالف‌داند. اما این شورا کار خودش را کرد.»

طاهر آیکیری چنین می‌نماید: «به‌رغم مخالفت‌های چند جانبه کارشناسان و توضوح چشم‌اندازی اشتفه و برانده در عرصه ملی کجکی می‌پندارم و باخوشی می‌کند، به‌اراده‌ای نهادن درودمان. بزرگ کرده دست‌ناتیج به نظر می‌رسد. از طرفی نباید به‌خاطر تکرر و تعدد این قبیل پدیده‌ها کسی چنان‌جا نامیلی به آرشیوایی چنین چستی‌نظری ندارد. اما زمان فطالی‌به‌دست‌تأسیس قلمی می‌آید و آنچه چنین تصمیمی از میسر می‌کند. ما در ایمن انتشار این گزارش کوتاه، که به منتی به‌ماتمه نوشادوست، همان‌نظیر به‌دزان شرح اعدام سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران جاری می‌شوید. کارشناسان‌انه تصمیم را روشن سازند.»



چشمک

محمدابراهیم هاجر

گفت وگو با محمود بدر طالعی

حتی اگر یک نفر بخواند

یعنی گمان می کنید تنها عامل مغایب‌بایی برای یک کتاب نام و شهرت ناشر است؟

قطعا یکی از عوامل مهم برخورد مخاطب با کتاب را می‌توان ناشر کتاب دانست. یعنی اگر در تهران کتاب را به یک ناشر که سی سال سابقه نشر دارد بدهید، قطعاً کارنامه پیشین ناشر سندی برای جلب اعتماد مخاطب می‌شود تا اینکه یک ناشری کتاب را چاپ کند که سه یا چهار سال است که سابقهٔ این کار را دارد.

از عوامل دیگر این ارتباط بگویید.

از جملهٔ این عوامل می‌توان به نقد آثار در مطبوعات و حضور نویسنده در محافل فرهنگی اشاره کرد که اغلب بازم حول محور مرکزگرایی می‌چرخد و

اینها همه در این روند تأثیر گذارند. **آغاز کار نوشتاری شما را می‌توان دهه ۵۰ دانست. اکثر نویسندگان این نسل درگیر ریاضت سیاسی روزگار بودند و این درگیری و نهایی نو آثارشان به‌جای گذاشت. از قلمبر این جریان‌ها برنامته و آثارشان بگویید.**

این تأثیر برایی من بسیار کم بوده، به این دلیل که من تمام این دوران را دور از این مسائل و ساکن روستاهای دوازده مرکز بودم. اما نکته‌ای که مهم است این است که انقلاب ایران گذشته از تغییر شرایط اجتماعی، بی‌روند رویه بر رشد ادبیات ایران نیز تأثیر گذار بوده است.

این حضورتان در روستا چه تأثیری بر نوشتاربان داشته و آیا از روستایی‌نویسانی چون *فقیر*، *دولت‌آبادی*، *درویشیان* و یا… هم تأثیر گرفته‌اید؟

مجموعه‌ای دارم که در سال ۵۷ نوشتم. به خاطر بیهوشی‌های آن سال نمی‌دند آنها را چاپ کرد.

در ۱۹ فروردین ۱۳۳۸ در شهر رشت چشم به خاک گشوده، در خانواده‌ای به نام **نابیل بدر طالعی**، **اهل خانه** او را محمود نام دادند و **نام عمر- مگر آن سال‌ها که معلم روستا بود- را در شهر رشت زندگی کرد.**
محمود بدر طالعی ۱۴ تیرن آثاری چون *سپسش…*، *۱۳۳۶*، *سپهبدان*، *۱۳۳۷*، *دور تاریکی* به ۱۳۴۵ و *گفتیم بهار*، *آیه و عیش*، *کینه*، *۱۳۴۷* را منتشر کرده است. او اکنون نیز ساکن و معلم روستاهای رشت است.

شما اولین کتابتان را در سال ۵۶ چاپ کردید و دومین کتاب را در سال ۷۱ از این چهارده سال سکوت بگویید. تمام این سال‌ها را نداشتیم می‌نوشتیم. دو سه بار هم تصمیم به چاپ کتاب گرفتیم، اما با عدم استقبال ناشران مواجه شدم. بنیید، ناشران ایرانی کارشان بیشتر شبیه بنگاههای معاملات ماسین یا مالک است تا ناشر فرهنگی. البته این قضیه تنها در مورد نویسندگان مرکزگن است که صدق نمی‌کند، چون آنها در ارتباط کشتنگ با یکدیگر هستند. البته یکی از دلایل این در محافل مدائن آثار نویسندگان و ناشران شهرستانی را می‌توان بخش تولید کتاب در ایران دانست.

تمام طول عمر فرهنگی‌تان را ساکن رشت یا

شهرستان‌های دیگر بوده‌اید، چرا کتاب‌هایان را به ناشران بهمانی سپرده‌اید؟

ناشران مرکز در کیفیت چاپ کتاب هایشان دقت بیشتری دارند و این دقت را می‌توانن ازباید امکانات مناسب چاپ و در ضمن بخش کتاب دانست. ما در شهر رشت حتی یک ناشر را با امکانات ناشران مرکز نداریم.

ردپای باران بر لنگرود

سومین نخست ادبی حوزه هنری گیلان در لنگرود، با عنوان *رد پای باران*، عصر روز ۱۷ مهر در تالار امور تربیتی آموزش و پرورش شهر لنگرود برپا شد و تعدادی از شاعران برجسته گیلانی به شعر و نقد شعر پرداختند.

مراغه و میلاد ستاره‌ها

به مناسبت مولید شعبانیه و به بهانه بزرگداشت یاد و خاطره حافظ شیرازی شب شعری با عنوان *میلاد ستاره‌ها* در شهر مراغه برگزار می‌شود. در این شب شعر بسیاری از شاعران آذربایجان غربی به شعرخوانی می‌پردازند.

اصفهان و نمایشگاهی دیگر

نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان در شهر اصفهان برگزار شد. این نمایشگاه که به ارائه کتاب‌های پیش دبستانی، دبستانی و مسایل و بازی‌های آموزشی می‌پردازد، در این شهر گشایش یافت.

اینترنِت + اسامشهر

اینترنِت به کتابخانه‌های اسامشهر قدم گذاشت. به گزارش خبرنگار ما، اولین سایت اینترنِت با هدف ارتقای سطح علمی، تحقیقاتی و پژوهشی جوانان و نوجوانان در کتابخانه شهید استاد مرتضی مطهری راه‌اندازی شد.

علاقه‌مندان می‌توانند جهت استفاده از امکانات این مرکز که شامل آموزش رایگان اینترنِت، ارسال و دریافت پست الکترونیکی، جست‌وجو در اینترنِت، مطالعه کتاب و دریافت CD آموزشی است، به این کتابخانه مراجعه کنند.

برای رشد و بالندگی

نخستین کتابخانه عمومی شهر توریستی سرعین در استان اردبیل با حضور جمعی از مسئولان این استان مورد بهره‌برداری قرار گرفت.



البته این کتاب را حالا به نشر نیستان سپرده‌ام. من راضع به اثر نوشتار خودم چیزی ندارم که بگویم. اسامبورج این کتاب چاپ شده و شماره‌ان را تأیید را بر روی منم کنبد. بهترین سوآلی که دوست دارم بد یک خبرنگار گذر شما پرسد، چیست؟

اینکه تا به حال از انتشار آثارت راضی بوده‌ای؟
خوب، تا به حال از انتشار آثارتان راضی بوده‌اید؟
با وجود تمام مشکلات ادبی نشر، مخاطب و شمارگان پایین، باز هم اینکه لایق یک نفری‌دای می‌شود که نوشته من را بخواند، برایم کافی است. همین.

کوتاه کوتاه ششیرستان

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل در آیین افتتاح این مجموعه فرهنگی گفت: کتابخانه‌ها در رشد و بالندگی فرهنگی و تمدن‌نش آرزنده‌ای دارد.
۳۰۰ ناشر داخلی بر مشهد
جواد جعفری، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان گفت: پنجمین نمایشگاه کتاب خراسان از سی ام مهر در محل دائمی نمایشگاههای بین‌المللی خراسان برپااست. تا ۱۷ آبان ادامه دارد. در این نمایشگاه بیش از ۳۰۰ ناشر داخلی شرکت کردند.
تجزیر و روز حافظ شیرازی
به مناسبت بزرگداشت روز حافظ، مراسم با عنوان «هشتم حافظه در محل تالار شهید سلمانی دانشگاه کشاورزی دانشگاه تبریز برگزار شد.

در این مراسم که ۲۰۰ نفر از استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه پیشکوسان شعر و ادب استان و شعرای انجمن ادبی تبریز شرکت داشتند، دکتر شعر دوست نماینده مردم تبریز و منیر کمبسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی از حافظ به عنوان خدایت شعر و ادب ایران یاد کرد و بزرگداشت مقام شعر و ادب را به عنوان عالیترین و تاب‌ترین صورت کلام عنوان کرد.

مادگان…آمین!

مادگار فصلنامه داخلی حوزه هنری شاهرود است. این فصلنامه ده آخرین شماره‌اش در بهار ۱۳۸۱ منتشر شد، حاوی شش بخش ادبیات، هنرهای نمایشی، اجتماعی، هنرهای جسمی و تصویری است. از جمله آثاری که می‌توان در این شماره و مقاله‌دار خواند: *تأملی بر آثار پابلو گوئولو*، *گفت وگو با فرهاد عامریان* و

سرمقاله‌ای است که عماد عابدی مدیر حوزه هنری شاهرود نوشته که در «بصیرتی مرض مهلکی برای هنر مظلوروش» ثبت شده و آنها را در کارگاه‌های نمایشی، به تصویر کشیده است. او تعدادی گوا این طرح‌ها را برای کتاب هفته ارسال کرده، که یک نمونه‌از آن طرح‌ها را می‌بیند.

تیک تیک

شهریار شعبانیان

شعبانی و تاریخ کتابداری

تاریخ کتاب و کتابخانه بحثی است که از اخیر در آثار قلمی برخی صاحب‌نظران و اندیشمندان این رشته از متون تحریر شده است. «این مطور که توسط دکتر احمد شعبانی تألیف و «کتابخانه و کتابداری» مقالایی در توسعه مفاهیم و تاریخ آن نامبردار شده، توسط نشر پرسش آبیان» به چاپ رسیده است. این کتاب که شامل چهار فصل و ۱۷ عنوان است به مقالاتی چون «کتابخانه‌ها در اسلام و ایران»، «تاریخ کتاب و کتابخانه‌های ایرانی» و «اسناد کتاب و کتابخانه‌های ایرانی» و «تاریخ کتابخانه‌های کشورهای در حال توسعه» می‌پردازد.

شعبانی در این مجموعه سه فصل را به رابطه ایرانیان، دین مطهر اسلام و کتاب می‌پردازد. مثلاً بررسی تاریخ کتابخانه‌های اسلامی از قرن هفتم تا چهاردهم میلادی که بیشتر اشاره به کتابخانه‌های مساجد دارد. مثلاً کتابخانه‌های چون: مسجد الاموی (دمشق)، مسجد الاخره (قاهره)، مسجد المنصور (بغداد) مسجد الجامع (مرو) و مساجد مکمّه و مدینه (نویس) مسجد الجامع (مرو) و مساجد مکمّه و مدینه و بعد نگارنده این روند را در کتابخانه‌های خصوصی آن عصر دنبال می‌کند و در پایان فصل اول به مقایسه رشد کتابخانه‌های عمومی ایران با غرب ادر فرایند تبلور کارکردهای اجتماعی نهاد سازمان می‌پردازد.

نگارنده در فصل دوم که این روند را تا ۱۳۳۷ میلادی می‌کند تنها به تاریخ کتاب و کتابروشان و کتابداران ایرانی می‌پردازد.

ابتدا تاریخ کتابخانه مجلس شورای اسلامی به روایت اسناد و خطبه‌های ارباب کیمبر و شاعرخ و بعد اخبار کتابخانه‌ها در اوقا روزنامه «ارشاد» و در نهایت معرفی کتابخانه و فرآینت‌های شیراز و اصفهان را در خود دارد.

از جمله نکات مهمی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته برگزهای پریشان دفتر کتابداری ایران در دوره مظفری است و بعد گوشه‌ای دیگر از «تاریخ کتابخانه مجلس شورای اسلامی». دکتر احمد شعبانی که اهل شیراز است و هم‌اکنون مدیر گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تربیتی دانشگاه اصفهان می‌باشد، در فصل آخر این کتاب به بررسی تاریخی کتابخانه‌های ترکیه، باسازوی گذشته و آینده کتابخانه‌ها در کامبوج، کتابخانه مجلس ملی به سوی قرن بیست و یکم و در مجموع «تاریخ کتابخانه‌های کشورهای در حال توسعه» را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

در نهایت این تألیف شعبانی را می‌توان جزء آثار برجسته ناشران شهرستانی قرار داد که با کیفیت چاپ مناسب یا به چرخه نشر نهاده است. به امید بهروزی این مؤلف و ناشرش.

تشکیل هیأت نظارت بر نشر کتاب خراسان

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان، از تشکیل هیأت نظارت بر نشر کتاب در خراسان با تصویب شورای فرهنگ عمومی کشور خبر داد.
جواد جعفری گفت: از این پس، صدور مجوز نشر برای خراسانی‌ها در خراسان صورت می‌گیرد و نیازی به رفتن به تهران نیست. در این هیأت، ۲۰ نفر از اعضای هیأت علم دانشگاهها و شخصیت‌های فرهنگی حضور دارند.

طرح‌های ششیرستان

بساطعلی نژادی مسؤول و کتابدار کتابخانه عمومی شهید عراقی نژادی ششیرستان کشاور است. او در طول مدت کتابداری‌اش تصاویری مشاهده کرده که در ذهن مظلوروش ثبت شده و آنها را در کارگاه‌های نمایشی، به تصویر کشیده است. او تعدادی گوا این طرح‌ها را برای کتاب هفته ارسال کرده، که یک نمونه‌از آن طرح‌ها را می‌بیند.

شماره ۸۶، شنبه ۳ تپان ۱۳۸۱

نمایشگاه

کتاب‌های خارجی

نمایشگاهی از کتاب‌های خارجی در موضوعات مختلف، در مرکز نشر جهاد دانشگاهی برگزار شده است، در این خصوصی خانم می‌آبادی از دست‌اندرکاران این مرکز به سوالات ما جواب دادند:

اولین بار است که در مرکز نشر دانشگاهی نمایشگاه کتاب برگزار می‌شود؟
خیر، چند سال است که در این مرکز نمایشگاههای مختلف برگزار می‌شود، ما نمایشگاههای فصلی داریم که در سال ۳ بار (در هر فصل یکبار) برگزار می‌شود. این نمایشگاهها را چطور برگزار می‌کنید؟ وارد می‌کنیم، همچنین آثار را لیفی است از کشورها و ناشران مختلف کتاب که نشر دانشگاهی با ارز دولتی چاپ می‌کند.

کتاب‌هایی که در این نمایشگاه موجود است ، در چه زمینه‌هایی هستند؟
تمام کتاب‌های دانشگاهی، کتاب‌های هنر، معماری، کتاب‌های فنی و مهندسی و همچنین کتاب‌هایی که درسی و کمک‌درسی هستند و توسط نشر دانشگاهی چاپ می‌شوند.

بازدید و خرید برای همه آزاد است؟
بله. برای عموم آزاد است، اما اغلب، دانشجویان رشته‌های مختلف از دانشگاهها و سازمان‌ها می‌آیند.

انتخاب و خرید کتاب‌های خارجی چگونه انجام می‌شود؟

در هر زمینه‌ای ناشران خارجی برایمان کاتالوگ می‌فرستند و تازه‌های کتاب را به ما معرفی می‌کنند، در این مرکز ما متخصصان کتاب داریم، افرادی که هر کدام در حوزه کاری خود تجرب و تخصصی دارند، آنها تشخیص می‌دهند و سفارش کتاب می‌دهند.

تخفیف‌های خارجی ده درصد
بله. کتاب‌های خارجی ده درصد تخفیف دارند؛ کتاب‌های فارسی پانزده درصد و به دانشجویان با کارت دانشجویی بیست درصد تخفیف می‌دهیم، اینجا ما یک نمایشگاه کتاب دائمی داریم اما در مواقعی که چنین نمایشگاههایی برپا کنیم یا کتاب‌های جدید به دستمان برسد، اطلاعیه می‌دهیم.

کشتی و کپی

ر-شیدا

حرف‌های کتابی در کافی‌شاپ تئاتر شهر

در کافی‌شاپ تاتر شهر نشسته‌ام اینجا مکانی است که دانشجویان و بازیگران تاتر در آن دور هم جمع می‌شوند، خیلی ناگهانی تصمیم می‌گیرم با چند نفر از جوان‌ها یکی یکی آشنایم.

خودم را پیدا می‌کنم

دانشجوی هستید؟

نه. به‌طور تجربی فعالیت می‌کنم.

چقدر مطالعه می‌کنید و در چه زمینه‌ای؟
هنه‌ای ۲۰ ساعته، در زمینه بازیگری، کارگردانی و ادبیات نمایشی.

مبلغ خاصی برای خرید کتاب در نظر می‌گیرید؟
سعی می‌کنم این کار را بکنم، اما به عنوان یک جوان شرایط خوب و مساعدی برای خرید کتاب ندارم.

عضو کتابخانه هم هستید؟
بله. عضو چند کتابخانه هستم.

کتاب‌های مورد نظرتان در کتابخانه‌ها پیدا می‌شود؟
کتاب‌های مرجع را تا حدودی پیدا می‌کنم، اما کتاب‌های فنی و نمایشنامه‌ها را خودم تهیه کرده‌ام و دارم. **بهترین کتابی که خواندید؟** «هدایت اثر شکسپیر».

ویژگی این کتاب؟
من در این مونی که به عنوان یک میراث برام مانده است، سعی می‌کنم خودم را پیدا کنم، در مورد «هدلت» هم فقط می‌توانم همین را بگویم.

استان؟
محمد حسین محذراه.

از نمایشگاه ، خرید کلی می‌کنم

دانشجوی تئاتر هستید؟
نه. من بازیگر هستم.

چقدر مطالعه می‌کنید؟
اگر وقتی بلد و سرکار باشم، روزی سه ساعت مطالعه می‌کنم.

مطالعاتان بیشتر در چه زمینه‌ای هست؟

در زمینه کاری خودم.

برای خرید کتاب مبلغ خاصی در نظر می‌گیرید؟

من هر سال در نمایشگاه کتاب، برای یک سال خریدم را می‌کنم، اما گاهی هم کتاب‌های جدید را که به آنها نیاز دارم، در طول سال می‌خرم.

عضو کتابخانه هستید؟

عضو کتابخانه حوزه هنری هستم.

کتاب‌هایی که احتیاج دارید، در این کتابخانه پیدا می‌کنید؟

بعضی کتاب‌ها پیدا نمی‌شود، اما اکثر موارد کتاب‌هایی که می‌خواهم پیدا می‌شود.

بهترین نمایشنامه‌ای که خواندید چه بود؟

«مرغ دریایی» اثر رچخوف.

آخرین کتابی که مطالعه کردید؟

مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه نویسندگان آلمانی.

استان
سالمه شامخ‌چی.

روزی نیم ساعت

دانشجوی تئاتر هستید؟

نه. به صورت تجربی فعالیت می‌کنم.

در روز چند ساعت مطالعه می‌کنید؟

خیلی کم یعنی چه؟

یک اسبایوم.

من دارم برای یک هفته مخاطب در یک مجله مصاحبه می‌کنم، اگر شفاف‌تر بگویم، پتر است.

روزی نیم ساعت تا یک ساعت.

این مقدار مطالعه کافی هست؟
کاملاً نه.

در چه زمینه‌ای مطالعه می‌کنید؟

بیشتر نمایشنامه.

عضو کتابخانه هستید؟

نه.

پس کتاب‌های مورد نیازت را چطور تهیه می‌کنی؟

از دوستان امانت می‌گیرم، گاهی هم که احساس نیاز کرده، کتاب را می‌خرم.

آخرین کتابی که خواندید؟

داستان کوتاه کالنگه، اسم نویسنده‌اش یادم نیست.

استان؟
ساسان پارس.

از تفریح خودم می‌زنم

دانشجوی تئاتر هستید؟

بله. نرم آخر کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی.

چقدر مطالعه می‌کنید؟

یا هر شب یک یا بیتم می‌بینم یا ۲۰ صفحه کتاب می‌خوانم.

در چه زمینه‌هایی مطالعه می‌کنید؟

روانشناسی، جامعه‌شناسی، کتاب‌های مربوط به ادبیات نمایشی و کتاب‌های فنی.

مبلغ خاصی در ماه باخته، برای کتاب کنار می‌گذارید؟

مورد نیازم از تهیه می‌کنم.

عضو کتابخانه هستید؟

کتابخانه تئاتر شهر، حوزه هنری، فرهنگسرای ارسباران و دانشکده خودم.

کتاب‌های مورد نیازتان را در کتابخانه‌هایی که گفتید پیدا می‌کنید؟

کتاب‌های خوب زیادی دارند.

بهترین کتاب‌هایی که خواندید؟

من کتاب‌ها را نمی‌گویم، اما به آثار هدایت، بزرگ علاقه زیادی دارم.

آخرین کتابی که خواندید؟

«ایرانی‌ها روح یک مهره اثر ساندرا مگی، ترجمه شیوا دیوگریان.

استان؟
آزمین رحلی.

کتابخانه‌ها هم ندارند

دانشجوی تئاتر هستید؟

نه. به صورت تجربی کار می‌کنم.

چقدر کتاب می‌خوانید؟

در روز حدود ۲۰۰ صفحه.

یعنی ازوماً روزی ۲۰۰ صفحه کتاب می‌خوانید؟

بله. به‌طور میانگین روزی ۲۰۰ صفحه مطالعه می‌کنم.

در چه زمینه‌هایی مطالعه می‌کنید؟

داستان کوتاه، تئاتر، مجلات ادبی، نمایشنامه و فیلمنامه.

برای خریدن کتاب مبلغ خاصی را در نظر می‌گیرید؟

در ماه ۵۰۰۰۰ ریال.

با این مبلغ کتاب‌هایی مورد نیازت را می‌توانی تهیه کنی؟

نه. واقعاً مشکل است.

عضو کتابخانه هم هستید؟

کتاب‌های مورد نیازت آنجا پیدا می‌شود؟

نه. خیلی کم.

چرا کتاب‌های مورد نیازت در این کتابخانه پیدا نمی‌شود؟

چون اکثر کتاب‌هایش قدیمی است و در زمینه ادبیات کتاب‌های کمی دارد.

اگر از شما پرسند سه کتاب را به عنوان بهترین کتاب‌ها معرفی کنید، آن کتاب‌ها چیست؟

از زمان‌هایی‌توانم «خشم و هیاهو» اثر فاکتور را معرفی می‌کنم، در نمایشنامه «تیمون و آنته» اثر شکسپیر، و «بنه

غلاب» اثر آقای سائور.

خواندن را معرفی کنید؟

محمدعلی آرمونت.

فقط می‌خرم

شما دانشجوی تئاتر هستید؟

نه. جزو گرداندگان این مجموعه افانه (تربا) هستم.

مطالعه می‌کنید؟

کم و بیش.

کم و بیش یعنی چقدر؟

شب یک کتاب، در واقع هر شب یک داستان.

بیشتر در چه زمینه‌هایی مطالعه می‌کنید؟

داستان، نمایشنامه، فیلمنامه.

مبلغ خاصی برای خرید کتاب در نظر می‌گیرید؟

مبلغ خاصی نه. اما هزینه زیادی برای کتاب می‌پردازم.

بهترین نمایشنامه‌ای که خواندید را به ما معرفی می‌کنید؟

نمایشنامه‌ای است به نام «مخرس‌های پاندا».

نویسنده‌اش یادم نمی‌آید!

این نمایشنامه ۹۰ رده دارد، اما در یک پرده دیدنی‌ترین‌گی که شخصیت مرد دارد حرف «آ» است، یعنی او منظور خود را با همین یک حرف می‌سازد.

آخرین کتابی که خواندید چه بود؟

سینما به روایت هیچکاک.

عضو کتابخانه هستید؟

نه. بیشتر کتاب‌های مورد نیازم را می‌خرم.

استان؟
ملاحسنی.

کتاب تازه‌ای که از منوچهر دانش‌پژوه توسط انتشارات ظهوری عرضه شده

است، تفتن ادبی نام دارد.

در این کتاب بازهٔ نوع از تفتن‌های ادبی نظیر، چيستنا، ماده تاریخ، بحر طویل، طنز، هول، حجو و… مورد بررسی و معرفی قرار گرفته و شواهد و نظایری درباره هر یک از آنها از مشهورترین سرایندگان شعر فارسی و کسانی که در هر یک از این فنون تبحر

و مهارت داشته‌اند، ذکر شده است.

«تفتن» گاهی بار معنایی مثبت و گاهی منفی دارد و تفتن در هنر از موارد مثبت آن است. زیرا شاید بتوان گفت که تفتن، نقشی مؤثر در نوع و تحول هنرها دارد. هنر، مولود زیبایی‌ستنی است و عناصر شکل‌دهندهٔ هنر، ساختار آن و تنوع هنر، توس ساختار بیرونی و مفاهیم درونی آن است. نقش هاورنگ‌ها و آواها در هنرهایسمی فراوان دارند و شعر که از ترکیب کلام و صدای خوش (موسیقی) ظهور می‌یابد، هم از جهت کلام که دارای معنات و هم از حیث صدای، پیش از هر هنری توزیع‌پذیر است. در تنوع شعر، نعتن نیزفتنی قابل نگاه دارد و تحول سبک‌های ادبی نیز با نعتن رابطهٔ مستقیم دارد. نویسنده کتاب تفتن ادبی در مقدمهٔ کتاب می‌نویسد: «در تفتن نعتن، نعتن در نیت نوع و تکامل حالات و صفات انسانی آنچه را که ما در این کتاب به‌صحن تفتن ادبی می‌اندازیم قسماً از فراغ منجزهای شعری است که عارفان‌ها و هنرهای گروه‌گونی را در شعر متضمن است.

در تفصیلهای جدولی شعر مطالب مختلفی در شعر فارسی مذکور آمده که تحقق‌یلمی دربار آن‌ها انجام شده است و سبب آن بوده است که معمولاً تفصیلهای شعر در زبان و ادب فارسی، بر اساس قالب شعر بوده است که در کتاب ادبی‌الواع شعر

کتاب



تفتن ادبی

را به تفصیله و قول و مثنوی و رباعی و قطعه و… تقسیم کرده‌اند. و در این تقسیم‌بندی محتوا مورد نظر بوده است… نویسنده پس از ذکر منجزهای شعر فارسی که به شاهده نوع باغ می‌شود می‌نویسد: «… گسترده‌گی شعری نظیر فارسی، شعری که هزار سال از عمر آن می‌گذرد موجب شده است که بعضی از موضوعات شعری، خاص زبان و ادب فارسی باشد. مثلاً موضوع عرفان و تصوف که در دیگر زبان‌ها، حتی زبان عربی که زادگاه تصوف اسلامی است یا یکی از مواض مهم مباحث‌ایمان آن است در کتب تثر و فلسفه و عرفان مطرح است و کمتر به شعر رسوخ یافته است. در حالی که در زبان و ادب فارسی، مجموعه‌های شعری عرفان و تصوف و بر آثار متون در این مقوله رجحان دارد و تأثیر عرفان در مردم ایران، اهم از خواص یا عموم از طریق شعر شاعران عارف صورت گرفته است. همچنین موضوعاتی چون مناظرات شاهزانه گفت وگوها، مجاهد، معما و چیستان و ماده تاریخ و نظایر آن، با مخصوص شعر فارسی است و یا اگر در اشعار دیگر مطلقاً نظیری داشته باشد در مقایسه با آنچه در دیوان‌های شاعران فارسی‌زبان دیده می‌شود، اندک و ناچیز است. کتابی که در اینجا به موضوعات ما که در منابع فارسی فراوان است، خیلی می‌دید تصمیم گرفتیم به تألیف این کتاب دست بزنیم.

این کتاب که نخستین تألیفی است که همه تفتن‌های ادبی را در بر دارد، می‌تواند راهگشای پژوهش‌هایی جامع‌تر قرار گیرد که در زمینه تفتن‌های ادبی، ضرورت آن احساس می‌شود.

چاپ

همکاری شبکه رادیویی جوان و انتشارات سمت

شبکه رادیویی جوان و سازمان مطالعه و تدوین کتاب‌های درسی دانشگاهها، سمت -جهت ارتقاء اهداف فرهنگی نظام آموزشی خواهند کرد

این سازمان باکتون بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب در حوزه‌های مختلف به چاپ رسانده است که با قیمت ارزان در اختیار دانشجوین قرار می‌گیرد. کتاب‌های این مرکز در سه بخش درسی، کمک‌درسی و مرجع منتشر شده‌اند. نورالله ربانی، مدیر گروه جوان و فرهنگ شبکه جوان نیز ضمن تأکید بر مؤثر بودن کیفیت روابط موسویه در پیشبرد اهداف فرهنگی نظام، فعالیت انتشارات سمت را در زمانی که با فقر فزاینده بود و در حوزه علوم انسانی این جنبه پیرونامه دکتر احمدی، مدیر عامل انتشارات سمت برای ریاست سازمان صدا و سیما یعنی بر مورد بی‌مهری و واقع شدن این سازمان از سوی رسانه‌ها پر گزاف‌رشد.

نمایشگاه کتاب‌های تخصصی در مرکز نشر دانشگاهی

دوازدهمین کتاب‌های تخصصی در نمایشگاه کتاب مرکز نشر دانشگاهی تا ۱۲ آبان هر ماه در میهنده، علوم در نمایشگاه پیش از پنج هزار عنوان کتاب در زمینه ادبیات و علوم انسانی، فلسفه و ادیان، فنی و مهندسی، علم پایه، هنر و معماری در اختیار ما آجمان قرار می‌گیرد.

کتاب‌های موجود در نمایشگاه تا ۱۰ تا ۱۵ درصد تخفیف برای آثار داخلی و ۲۰ درصد تخفیف برای دانشجویان به فروش می‌رسد.

بازدید از نمایشگاه از ساعت ۸ صا ۳۰ دقیقه تا ۱۶ و ۳۰ دقیقه در خیابان شهید دکتر بهشتی، خیابان احمد قاضی، شماره ۸۵ امکان پذیر است.

آن سوی نسیم

ایراهم روز آرا

اسماعیل یورد شاهیان، شاعر:

همه چیز در سطح گذشت

آینده شانه شده را چگرنه می‌بیند؟

به اعتقاد من تفاوت در زمینه شعر شادان هنوز کمی زود است. باید در انتظار بود تا آثار خلق شده منتشر شود و بتوان تفاوت درستی کرد. اگرچه من بسیار ایدئولوگ و معتقد کم تفاوت با همه مفاد و پیش‌فرد را آن خوانده بودم که در دو سال آغازین می‌توان پیش‌زمینه‌های آن را دید. بودم نوعی تحول یا بین در جوهر زبان شعری که در دهان ذره‌بین جوشی معتقد را کتر خواهد بود و ایدئوری دیگر با نگاه تازه به شعر خواهد داد.

از شعر همه هفتاد گردید.

شعر هفده ناز به یک بررسی و پدیدارشناسی عمیق دارد که در این گفت وگویی کرده‌ام نمی‌توان دقیقاً به آن پرداخت. در آن دهه باطنیه‌ها نوشته شدند. کارهای شعری شکل گرفتند و هرگز راه ادبی نکتند و سبک خاص داشت و به تلیغ عرق فکر و سلیقه پیورده اخت. از موسی دیگر ساله تثری‌های فلسفه زبان و نقد و پیماستی دسترس گسترش یافت و گروه‌های شعری در رسانه‌های خود هر یک اجاق گروه خود را افروخته داشتند و دیدید که همه چیز در سطح گذاشت و بیشتر به یک جریان روزبانیستی ضحایت شده تشبه بود و آن همه سر و صدا و تلیغ، گروه‌بازی، کارگاه سازی و کوشش از احساس جوان‌ها بی‌تابنا چیزی به شعر امروز ایران شاد.

مشکل مهم شعور جوان بی‌تابی و آکادمیک و فلسفی شاعران و نویسندگان ماست که مطابق کثرت از چین‌گذاشتن رخ می‌بند. پایتخت نشینی، استفاده از تیرون یک تشریه و تلیغ و اسم بر زبان‌ها انداختن کسی را به تعلق نرسانیده و نخواهد رساند. نه شعر زبان، نه گفتاری، نه پستیایی… هیچ کدام دارای زیربنای تفکر و تئوری فلسفی و انسانی بوده و هیچ کدام نویسنده‌اند در این چه تئری برتر است چینی که حداقل ملی ارائه دهند.

کتابیات

محدردها زانوی

نسخه سفر

اگر نظام بخش و توزیع کتاب و محصولات فرهنگی در کشور سر و سامان درستی داشت و اطلاع‌رسانی در حوزه نشر،معامله‌ریوریورده بود، آن وقت می‌شد جلوی بسیاری از هزینه‌های مادی و معنوی نشر کتاب را با انتشار نسخه سفر گرفت.

نسخه سفر نمونه‌ای کامل از یک کتاب است که قبل از انتشار سراسری و در شمارگان گسترده با شمارگان بسیار محدودانه‌عامتعالیه‌نمایشگاه اصلی توزیع و سرشانه‌های بخش در مناطق مختلف، به چاپ می‌رسد. آن هم به‌شيوه‌های خاصی مانندت چاپ دیجیتال یا رسوگراف یا حتی ژورنالی و صحافی‌شنی. آن وقت نمایندگان اصلی بخش می‌توانند تصمیم بگیرند که آن کتاب موردتقاضیانت است یا نه.مهرمان اطلاع‌رسانی فعال در حوزه کتاب نیز محمول را به مخاطبان کارشناسان تخصصی معرفی خواهد کرد و در مجموع تأثیر را ششاد و احواطه دقیق نسبت به چاپ کتاب و شمارگان نشر آن تصمیم خواهد گرفت و چنین نخواهد بود که نشر خواهد سرمایه خود را به چندین ساله مطول بگذارد و مدعهم منتظر باشد که آیا این همه مشکلات ارسی و رسداری چیزی از کتاب فروش خواهد رفت یا بعد از چندماه خارج از جایک او نقد بشود یا خیر؟

آن روی سکه

وقتی مساحت از قسمت طموحات و مقایسه اوضاع نشر کتاب با آن شود قفیه لعناتقلی پیدا می‌کنند، یک طرف مسأله این است که به خاطر حسلیت‌های سیاسی وژانر ادبی‌کن چاهم موسومای به نظر می‌رسد طموحات خیلی در مقام طرح هستند و کسی کار به کار کتاب ندارد ولی از آن قلم‌هایی که درست دقت کنیم، می‌بینیم چراغ‌ها دیگری زبازرد.

مطبوعات عزیزتر نیستند!

وقتی فرض می‌کنم مطبوعات پیش صدا و سیما عزیزترند، شادمان از مدعا در سیرال بدون شرح و آذانی کاروسی هم هست. گرچه طهار این زمینه برای نخطه گروه‌های خاصی از روزنامه‌نگاران و نشریات زود آیین‌یاب تولد شده اما همه درتیم که برآیندنتیجه آن توجه کلی، اصل و سببها به حوزه مطبوعات و دیگر نهاد قهر، مخطفی، بافتن و روزنامه‌نگاری است. اما این وسط یک‌دوامت دیگر هم وجوددارد که ضمن مطبوعات زود توف نشانه‌زوری‌ها ژانر آن حوزه کتاب نیستند.گذار وقعی به سرایک نشیبه می‌اید و این‌س حکم صادر می‌کند. مسیر مسوزل را به زندان نمی‌فرستد آلمای تحریری و همکاران رایگاری می‌کند و کلی صادرات علمی و معنوی می‌آفریند. اصل جزئی‌تشریه‌ها دوست می‌رود. ایاد مجله دانستی‌ها و خاتم بهیواد ی بقیه نشریات روزنامه‌نگاران به اخیر! اما وقتی دادگاه می‌خواهد درباره یک کتاب حکم کند خیلی کم دست بالا بگیرد. معیر مسوزل انتشارات (با استشاری می‌کند و به توضیح می‌دهد. بعد فوئش دستور جمع آوری کتاب صادر می‌شود که البته دیگر همه نسخه‌هایش یوی همین فاصله‌به فروش رفته و قفیه به خیر و خوشی تمام می‌شود. باز هم تأشر می‌تواند کتاب چاپ کند و باز هم می‌تواند به کارش ادامه یابد. و کسی هم خیردار نمی‌شود که به قفل معروف خانی آمده و خانی رفته و خیربازی خورده شده و…

فراخوان

ششمین دوره مسابقه کتابخوانی ویژه نمایندگان استان فارس

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس از طریق کتابخانه عمومی نمایندگان استان فارس اقدام به برگزاری ششمین دوره مسابقه کتابخوانی، ویژه نمایندگان، کرده است. این ورزش‌های که از کتاب تاریخ پر افتخار مختصری از تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران تألیف دکتر سید ابوالقاسم فرزوانی انتخاب شده، از تاریخ ۱۳۷۳ در قالب نواز در کتابخانه عمومی نمایندگان، واقع در خیابان طالقانی کتابخانه دستیاب، عرضه شده است.

این از من در مورخه جمعه ۲۲/۷/۷۷ در کتابخانه عمومی شهید آیت‌الله دستگیربزرگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۳۹۹۱۹۹ تماس حاصل کنند.

شماره ۸۶، ششمین آبان ۱۳۸۱

رؤیا صدر مولود، ۱۳۳۶، تاریخ‌الحصول رشته ریاضی و علوم کامپیوتر از دانشگاه تهران است. کار مطبوعاتی را از نشریات امید انقلاب و پیام انقلاب در سال ۱۳۵۸ شروع کرد و اولین انتشاریه که چاپ شد، بی آنکه بخواند، در قالب طنز بود. سپس به مجله نذرروز رفت و پس از مدتی خبرنگاری و همکاری در تعزیریه، به عضویت شورای سردبیری درآمد. او در سال ۷۱ هجری قمری با گل آقا را آغاز کرد و تاکنون کتاب‌های، *ظرف‌تنگ زندان*، *پوشنگر*، *مرد علوم انسانی*، و *عجربانه* *مسرمانه* (مجموعه طنز) را چاپ کرده است. به طنزی نیز اثری به نام *ولی از سوی نشر عرس* با نام بیست سال با طنز انتشار یافته است.

بین ریاضی که رشته تحصیلی شماست یا طنز چه رابطه‌ای دهیید که سرعاً آن فریقد؟
لبثه من اصراً نداشتم. سرخ سراز بودم، خودش سال تجربی‌ای در عرصه طنز ایجاد شده است، بخصوص در زمینه کتاب‌های طنز ما با تحولاتی مواجیهب. دارم روی چاپ دو مستم کار می‌کنم که این تغییر و تحولات را در آن با بایوم و بانشری هم صحبت کردم. امیادرم چاپ مجدد یهودی منتشر شود و من و شما، سه سال دیگر دوباره نشینیم و درباره چاپ مجدد آن بحث کنیم! در عین حال بحث روی طنز سال‌های ۷۵ تا ۷۷ هم جای خودش را دار و فکر نمی‌کنم موضوع کهنه‌ای باشد. درباره تجربه تهیه مطالب و تقسیم‌بندی‌های که در این زمینه داشته‌ام بگویم.

موضوع کتاب، طنز مکتوب است که در دو عرصه متغلی می‌شود؛ یکی مطبوعات و دیگری کتاب. طنز مکتوب، به حداقل تا سال ۷۷ پیشتر در مطبوعات متغلی می‌شود. بعد از سال ۷۷ در کتاب‌های طنز هم شاهد تغییر داریم، البته بخشی از آن مربوط به کتاب‌های ژورنالیستی است، بخشی همان مطالبی که توی روزنامه‌ها منتشر می‌شود حالا به صورت کتاب درآمده است. ولی در مجموعه طنز پس از انقلاب، در طنز مطبوعاتی متغلی شده است. علت آن هم روزآمد بودن کار مطبوعات و کارکرد سیاسی آن در نبود دیگر زمان‌های مدنی است. در این کتاب طنز را به چهار مقطع زمانی، یعنی ۵۷ تا شهریور ۵۸، دوره آزاد مطلق مطبوعات، پیش از دوره محدودیت طنز (دی ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۷) و پس از آن تقسیم کرده‌ام و قایت‌نمندی‌های حاکم بر طنز هر دوره را بررسی کرده‌ام و در این میان به صورت متفک طنز نویسنان اثر گذار بر جریان طنز این سال‌ها را معرفی کرده‌ام و ندونه‌هایی از کار هر کدام را آورده‌ام. در بخش کتاب‌های طنز هم به بررسی آسانی کتاب‌های انتشار یافته طنز پرداخته‌ام.

دو جریان کارآ یا مشکلاتی هم مواجه بوده‌اید؟

چه در بخش کتاب و چه مطبوعات، در سال‌های ابتدایی انقلاب ابوضاع اقتصادی و ظرفیت توزیع رویه‌رو بودیم. سال ۵۸ نشریات متعدد، انتشار گان ادبک و بدون سامان در امر توزیع چاپ می‌شدند. اولین جهت‌دسترس به برخی از نشریات طنز آن دوره اصلاً ممکن نیست و من هم تجربه مراجعه به مرکز کتابخانه‌های متعددها، نهادهای مجبور شدم برای دستیابی به ویژگی‌های بعضی از نشریات طنز انتخاب نموده بودم. ولی ۷۰ تا توانستم در کتابخانه‌های بزرگ کتب، منابع کتابخانه‌ای جامع نیستم. حتی برخی از نشریات طنز دهه ۷۰ تا توانستم در کتابخانه‌های بزرگ (کتابخانه دانشکده تهران، ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجلس شورای اسلامی) پیدا کنم و بناچار دست به دامن افراد اشخاص شدم. در زمینه کتاب هم به نوعی

بااین مشکل مواجه بودم. در سال ۶۲ سیستم اطلاع‌رسانی در مورد کتاب‌های چاپ شده (کتاب هفته، کتاب ماه، …) وجود نداشت. و من مجبور شدم برای دسترسی به فهرست کتاب‌های انتشار یافته در بین سال‌های ۶۵ تا ۶۷ اطلاعاتی بپرکنم. از این طرف و آن طرف مرا حهه کنم. ضرورت گردآوری چنین کتابی را در چه دهیید؟ به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موضوعی را برای تحقیق در زمینه‌های مختلف ادبی طی بیست سال ابتدایی انقلاب مشخص کرد که یکی از آنها، طنز بود. یعنی تا قبل از این چنین سرگسی شده بود؟ چرا فقط این بیست سال را بررسی کرده‌م؟



● طنز یک ژانر ادبی است. قرار نیست شاخ غول را بشکند یا در خدمت پیششرد اهداف جامعه قرار بگیرد

تا آنجا که من برخورد کرده‌ام، تحقیقاتی که در این زمینه حداقل در مورد طنز پس از انقلاب انجام گرفته است اگر چه کارهای ارزشمندی بوده است ولی بیشتر، به طنز نویسان و معرفی و نقد سبک آنها اختصاص داده تا بررسی و تحلیل سیر تحول طنز با توجه به پس زمینه‌های سیاسی، فرهنگی به وجود آورنده و تأثیر گذار بر آن طنز. مقالاتی است که باحوالات فکری و سیاسی و اجتماعی ما، مگره خورده است. یعنی با در نظر گرفتن پس زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و تحولات فکری است که می‌توان به فرک روشنی از طنز و سیر تحول آن رسید. در این کتاب من سعی کرده‌ام قایت‌نمندی‌های در زمینه حرکت طنز برسم و زمینه‌های تغییر و تحول در سیر حرکت آن را بررسی کنم. فکر می‌کنید آینده طنز مکتوب کشور ما، به چه شکلی خواهد بود؟ یا توجه به اینکه برخی معتقدند طنز قوی، زبان دوره فشار و التهاب است.

سخت است پیش‌بینی کردن آن. در جامعه‌ای که فردام به قایل پیش‌بینی نیست اینبند، قدر مسلم این است

رؤیا صدر:

طنز سراغم آمد!

کوت وکوت

مریم طاهری مجد

که فکر می‌کنم طنز امروز جامعه ما طریقه همه مشکلات ترانسه است زبان جدیدی برای ارتباط اجتماعی‌ها پیدا کند. بعد از آن تحولاتی که از سال ۵۸ ایجاد شد، زبانه شدن قارون مطبوعاتی، جنگی که تعطیلی نشریات طنز را در پی داشت، کوته‌تر صابری در سال ۶۳ و در ادامه حرف حساب اطلاعات، توانست زبان جدیدی مناسب باحوالات روز جامعه برای ارتباط با مخاطب پیدا کند و پدیدآورنده نقطه عطفی بود. مطالبی آقای صلاحی در نشریات نخست، مهر، و پلاس، زبان یافتن ریاضی مناسب با نیاز جامعه و تحولات آن به تناسب طیف مخاطبان بود که گذار یک ادبی داشت. گاه سیاسی و… به نظرم می‌رسد

در حال حاضر دوره‌های طنز نویسی، می‌گردد و زبان و قالب مناسب برای آن راه مفهوم و اثر خود پیدا می‌کند. ویژگی‌های آن، متفاوت است. در شرایط بحران و تنش، خفا سیاسی و جناحی، می‌شود که به سمت خروج می‌گراید. صراحت، ویژگی طنز این دوره است. معمولاً در چنین شرایطی طنز فرصت این اثر را به قلم برادر دارد و به خاطر ورود مستقیم به همه مسائل سیاسی خدایان می‌کند. اگر هدفش، خدمت یک جریان خاص سیاسی باشد، مومجی ایجاد نمی‌کند و زمینه‌سازی تحلیلی اساسی نمی‌شود. گورسویی زیاد و بی‌از بین رفتن بحران و تنش، از بین می‌رود. در شرایط فشار، طنز، ممکن است طیف وسیع مخاطب را دست‌نهدا، چون ناچار است که به پیچیده‌گویی، استعاره و دیگر صنایع ادبی بپردازد. این رو ارزش ادبی پیدا می‌کند و ماندگاری آن بیشتر می‌شود.

آیا وقتی طنز متلاطم می‌شود به دوره بعد از خود راه مخاطب شد طنز قیل از آن اقت مخاطب ندانست؟

منظور من از مخاطب نیست؟ ملاحظه‌تان باد که ارتباط با اکثر مخاطبان ندارد. ببینید مسگر و قلمقه‌های خالی بهرام صادقی، بعد از سال‌ها چاپ شده‌ان هم با شدار گان سه هزارچه انقلابی افتاد؟ آن وقت چهارده یک اختره ایچ و شوگراد در عرض یک سال ۲۲۸۲۸ بار تجدید چاپ شده، اتفاقاً رخکس است. یعنی یک طنز عمیق و سنگین را گاه مردم در نمی‌یابند. با مخاطب عام حرف زدن، گاه ممکن است خطر مورد فهمی را در طنز به وجود بیاورد. البته این را هم بگویم که برای مخاطبان عام نوشتن، کار هر کسی نیست. گفاهه نویسی کار بسیار مشکلی است. اصولاً کار طنز برای مردم ما، کار بسیار سختی است. ببینید جوک‌هایی که مردم می‌گویند، گاه عمیق‌ترین طنز را دارد.

یعنی شما می‌خواهید بگویید طنز شقایق تون از طنز

مکتوب است؟

این نشان می‌دهد که ما آدم‌های شوخ طبعی هستیم. لکین تالیف‌ها، محدودیت‌ها و چارچوب‌ها، به صورت لطیفه و جوک بازناب پیدا کند. به ذهن می‌گردد طنز شقایق ما، بازناب این محدودیت‌هاست که از ناخودآگاه جمعی ریشه می‌گیرد و امکان ظهور و بروز طلی به آن داده نشده است. در طنز مکتوب هم باصراحت و روشنی نمی‌توان آن حرف زد. ولی نمی‌شود گفت کدام قوی‌تر است. هر کدام جملی در دو آراء.

در جوامع در حال توسعه طنز دو پیشبرد جامعه چه نقشی را ایفا می‌کند؟

طنز یک ژانر ادبی است. فرار نیست شاخ غول را بشکند یا در خدمت پیششرد اهداف جامعه قرار بگیرد. پیششرد اهداف جامعه را به سیاستمداران با هر کسی دیگر که می‌خواهید را بگذارید. طنز، از آنجا که هنر است، به نوعی روح نویسنده در ارتباط با مسائل بی‌ارموش می‌پردازد. از این جهت می‌تواند سیاسی باشد ولی در خدمت سیاست یا غیره بودن اصلاً به نظر من کار طنز نیست.

پس چرا بعضی‌ها طنز را گونه‌های ادبی نمی‌دانند؟

چون طنز، اجتماعی‌ترین فعالیت روانی است به خاطر مخاطب آفریده می‌شود. اولین رافرفیید کهنه‌ای برای همین بعضی (مثلاً بزرگسگن) نمی‌گویند که طنز، اصلاً هنر باشد به زندگی هنر و زندگی است. هر چه اصیل‌تر مهمترین خلقت‌های طنز، اجتماعی بودن آن است. در صورتی که دیگر هنرها فردی هستند. شاید به همین دلیل باشد که می‌بینیم طنز پیششرد از گونه‌های دیگر ادبی، پس از شتر و طوط، کارگردانه‌ای داشته، در مقاطع حساس به شدت سیاسی شده و طنز نویسنان بزرگ، از طریق روزنامه‌ها و نشریات به جامعه معرفی شده‌اند. ولی در حال طنز، هنرها است و ویژگی‌های آن، هنری را دراست. **آگاهی جامعه را از مفروضه‌ای به نام طنز در چه سطحی دیده‌کند دست به تنظیم چنین کتابی زده؟**

طنز از نظر مردم ما با دیگر شاخه‌های مختلف شوخ طبعی (مثل خنور، خزل و…) یک چیزی کره خورده است. همه اینها را مردم ما طنز می‌دانند. به هر حال، فرهنگ جامعه ما، فرهنگ شفاهی است و از طریق رسانه‌های شعری (رادیو و تلویزیون) بخشی از سلیقه مردم در رابطه با طنز شکل می‌گیرد. برای همین هم ممکن است ملاحظه خاصی را که متلامن با دیگری می‌پسندیم خیلی هائینسند. من خودم فکر می‌کنم طنز یک جور دیگر دیدان است.

پس چرا در یک دوره خاص مثل دوره ۶۷ به بعد رویکرد مردم به طنزهای عمیق زیاد نشد. در آن دوره مردم به طنزهای سطحی و طراست متغلی زیاد داشتند. در آن شرایط، جامعه مطهیب بود و فرهنگ متغلی زیاد التهاب و تنش حرکتی می‌کردم. می‌توانست مخاطب زیاد داشته باشد. البته نباید گذردن زبان متناسب و متناسب با زبان جامعه در هر دوره‌ای، خود هنری است که آن را نمی‌شودنی کرد. معضلت‌ها برخی از آثار طنز همین دوره (دوم خرداد ۶۷) به بعد، ازینک درخرف آثار طنز عمیق و ماندگار قرار می‌گیرند.

رؤیا پیروزاد برنده جایزه مهرگان ادب شد

چوبه‌ها نوشته رضا قاسمی نویسنده ایرانی مقیم پاریس اهدا شد.
در این مراسم همچنین اعلام شد سال گذشته احمد محمود جایزه نقدی را که یک‌با به منظور یک عمر تلاش به وی اهدا کرده بود برای شوقین نویسندگان جوان به صندوق یکا پایاگرداند و به همین دلیل هیأت داوران مهرگان ادب به منظور حمایت از نویسندگان جوان این نویسنده بزرگ در نظر دارد از سال آینده به بررسی آثار دامت‌نویسنان جوان ارجا کند. جایزه مهرگان ادب محمود و به ارائه اهدا کند.
دومین جایزه مهرگان ادب هم در همین مراسم به پرویز بزرگ دولانی به خاطر کتاب خوشگسالی و راههای مقاله با آن در ایران اعجاز گرفت.
این جایزه به دلیل طرح مناسب و مغلوب بیده، خوشگسالی و راهکارهای مقاله با آن به این کتاب اهدا شد. مراسم مهرگان ادب و علم در محوطه اشخانان کا و با حضور جمیع زبانی از میهمانان غروب روز بیست و هشتم مهر برگزار شد. در مراسم امیراحمد مسجدجامعی و علی اصغر رمضانپور نیز حضور داشتند و با پدیدآوردن گان آثار به گفت و گو پرداختند.

یادداشت میراث‌سادات حسینی

شعر جوان افغانستان در دفتر شعر جوان ایران

سالان آفتاب زخامه هنرمندان، سملو از شاعران، پیشکوتان هنر و به نوبه اهل و علاقه‌مندان هنر بود، به انضمام نگاههای چشمشان مومنی به اغلب ایرانی‌ها این چشم‌ها را دوست دارند. در راهروی طبقه دوم «خانه هنرمندان» روی میز نسبتاً بزرگی مجموعه شعرهای شاعران جوان و برخی چهره‌های مطرح شعر ایران قرار گرفته‌است و استقبال خوبی هم صورت می‌گیرد.حالی که توجهاز پرسش و دیدگاه‌های تازه و آرازا احساسات پراز هرم و گام‌گشایی است.

بالاخره ساعت حدود ۱۵:۳۵ از ظهر بود که هیاهو اندکی فرونشست و می‌رفت که به سکوئی بدل شودنامه چشم و گوش شوند.شاعران جوان از تهران و شهرستان‌ها یکی پس از دیگری با اعلام مجری شعرآرسان را می‌خواندند. امروز ۲۲ بهرمه است. اولین آواز روز از کنگره سراسری دفتر شعر جوان ایران.

روز بعد هم به همین ترتیب،همه چیز در ساج، ساگی، زیبایی و تقصیبات در حال اجرا وتمام بود.فقط سوزنی برای من پیش آمده بود. شاید برای بیشتر شاعران، آنکه چرا بعضی از شاعران حسدست، است.اگر کسی پیش آمده‌اند بعضی از اشعار از خوب قافیه‌ی بری بهره نبرودند.

هرچه بود این فضای هنرمندانه دفتر شعر جوان هم چندتن به مدت سه روز و دعوت همین مؤسسه در هنلی اقامت گزیده بودند و مجال یافته بودند تا به ارائه اشعارشان بپردازند. آن آنجا که همیشه چند شاعران پایتخت نشین و غیر وطنی است، اما با این شرایط در این مؤسسه چنین ثانوی ملاحظه نمی‌شد.

اما آنچه از همه جالب توجه تر بود حضور همان نگاهها یا چشمشان مهرب بود. این نگاه و نگاه بر شعر جوان ایران به شعر شاعران جوان افغانستان زیر پوشانه شده بود. وقتی یک شاعر جوان افغلیه خاص خودش شعری می‌خواند،بال‌های او لبخند می‌شد.شدهنرهای وقت به سبک هندی و خنماهیجه بدل ...

وقتی کلمه‌ای را که ما هم در زبانمان استفاده می‌کنیم و به گوشمان آشناست، یک شاعر افغانی در حین شعرش تلفظ می‌کرد و مثلاً به جای کسره‌اش فته‌های می‌گفت، لبخندها پر رنگ تر می‌شد. من مرتباً به این موضوع فکر می‌کردم که چرا شعر جوانان افغانی محکمتر و ایرانی‌تر از شعر جوان ایرانی بود، یا هر باری که شعری از افغانستان با ایران خوانده می‌شدنظن من قوت می‌گرفت که این آقبال و توجه حضار تنها به لحاظ لهجه افغانی‌ها نیست.

و این‌که به چشم امده که شعر جوان افغانستان در مقایسه با شعر جوان ایران محکم‌تر و ورزیده‌تر بود ، به اضافه استفاده از القافی سطی،ظن من این فکر حسیابه ذهن می‌آمد که دل افغان، زیر غربت است و جنگ، او این دو راجحت را با همه وجودش آسین کرده و خنجر شده آفتابست و گفته بلام‌چون در افغانستان مجالی بهتر از نقد برای روز احساسات نیست.فقط نقد روز و نقد است آنجا که احساس می‌شود شعری دارد که بآواز سبک هندی است. بدون تردید دلل آن بنیاد شعر جوان افغانستان است یا پیشینه شعران. یعنی همان عنصر مهمی که مادشعر جوانان کاهمی هم گزینی،بیم،افغان بعد از سال‌ها مازده برای استقلال و هویت دریافته که شاعر بدون پیشینه، مثل بدخون ریشه است که با اندک ویش و تراخت باقی به کن می‌شود.اما درخت ریشه دارا

باقی باید باشد.سهمنا که ریختن کشید که هرودی روز و دو نگاه به پایان رسید.ماتی که دیگر شب شده بود و قرار شد در صبح طبع‌الجنین شاعران ایران مراسم خاصی برگزار شود.با هم مجالش شادی،شب و چترافلی و ریوش یکیز و مردم فراهه را کستر افغانی و خنکای نسیم شانه پیروی. اینکه هرگز می‌بخشیدی که همان‌تاریک‌روشنی،مطهر،مطمئن،آشامی می‌دیدي که در هر حال به لبخندی روح ندایی.به نوبه نمود، آغوش نشود ماند یک دست مریدان خاص برای بیان و همه دست‌اندارکان خویش کفر دفتر شعر جوان و در کنارش هم همان سوزانی که عمارتش بزرگ روزگرمی‌شود.هنر آدم را می‌تواند مستعد و پراز آرمی گویم.هر چند که جز گزارده نشده‌است.علی‌امه که شنیدم که هرگز گواهی که هر ساله از سوی دفتر شعر جوان بر می‌شود.به شعر جوان کشور دیگری زیر خادمی می‌شود.اسمال،صحنه،مصعب شعر جوان افغانستان شد.منظور من نظیر تاکنگل سال آینده.بند که دفتر شعر جوان ا صاحبان دیگر شعرهای مسؤلان سال‌های بهتر و بهتری را پیش رو داشته باشد.

کاداول

فرزانه قوامی سراینده مجموعه شعر «گفته بودم، من از نسل شهرزادهای مضطربم»

باید دغدغه‌های فروغ شدن را کنار بگذاریم



معمولاً اولین سؤالی که از شاعران یا نویسندگان زن می‌شود این است که به عوری شعر زنانه و موانع معضند یا خیر؟ اگر ممکن است شما هم نظراتان را بگویید.

خیران حرف را به عنوان یک توری نمی‌پذیرم. این واقعیتی است که دنیای زنانه، با بسیاری مرادنه متفاوت است. ولی به طور کلی همه ما یکسری دغدغه‌های فکری و احساسی داریم که فکر می‌کنم این بیشتر به نوع بشری برمی‌گردد تا به زن یا مردن بودن. حالا اگر تمام زن‌ها شعرهای احساسی یا بدون گرایانه‌تر گویند نمی‌شود گفت هیچ مردی دیگر حق سرودن این نوع اشعار را ندارد. کاهي اوقات من اثری را مطالعه کردم که دغیت و اندیشه حاکم بر آنها بسیار به فکر زنانه نزدیک بوده‌است. شاید این امری بدیهی باشد که مردان زمانی به روح هنر و آگاهی نزدیک می‌شوند که بعد زنانه وجودشان حساسیت‌پذیرتر باشد. به هر حال باید انسانی به زندگی و هر نگاه کرد. چون این واقدی زن و مرد نمی‌شاند.

بسیاری از دوستان اهل شعر می‌گویند که شاعران زن امروز به گونه‌ای دغدغه فروغ شدن را به یک می‌کنند.

این حرف درست است؟

فروغ شاعر بزرگ و هنرمندی برای تمام زمان‌هاست. راستش من زیاد از واز دغدغه سر نمی‌آورم. اینکه ما بیاییم و بخواهیم مثل آدمی بشویم که راه خودش را رفته و به اوج مطلوب خود در زمینه رسیده اصلاً برایم قابل درک نیست. ما باید مثل فروغ شدن را کنار بگیریم. فروغ حرف خودش و شعر خودش را سرود. ما اگر تمام انرژی‌مان را صرف این کنیم که به فروغ برسیم راه به ناکجا آباد خواهیم برد. همین‌طور اگر مردی بخواهد تمام فعالیت ذهنی خود را صرف این کند که به سبک باشد یا تما شود فرقی نمی‌کند.

شعر فروغ باید برای ما تأثیر و اثراتی را به هم‌راه

بیانود که ما را به مستی و سوسی کمک سوق دهد. در

سبک فروغ به تنهایی ماندن و ماندن شاید کار درستی نباشد.

حس نمی‌کنند که شعر امروز ایران به گونه‌ای نیاز بیشتری در فوطه به اصمات فکر داده؟

شعر امروز فکر خاصی خودش را دارد ولی این فکر خاص در لایه‌های فرم و تکنیک‌های فرم راه خود را کم کرده است. این که ما نتوانیم فرم و محتوا را به شکلی هنرمندانه در کنار یکدیگر قرار دهیم خود هنر خاصی می‌خواهد که آن همان شاعری است. در طول زمان، متفکران و اندیشمندیان را دیده‌ایم که شاعر نشده‌اند هر چند که در اصمات تفکرات پیچیده‌ای سپر می‌کردند. اندیشه و احساس در یک جا یا هم گره می‌خورند و محتوایی تأثیر گذار را به شکل کلام‌آزایی می‌دهن متبادر می‌سازند. کسانی که شعر را احساسی محض می‌دانند حتماً کاهي به احساسات نیز

ان نسل خوبان

نگاهی به مجموعه شعر «دارم بارش‌دشانه‌های میت راه می‌روم، سروده آتفه چهارمحالیان

طمانینه بسیار و کمی شتاب!

بسیستم تلاش شده تا چند شعر به یک شعر تبدیل شود بدون آنکه

خوشی در کار باشد. به نظر نمی‌رسد که چهارمحالیان آنگونه که باید و شاید اهل شتاب باشد.اما در بعضی از اشعار این شتاب زدگی رخ نمایانده و از شاعری که ترک هجدهم را از زیبایی تمام سروده ترک یازدهم را می‌خوانیم. یا ترک سوم نفسمان را بند می‌آورد و اگر شعرهای از این دست در مجموعه پیدا نمی‌شدند حتماً عطفی مجموعه را به نقیض می‌بخشیدیم. او مرده که براخت/چهره‌ای بر بستر سادته بود/بعد فکر کردم آسان/بر دو جهانی خویش سادات است که آنچه در مجموعه نمود برسته‌های داره این است که این شاعر در سرودن اشعار بلند به وسطه تکرار می‌افتد. هر وقت به کوتاه‌گوئی و گزیده‌گوئی دست می‌زند موقر نشانی می‌دهد. بازی‌های زبانی و معنی در شکتش قشعاهای معمول، گاه کاهي

تلگزی به خواننده می‌زند که شته‌های از بالندگی یک شاعر است. همه چیز این دنیا هم که شود همه است.آرتزیسدا آفرین به جای شاعر/همی نشودتان را باز خواهم گذاشت/مثل مردی که دارد/کسوان مرا بریده به شانسنامه‌ای نیایم بی‌کند ز رودرور از خسرو که گفت/بیم ساعت به من وقت بدهید/س خوابم برای مرگ/تا نه جمع کنیم/مردان این و از/ها/ما/انفلیتست که حین افتادن روایت می‌شود/م خسرو می‌گوید حتماً/چنگال این شعر اعصاب نوزن را بر هم می‌بیزد/راستی/م قانون چشمه‌های شما بقدر ثابت است؟/بخشید خاتونم /شما/م.م/م خسرو گلشنی هستم. /م. اما خاتونم... شما...؟ کی می‌تواند ثابت کند من خسرو بنستم/اصلاً من شما نیستم/آقا؟/برمی‌انگشت می‌کند در چشمم و بر شوری تمام دماغ دگر گواهی می‌دهد. نگاه شاعرانه به هستی موقفیت در به کلمه در ذاتی است که شاعر را مجبور به گوشش در راه شاعر شعر می‌کند. آنچه از این مجموعه استنباط می‌شود جویش درونی و یک نوع شاعرانگی چهارمحالیان روح لطیف دارد که نشان از یک زندگی سوزی است. ای کاش هر روز بیشتر از پیش از دنیای ناهمگون بعضی شاعرنامه‌ها که عرصه ادبیات را به محلی برای عقده‌گشایی و سرکشنگی‌های شخصی و اجتماعی تبدیل کرده فاصله بگیرد و با همین طمانینه و آرامش به کارش ادامه دهد و مطمئن باشد که مجموعه‌اش خوانده خواهد شد. پس هیچ نیازی به نقد منتقدان محلی نیست.

شماره ۸۶، شهریور ۱۳۸۱

۹



می‌اندیشند و این خود یعنی تفکر. درگیری پیش از حد با قوم و قوم‌سازی چه بسا احساسی و تعجیل با او سرگرم‌کنند. من فکر کنم هیچ کس از نیاید قریبات دیگری شوند. نه فرم نه محتوا، نه اندیشه، نه احساس. ناشر کار شما یا چه شرایطی حاضر به چاپ کتابتان شد و آیا سرمایه‌گذاری شخصی هم کرده‌اید یا خیر؟ من کتاب را با سرمایه‌گذاری شخصی خودم چاپ کرده‌ام و ناشر بخش کتاب را به عهده گرفت. نظر شخصی‌تان درباره سرمایه‌گذاری شخصی جهت چاپ کتاب چیست؟

این کار در واقعیتی که ما در آن زندگی می‌کنیم کم کم امری طبیعی به شمار می‌رود. چرا که ناشران برای چاپ کتاب، سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. سبسته تا کی می‌تواند منتظر بماند که ناشری آثار او را چاپ کند. لذا اقدام به سرمایه‌گذاری شخصی می‌کند و این قضیه را ایجاد می‌د و تأیید آن‌گرمی می‌کند.

کتاب یک از شاعران معاصر را بیشتر می‌پسندید و با چه

کتابی به لحاظ علمی مرادوه دارید؟ بیشتر به شعر معاصر می‌اندیشم تا شاعران معاصر. معاصر بودن و نیو بودن را با اندام سروده‌ایکه تازه حس می‌کنم اما او پس‌اگرایی را ناپدید نمی‌کند. اینکه ما بیاییم و بخواهیم فقط بقیه چیزی بگوییم به بزرگی هیچ پیشینه ذهنی صرفاً یا باقی نماند. کار بزرگی نیست، از همین دلیل بیشتر آثار شاعران معاصر را می‌خوانم از روند تحولات ادبی این دوره آگاه باشم. یا شاعرانی مثل منوچهر آشتی که در انتخاب شعرها بسیار به من کمک کردند، در مورد منوچهر اشعار مشورت کردم و از نظرات و پیشنهادها منوچهر آشتی و عبدالغنی عطیعی بسیار بهره‌مند شدم.

شماره ۸۶، شنبه، ۳ خرداد ۱۳۸۱

مبارزه علیه وضع موجود

سایهٔ فون بیگه

انتشارات دانشگاه تبریس۱۳۸۰، ۲۲۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ تومان

طرح نو، ۱۳۸۱، ۲۲۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ تومان

چرا جیش فرو نشست؟
یک دلیل پایان دوره رونق و رفاه سرمایه دارانه بود. عصر بیمه‌های اجتماعی و زندگی ارزان و کم‌زحمت، بخصوص در محیط‌های دانشجویی، از جمله با چهار برابر شدن قیمت نفت در سال ۱۹۷۳، به تهارسید.نگرانی‌های جدیدی مطرح شد و جوانان غرب باید دنبال شغل و جایگاهی در جامعه می‌گشتند. بنابراین کوله‌باشی‌های سفر و گیتاز و هیپی گری را کنار گذاشتند و در صف استخدام ایستادند. دوم، نظام‌های غربی نوانستند جوانان ناراضی را تا حد زیادی در خود جذب کنند و دانشجویانی به طبقهٔ اجتماعی ممتاز خود بازگشتند

چرا جیش فرو نشست؟
دلیل یک پایان دوره رونق و رفاه سرمایه دارانه بود. عصر بیمه‌های اجتماعی و زندگی ارزان و کم‌زحمت، بخصوص در محیط‌های دانشجویی، از جمله با چهار برابر شدن قیمت نفت در سال ۱۹۷۳، به تهارسید.نگرانی‌های جدیدی مطرح شد و جوانان غرب باید دنبال شغل و جایگاهی در جامعه می‌گشتند. بنابراین کوله‌باشی‌های سفر و گیتاز و هیپی گری را کنار گذاشتند و در صف استخدام ایستادند. دوم، نظام‌های غربی نوانستند جوانان ناراضی را تا حد زیادی در خود جذب کنند و دانشجویانی به طبقهٔ اجتماعی ممتاز خود بازگشتند

امشویه‌های مبارزه و جیش دانشجویی دهمه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰، بخصوص در غرب، دیگر مطرح نیست.
این بار به در شمار جزو مدهای تاریخی دید. دانشگاه دانشگاه بازاری است برای عرضه عقاید و آراء و فکرها در دانشگاه نماینده و پیرو دارند. دانشجویها از دانش‌شان مستفزی می کنند، اما تا وقتی برخورد محیطی درس می خوانند و می روند در موقعیت دائمی شان مستفزی می شوند. اما تا وقتی برخورد آیدنولوژی‌ها و جهان بینی‌ها ادامه دارد، حرکت دانشجویی در دنیا نه از بین می رود و نه تمام شدنی است، چون حرکت دانشجویی یعنی برخورد حادّ آراء جهان‌بینی‌ها،سی سال پیش جیش دانشجویی در فرانسه و آلمان به اوج رسید چون جوانان درس خوانده به پدرانشان که خیلی امر و نهی می کردند و به هیأت حاکمه اعتماد نداشتند و فرضی پیدا شد تا دست به دست هم بدهند و عرض اقدام کنند.

چرا کتاب مبارزه علیه وضع موجود را برای ترجمه انتخاب کردید؟

درسی من سالگرد جیش دانشجویی فرانسه و آلمان کتاب‌های جدیدی در این باره خواندم، امیدم نکاهی نوستالژیک و از درون به آن وقایع دارم. گرچه جیش ۱۹۶۸ منگور است برای کسانی که آن را تجربه کرده‌اند خاطر انگیزباشه، برای دانشجویهای امروز ایران که می سال پیش هنوز به دنیا نیامده بودند به تاریخ پیوسته است و باید آن را شکافت و توضیح داد، وقتی آقای حسین پایان کتاب را به من نشان داد، دادم به چیزی که می خواهم نزدیک است. سعی کردم با مؤلف آن، عثمان فون دیرکه، در دانشگاه پسیبورگ در آمریکا تماس بگیرم تا مقدمه‌ای برای ترجمه فارسی بنویسد، اما موفق نشدم. ظاهر ایشان هم اهل کامپیوتر و اینترنت بازی نیست.

اساساً ترجمه کتابی درباره جیش دانشجویی چه لزومی داشت؟

از یک نظر، نیاز داریم از آنچه پیش از ما بر آدمیان گذشته است مطلع باشیم. دوم، بین تحولات جوامع و فرهنگ‌ها مشابهت‌هایی هست. احتمال تکرار تاریخ نزدیک به صفر است، اما ما مقایسه برخی تحولات می توان موقعیت‌هایی مشابه با نتایجی متفاوت، با موقعیت‌هایی متفاوت را نتایجی مشابه یافت و به‌عنوان روزش‌هنجی، در آنها تأمل کرد.

امشویه‌های مبارزه و جیش دانشجویی دهمه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰، بخصوص در غرب، دیگر مطرح نیست.

این بار به در شمار جزو مدهای تاریخی دید. دانشگاه دانشگاه بازاری است برای عرضه عقاید و آراء و فکرها در دانشگاه نماینده و پیرو دارند. دانشجویها از دانش‌شان مستفزی می کنند، سه چهار سال در محیطی درس می خوانند و می روند در موقعیت دائمی شان مستفزی می شوند. اما تا وقتی برخورد آیدنولوژی‌ها و جهان بینی‌ها ادامه دارد، حرکت دانشجویی در دنیا نه از بین می رود و نه تمام شدنی است، چون حرکت دانشجویی یعنی برخورد حادّ آراء جهان‌بینی‌ها،سی سال پیش جیش دانشجویی در فرانسه و آلمان به اوج رسید چون جوانان درس خوانده به پدرانشان که خیلی امر و نهی می کردند و به هیأت حاکمه اعتماد نداشتند و فرضی پیدا شد تا دست به دست هم بدهند و عرض اقدام کنند.

چرا جیش فرو نشست؟

یک دلیل پایان دوره رونق و رفاه سرمایه دارانه بود. عصر بیمه‌های اجتماعی و زندگی ارزان و کم‌زحمت، بخصوص در محیط‌های دانشجویی، از جمله با چهار برابر شدن قیمت نفت در سال ۱۹۷۳، به تهارسید.نگرانی‌های جدیدی مطرح شد و جوانان غرب باید دنبال شغل و جایگاهی در جامعه می‌گشتند. بنابراین کوله‌باشی‌های سفر و گیتاز و هیپی گری را کنار گذاشتند و در صف استخدام ایستادند. دوم، نظام‌های غربی نوانستند جوانان ناراضی را تا حد زیادی در خود جذب کنند و دانشجویانی به طبقهٔ اجتماعی ممتاز خود بازگشتند

و… به اصطلاح ما، به مشروطه‌شان رسیدند و نتیجه گرفتند که دم زدن از مبارزه با سیستم در عین استفاده از مزایای آن، بی‌فایده‌ای نیست.
ارائه افروز تا چه حد می‌توانست سبب تداوم جیش دانشجویی شود؟
اول اسباب مادی بعد ارائه، پس از کشتن‌راهای جنگ دوم، مردم اروپا تا آنجا که برای اروپایی مسیر است بچه درست کردند. این بچه‌ها وقتی به عرصه رسیدند در صحن دانشکده‌های پاریس و براک و برلن داد زدند. این بچه‌ها، آن بچه‌ها بودند وقتی سیل جوان‌ها روکش کرد و میانسال‌ها از نظر تعداد بلااست شدند، آن جوش و خروش هم فرونشست.

از چنین کتابی نمی‌توان انتظار ایجاد سر و صدا داشت. این کتاب درباره پیامد زاد و ولدها و رونق و زلفه سال‌های پس از جنگ دوم است. دوره‌ای که می توان آن را عصر انفجار قدرت جوانان در غرب دانست. ناپیش از آن، جوان بودن تا آن حد مهم نبود و جوانان هیچ گاه چنان قدرتی نداشتند. در جنگ جهانی اول، نظام‌های غرب جوان‌های اضافی را به میدان‌های جنگ فرستادند و سال‌ها همان‌جا نگه داشتند. شصت سال بعد، جوان‌ها به سیاستمدارها و ژنرال‌ها گفتند بهتر است شرفشان را از سر مردم کم کنند. این بازنگری‌ها شاید برای همه موضوع دافعی نباشد.

به لحاظ موضوعی می‌توانستید کتاب‌های بهتری انتخاب کنید یا بنویسید؟

درباره آن تحولات، انتخابی بهتر از این که به گفته شما از بهترین و بهترین‌هاست، به دستم رسید. در مورد نوشتن، کارهایی کرده‌ام و حسب مقدورات و فرصت‌ها ادامه خواهد یافت. به دوران دانشجویی خفیلی علاقه دارم و بسیاری از مخاطبانم دانشجوی



مبارزه علیه وضع موجود

سایهٔ فون بیگه

انتشارات دانشگاه تبریس۱۳۸۰، ۲۲۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ تومان

طرح نو، ۱۳۸۱، ۲۲۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ تومان

زندگی و بحث

آرش آذربگ

در نگاه اول و به گفته زنده‌یاد احمد شاملو **بریش پویی** «محمد قائد نگاه بیننده را به خود معطوف می‌کند. سپس شن و رنگی هیشش که آدمی را به یاد نظامیان اروپایی قرن ۱۸ و ۱۹ می‌اندازد.

قلند هر چقدر در سخن **الراط** می‌کند، به همان نسبت در نوشتن دقیق و نکته‌سنج است و به قول ژرفینی، حتی کلمه‌ای زائد در نوشته‌هایش نمی‌توان پیدا کرد و درش مداوشش در نوشتن وی را صاحب سبک و نثری ریژه در ترجمه و تألیف کرده است. به‌طوری‌که ترجمه‌هایش علاوه بر انتقال نظرگاه نویسنده، در کارگاه ذهن نوی بخته و پرورده شده و محصول نثری است که ویژه قائد باید نامش نهاده، نکته‌های ظریف و طنزآمیز، نگاه ویژه و متفاوت به پدیده‌ها از دیگر روزگاری‌های این روزنامه‌نگار صاحب

وی ظهور و سقوط قدرتهای بزرگ (۱۳۴۹)، قدرتهای جهان مطبوعات (۱۳۷۱)، نخستین مسلمانان در اروپا (۱۳۷۲)، ایدئولوژیهای سیاسی (۱۳۷۵)، نام بین (۱۳۷۵) و رنج و ایام (۱۳۷۷) در ترجمه کرده و عشقی، سیاسی تجیب یک آنارشیست (۱۳۷۷) و دفرجه خاطرات و فراموشی و غفلات دیگر (۱۳۸۰) را نوشته است. مجله فرهنگی-آموزشی لوح را که به شماره سیزدهم رسیده سردبیری می‌کند و عضو هیأت مدیران کانون نویسندگان ایران است. با او درباره تازه‌ترین کارش مبارزه علیه وضع موجود گفت‌وگویی کرده‌ایم که در پی می‌خوانید.

بحث با محمد قائد بر سر یک ترجمه

هستند.

در مجله لوح؟

هم در آن مجله فرهنگی-آموزشی که مخاطبان اصلی آن دانشجویها هستند و هم در مقاله‌هایم و در کتاب‌هایی که تألیف و ترجمه می‌کنم. بنابراین با دانشگاه و دانشجویها تعامل برقرار است. ترجمه این کتاب هم، مثل بسیاری کتاب‌های دیگر، منجی و اجنبی کفایت بود، یک نفر باید این کار را می‌کرد.

آیا این کتاب الگویی برای نوشتن در مورد جیش دانشجویی ایران هم هست؟
متفقدنیستم که بتوان برای جامعه الگویی دقیق، جامع و کامل فراهم کرد، ما حتی تجربه‌های دهه ۱۳۵۰ خودمان را هم نمی‌توانیم امروز تکرار کنیم، زیرا مؤلفه‌های فکری ما و شرایط عوض شده است.

پس چرا در مقدمه کتاب در چهار بخش (مشروعیت، خشونت، فرهنگ آفرینی، فلسفه و جهان بینی و جریان اصلی فرهنگ) شباهت‌هایی بین جیش‌های

- محمد قائد:**

نیاز داریم از آنچه

پیش از ما

بر آدمیان گذشته است

مطلع باشیم

دانشجویی در ایران و در آلمان دیده‌اند؟

تعداد وجود مشابه لزوماً به معنی یکسان بودن نتایج نیست. وقتی چهار تک‌گرم ساده ۲،۳،۴،۱ را کنار هم می‌چینید، با عوض کردن ترتیب آنها به بیش رقم داشته باشید، شمار محکمشکتاب بسیار بزرگ

خواهد بود. تک تک عناصر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره در مؤلفشان، در ایران، در آلمان و در پاراگوئه گاه بسیار به هم شباهت دارند و شاید حتی یکسان باشند، اما گستره نتایج بینهایت بزرگ و متنوع است. آلمان با ارتش و روسیه و لوکزامبورگ هم تفاوت‌هایی چشمگیر دارد، تا چه رسد تا ایران.

ویژگی‌های کتاب

کتاب به مبارزات فرهنگی جیش دانشجویی می‌پردازد و به هزار دیدگاهی طبقاتی می‌نگرد این شیوه مطالعه

چه مزایایی دارد؟

این کتاب در واقع دارای کلیت تفکر مارکسی، و نه همواره مارکسیستی، در باب اقتدار سیاسی- فرهنگی است. انسان علی بن ابی‌طالب، یعنی مردم به دین یادشاهان خوشبختند. طبقهٔ حاکم می‌گوید فرهنگ عمویش را به عنوان ابزاری برای امریت و اقتدار به جامعه تحویلداد. و وقتی این فرهنگ مورد پسند عده‌ای، با عطف بزرگی، با اکثریت جامعه نباشند، کار به کشمکش و اسپانیا، قفقاز می‌کشد. جوانان انقلابی در آلمان تشخیص دادند که برخورد با



فرهنگ نظام مستریکی از راههای مبارزه با آن است. افشارگری علیه فرهنگ نظام را برای جنگیدن با اقتدار سیاسی آن لازم می‌دیدند، چراکه معتقد بودند دستگاه حاکمیت ایجاد می‌کند و پایگاه، اجتماعی می‌سازد. بنابراین دانشجویان باید نشان می‌دادند که فرهنگ معنایی و مطلوب جامعه معنایی نیست که حاکمان اعدا می‌کنند. دست به پدیده ایجاد فرهنگی بدیل زدند تا نشان بدهند که دستگاه نماینده طبیعی مردم نیست و با دروغ، تحمیل، پلیس مخفی، زندان و حتی سر به نیست کردن افراد سرپا می‌ماند. بنابراین از راه مبارزه فرهنگی کوشیدند. شرایط‌های ارتباطی سیستم با جامعه آفیل شدند. به سلفه نظام بورژوازی پایان بدهند. منظوم تعیین عزیت روش بورسی فرهنگی بر دیگر شیوه‌های کار علمی است.
انقاد از سلفه فرهنگی و عنوان یکی از پایه‌های قدرت، بخشش از نقد قدرت است. مؤلف ملامت به ترویسیم در جریان جیش اشاره دارد اما وارد جزئیات نمی‌شود. تنها به این جنبه فرهنگی می‌پردازد که روشنگران طرفدار گرگونی چگونه در مورد اعمال دانشجویان نظر می‌دادند، یعنی دست زدن به خشونت با‌عنوان‌هایی از قبیل خشونت انقلابی، برای رو کردن دست خریف، متشبه همین طرز فکر وضع را درست در همان زمان در ایران هم داشتیم که مخالفان وضع بودند. متفقدنیستیم حاکم با قریه‌اشک لاکرای پیول پاروکردن در چهارشنبه‌ها، تبلیغ الگو یک پیکان داریده هم جزو ابزارها و فتوایل و شوهای تلویزیونی و رگ خواب مردم را به دست آورده است، سپس پایبه سیستم ضربه زد تا پانچار شود نقاب خیرخواهی و هنرپروری از چهره برآورد و طبیعت واقعی و سرگورگش را نشان بدهد.

در این کار تا چه حد موفق بودند؟

در کدام جنبه و در کجا؟

در استقرار فرهنگ بدیل در آلمان

چیزیای بسیاری در نتیجه آن مبارزات تغییر کرده، اما در این باره بهتر است کسانی نظر بدهند که چندین دهه متوالی در آلمان بوده‌اند و روند تحول هنر مردم پسند را دنبال کرده‌اند، چون آنچه در اینجا به دست ما می‌رسد بیشتر احتمال دارد هنر خواص پسند آلمان باشد. در هر حال باید دید که فرهنگ را تنها در جنبه ستایش ادبیات قدمای و هنر بی‌جان و صنایع مستترقه می‌گیریم، یا شامل جهان بینی و خلق و خو و طرز سلوک عام هم می‌یابیم. شخصاً اعتقاد ندارم در نوده مردم، فرهنگی متعالی هستند. آنکه که می‌توان آن را مانند طلا استخراج کرد و به جای هنر فلاسفی بورژوازی گذاشت. فرهنگ و هنر را باید ساخت و ایجاد کرد، از جمله در دانشگاه‌ها. آدمی مثل برشت وقتی می‌خواهد به ریش امیان بخندد و زندگی گداهای را روی صحنه بیاورد، دست به خلق تکلیف‌های بی‌بند می‌زند که از نظر پیچیدگی و تأثیر همسنگ هنر بورژوازی اند. تازه معقلن نیستیم که کار برشت برای عامه مردم، حتی در آلمان، جالب باشد و حاضر باشند بالای آن پول

از آلمان، جالب باشد و حاضر باشند بالای آن پول

از آلمان، جالب باشد و حاضر باشند بالای آن پول

بدهند. هر دم دست و مردم به‌سپردن چه بسا که بیشتر در رده فیلسوفی قدیم باشد تا به آنچه اهل دانشگاه در نظر دارند. میرحسین یگویی و متالی ساده بزمنه تعارف راجح در سخینه نباشیده ارا تکیه کلامی مبتدل می دانم. شخصاً امروز به خیر اقبال صبح به خیر خاتم گفتن یوزروایی را پیش از چنین اصلاحاتی می‌پندم. تصور نمی‌کنم اگر امروز برشت زنده می‌بود و فارسی می‌دانست با این نظر مخالفت می‌کرد.

و در چینه کشاندن عریف به عشقوت؟

روند توسل بی خشونت علیه نظام مستقر در آلمان غربی در جایی متوقف نشد. طرفین طالب برکناره پیشی نرفتنده اما در ایران کار بالا گرفت و به سرنگونی نظام حاکم انجامید. به این نکته هم باید توجه داشت که جنبش آلمان اگر موفق به چپه کردن نظام لیبیرال دموکراسی می‌شد، تازه باراست افراطی و نئونازیسم طرف بود که به هیچ کس و هیچ چیز رحم نمی‌کند. بنابراین دانشگاه‌گرچه از نظام حاکم منتفر بودند، فانیست‌ها را نظری واقعی و نهفته می‌دیدند که نباید میان می‌یافت.

از ویژگی‌های کتاب فرهنگ دشمنی محوایی آن است آیا در ترجمه شیوه‌ای خاص برای این منظور داشته؟
هم به متن وفادار ماندن و هم سعی کردم آن را نئوناسیسمی کنم. می‌توان ادعا کرد که بیان نویسنده، است یا نثر انجانبی. من را نه گسترش دادم و نه فشرده کردم. فقط در جاهایی بسیار ضروری بازنویس‌هایی اضافه شده.

به نظر می‌رسد در این کار موفق بوده‌اید.

مقدار زیادی از این موفقیت را - اگر موفقیتی باشد. مروهون کامپیوتر هشتم کامپیوتر فرصت می‌دهد اما قدری با جدلات و پروریم به شکل‌هایی که می‌خواهیم درآیند. چنین سمانجی با قلم و کاغذ ممکن نیست چون صفحه شلغ می‌شود و آدم را خسته و کینه دارده می‌کند. چند بار می‌توان یک صفحه را پاکتوس می‌کرده‌دو، پنج، ده مرتبهٔ با کامپیوتر می‌توان متن را صد هزار بار نیز و بالا کرد.

فرجام جنبش دانشجویی

تغییرهای مداوم فرهنگ مخالف وضع موجود آلمان شاید نمایانگر سازش و حتی خودفرورختگی و هیران جنبش در برابر فرهنگ مسلط باشد. هر چند موفق در نتیجه گیری اینکه نگاه نمی‌کند. نغمه شما چیست؟

این یکی از مشکل ترین مباحث در تاریخ مبارزات است. کشمکش ممکن است به این نتیجه برسد که حتی بی‌توان نظام مستقر را با خشونت سرنگون کرد. سود چندانی عاید نخواهد شد. پس بهتر است آن را اصلاح کنیم. نظام لیبرال دموکراسی در اروپای غربی شبیه کشوری مثل ایران نیست که طی یک قرن سه بار به هم بریزد و با آلمانی و فرانسوی زیاد عادت به فرار کردن طرف دیگر. دانشجویان اروپایی توجه داده که او و مومئین گل سرسید دنیا هستند و گروه‌های داند بسیار شسته رفته که اگر فروبریزد هیچ گروهی بسیار دشوار خواهد بود. احساس می‌هم که کشمشی که از متافع ملی به دست می‌آورد خیلی ناعادلانه نیست. پس می‌گوید باید به اختلافات یوزروایی و حرص و دودوز کلنگ‌های نگاه زد. بنابراین به سیم آخر نمی‌زند. این روحیه سرانجام به نوعی سازش می‌انجامد، یعنی طرفین تا سرحد ناپایدی همدیگر پیش نمی‌روند و در جایی به شکل کتاب می‌آیند. چون در گذشته خیلی همدیگر را آت و پار کرده‌اند. نزه ما که معتقد به تفکر آخزآزمیانی (Agonism) هستیم و اصلاح بدون کلنگ و یولودوز و چپه در برابر ایدمان معنی ندارد. این شاید خودفرورختگی به نظر برسد.

اما اینکه عنوان کتاب را از هم‌فرزاد قدرت تخیل له به مبارزه علیه وضع موجود تغییر داده‌اید این تصور را ایجاد می‌کند که پیش با چنین جنبش موفق هسید آنچه را یک ناپز پیرونی ممکن است سازش ببیند، ممکن است به نظر آدمی در گومبارزه صحیح و عادلانه برسد. بنابراین این به یقین نمی‌توان گفت آدم‌هایی که در جایی کوتاه می‌آیند بخائن به اصول هستند یا کارشان بخشی از حرکت به سوی هدف است. مثلاً چکسلواکی با مسامحت و بدون خشونت تقسیم شد. ممکن است به نظر کشانی تن دادن به این کار خیانت محض باشد. سازش گاهی هم نتیجه

قتدان توهم است. در ایران، نسل جوان دهه ۱۳۵۰ تصور می‌کرد این کشور از همه چیز به حد وفور برخوردار است و فقط کن فیگون شدن را کم دارد. بر خورد بعد. شاید امروز کشانی غیر از این فکر کنند. در مورد انتخاب این عنوان توضیح ندهاید.

عنوان هم‌فرزاد قدرت تخیل را روی جلد کتاب در فارسی کمی حالت شعر نو پیدا می‌کرد. ترجیح دادم آن عنوان روی یکی از فصل‌ها بماند و برای کل بحث فرهنگ بدیل و مبارزه‌جوی جنبش دانشجویی آلمان عنوانی گیاتر پیدا کنم. در واقع وعمل از همان تخیلی کمک گرفته‌ام که فراتر است قدرتش برقرار بماند.

در نتیجه‌گیری کتاب آمده که فرهنگ آلمان پس از جنگ ماریپی حلزونی و رو به بالاست اما در عمل با بازگشت به وضعیت قبل از مبارزه یک مدار بسته به ذهن میباد می‌شود.

حرف مؤلف این نیست که اوضاع به شرایط پیش از مبارزه برگشته است، بلکه می‌برسد آیا مبارزان جنبش دانشجویی پای حرفشان ایستادند یا پس از پذیرفته شدن در ساخت قدرت، در جاهایی کوتاه آمدن کردند. باید توجه داشت که جنبش سبزها پوشش نازکی است برای چپ به عنوان جنبشی ضد سرمایه‌داری و علیه کشانی که طبیعت را برای پول درآوردن نابود می‌کنند. همین چند روز پیش اعلام شد شیعه‌های اجنماعی ساخوامتندانه، پرداخت‌های بازنشستگی و غیره در آلمان کم و کمتر خواهد شد. آلمان غربی پس از اتحاد ناگهانی، - و می‌توان گفت ناخواسته، با بخش شرقی، سخت گرفتار شد؛ نه می‌توانست بگوید آلمان شرقی را نمی‌خواهد و نه اعلامه‌ای به تزییق میلیاردها پول برای بالا بردن



محمد قاسد:

هم به متن فون دیرکه وفادار ماندم و هم سعی کردم آن را بازنویسی کنم

جامعه‌ای فقیر تا سطح غرب کشور داشت (آدم‌هایی از قبیل گوئتر گراس معتقد بودند که باید نه گفت، اما مگر می‌شد؟) بنابراین در بحث ادواری بودن باید به شرایط موجود هم توجه داشت. در زمان «مسیحزه اقتصادی» دهه ۱۹۵۰ پول و پله آفتقد زیاد بود که استخراج کارگران با بستن کارخانه غیر قابل تصور می‌نمود. امروز آلمان از آن دوران طلایی فاصله گرفته و فروق است میان اینکه برای فزود کار باشد و اینکه فرد فکر کند حقوق حقه کارش را نمی‌دهند. یعنی می‌توان گفت بحث ادواری و معزونی مطرح نیست. مردم وقتی نان نداشته باشند دیگر سیاست برایشان مطرح نیست

بشر وقتی کمی از چیزی به دست می‌آورد از آن چیز بیشتر می‌خواهد. از فقر مطلق انقلاب به‌وجود نمی‌آید و از بیسوادی روشنگری برنمی‌خیزد. مردم وقتی طمع رفاه و خوشی را می‌چشند، طالب شرایط بهتری اند و بختل سیاسی ترمی شوند. در جامعه‌ای مانند آلمان، خطر گرسنه ماندن کسی را تهدید نمی‌کند، چرا. احساس ترسیدن به سطح انتظارات فردی، چرا. هییی‌های دهه ۱۹۶۰ می‌توانستند تا اید هییی بمانند، اما به قیمت عقب‌ماندگی فردی در جامعه‌ای که اساسش بر موفقیت در رقابت است. گریچه در غرب هم موارد خوبیدین در کنار خیرایان رفته رفته بیشتر می‌شود. مفهوم نان در متن فرهنگ جهان توسعه‌یافته را باید در سطحی بالاتر از گرسنگی به معنای زمخت آن دید. در غرب کلانکاه‌ها انجادی‌ها و امکان مراجعه به دادگاه‌ها برای احقاق حق حتی

سیاست در مفهوم نظری و آرمان خواهانه و حتی شرکت در انتخابات را گرفته است و دانشجویان انقلابی مشکل بتوانند اکثریت مردم را قانع کنند که آستین بالا بزنند و دستگه را از بیخ و بن به هم بپزند. حالا پس از گذشت سه دهه از جنبش دانشجویی آلمان، در عمل این جنبش در پی چه آرمانی بوده آزادخواه، بود یا عدالت‌طلب؟

یک سلول وقتی اندازه‌اش از حدی معین فراتر برود باید تقسیم شود چون، بر حسب تناسبی ریاضی، سطح آن رفته رفته برای جمنش کفایت نمی‌کند. در جوامع انسانی هم وقتی آدم‌ها رشد می‌کنند، اگر پوسته نگهدارنده جامعه قادر به تغذیه آنها نباشد، علیه

قالب اجتماعی، یعنی نهادهای نظام، می‌شوند. به هم ریختن و برهم زدن در طبیعت هر پیگروه زنده‌ای است. در آلمان و فرانسه و ایران و جاهای دیگر وقتی افراد و جامعه رشد می‌کنند، برای همان نظامی که گذاشتن پروری یکی از دو جنبه عدالت یا آزادی بوده به عنوان پورولنده است تبدیل به آنتی ترمی شوند. دست گذاشتن پروری یکی از دو جنبه عدالت یا آزادی بوده به عنوان علت العلل، در حکم تقلیل کلیت جامعه زنده است. مردم آزادی می‌خواهند تا بهتر زندگی کنند. وقتی بهتر زندگی می‌کنند خواستار آزادی‌های بیشتری اند.

پیام کتاب، اگر بتوان آن را در چند جمله خلاصه کرد، چیست؟

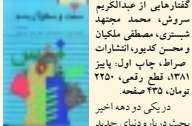
جنبش مخالف وضع موجود در جالانداختن برخی ارزش‌ها و عقایدش در فرهنگ مسلط موفق بوده اما در آینده وقتی نسلی مخالفان وضع موجود قلم کشد، مخالفان دیروز که امروز بخشی از نظام مستقر شده‌اند باید موقعیت خود را در برابر معارضان تازه نفس از نو تعریف کنند و به انقلابی دیروز، فردا ممکن است سرچسب ارتجاعی بخورد.

بایررسی آثار شما می‌بینم که به نوعی موضوع مبارزه علیه وضع موجود تکرار شده است. آیا تأکید خاصی روی این موضوع دارید؟

مفهوم وضع موجود را از دیدگاه و روشنفکری اجتماعی می‌بینم. یعنی از زاویه پرواقت انسان تا نظر از پابنده‌های اجتماعی و از جنبه تأثیر آن احساسی واردآک بر تصور آن پابنده‌ها در ذهن. مردم دسته‌جمعی فکر می‌کنند و نه تنها خاطرات بلکه ادرکشان از جهان را هم، آگاهانه یا ناآگاهانه، دستکاری می‌کنند تا مطابق نیازهای خود که در حال تغییرند، پس اوله و بقیعت مقدم بر فکر است. دوم، مبارزه علیه وضع موجود تنها عبارت از این نیست که شرایط فالفه کار برود و کلاف، شب، جای آن را بگیرد، بلکه می‌تواند عبارت از کلاف فرحمی از رضایت و نارضایتی، مهر و کین و حسرت و اشتیاق باشد. با توجه به نگاه ما به گذشته تاریخ و انتقارنی که از آینده داریم، تصورمان از زمان حال بسیار مهم‌تر از چیزی است که حودمان خیال می‌کنیم. رضایت کامل و سکون هیچ گاه حاصل نخواهد شد. چون انتظارات ما از جامعه و جهان مدام تغییرمی‌کند. به همین سبب، به مفهوم موضوع موجود ما شکایت نگه می‌کنم و باور ندارم که مسأله در انتخابی ساده بین ایدین یا آن باشد. مردم به‌طور تاریخی و معمولاً اش در هم‌جوشی می‌خواهند شامل مقداری از این، مقداری از آن و کمی از سومی. بعد هم پیشمان می‌شوند که چه غلطی کردیم.

کتاب

سنت و سکولاریسم



گفتارهای از عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری، مصطفی ملکیان و محسن کدیور، انتشارات صراط، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱، نطق رقمی، ۲۳۰ صفحه

در یکی دو دهه اخیر

بحث دربارهٔ دنیای جدید و رابطهٔ آن با سنت در میان روشنفکران ایرانی وسعی قابل توجه پیدا کرده است و همین پدیده سبب شده است تا نگاه متفاوت نسبت به سنت و تقابل آن با دنیای جدید در میان اهل فکر جاگیر شود. عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری و محسن کدیورا می‌توان نمایندگان دیدگاه نخست نامید که سعی کرده‌اند با تفسیرهای خود از سنت تقابل با مدرنیسم یا رویکرد عقلانی، اینکه تکرری از روح دهند ضمن آنکه مصطفی ملکیان هم به دلیل آشنایی عمیقش با رویکردهای یونن به معنویت و دین در غرب، توانسته نگاه آکادمیک‌تری را در این باره عرضه کند که البته نظرگاههای ملکیان کمتر با دآوری و

تفسیرات درمیخاسته است و برخلاف سه تن دیگر بیشتر توصیفی دقیق و موثکانه‌تر وضعیت سنت و نیز وضعیت سکولاریسم و مدرنیته در غرب است. حال هر چهار تن از این مجموعه دیدگاههای خود را دربارهٔ رابطه سنت و دین با دنیای جدید در یک کتاب گردآورده‌اند. مباحث این کتاب پیش از این در مجموعه جلسات سخنرانی مؤسسه «معرفت و پژوهش» بیان شده و کتاب و مقالات آن تدقیق و تصحیح شده است. سخنرانی هاست. ۶ سخنرانی نخست از آن عبدالکریم سروش است که با عنوان دین و دنیای جدید (در دو بخش)، سکولاریسم، نسبت علم و دین و دینداری معرفت ادبیش (سه بخش) آمده مرتزبهٔ مصطفی ملکیان هم که به‌تازگی کتابی منتشر شده سه سخنرانی سکولاریسم و معاصر، یعنی «معنویت، کفره ادیان و اپریش‌های پیرامون معنویت» را در کتاب گنجانده است. آخرین سخنرانی کتاب از «اسلام تاریخی به اسلام معنوی» است دارد که حاصل تلاش فکری محسن کدیورا است. سخنرانی کدیور به‌جای آنچه بحث‌ها در جایی دیگر ایراد شده بود، همسانجده و دوسخترانی سروش دربارهٔ دین و دنیای جدید، نیز در دانشگاه هاروارد ایراد شده بود. فرهنگ فهرست نویسی صفحات اولیه، ۱۹۶۸ صفحه ذکرشده در حالی که کتاب ۲۳۵ صفحه‌است.



حکایت مردی که کتاب نایاب می‌خواست

در میان تمامی کتابفروشی‌های سطح شهر، کتابفروشی انتشارات مدرسه از چنانی منحصر به فرد است، چرا که در این کتابفروشی تمامی کتاب‌هایی که در کتابخانه‌های مدارس هم به وفور یافت می‌شود، به فروش می‌رسد. انتشارات مدرسه وابسته به وزارت آموزش و پرورش است. با کتابفروش این انتشاراتی گفت‌وگویی کرده‌ایم که می‌خوانید.

آقای‌ها بی‌چند سال در این حرفه سابقهٔ کار دارید؟

۳۲–۳۳.

علاوه بر این‌ها قبل‌تر در کار دیگری اشتغال دارید؟

ساخت کتابفروشی شما چند متر است؟

۴۵ متر در ۲۵متر.

در این موزا چند جلد و چند عنوان کتاب چاپ می‌کردید؟

حدود ۱۲۰۰ عنوان رویش از ۱۰۰ هزار جلد کتاب.

چه نوع کتاب‌هایی در این کتابفروشی عرضه می‌شود؟

کتاب‌های داستانی و کتاب‌های کمک‌آموزشی از مقطع پیش‌دبستان تا دبیرستان.

اغلب مشتریان شما از چه قشری هستند؟

همان طوری که گفتیم کتاب‌های کتابفروشی ما شامل مقطع پیش‌دبستان تا مقطع دانشگاه است بنابراین همه‌چیز به کتابفروشی ما مراجعه می‌کند، کتابی اوقات دانش‌آموزان به ما مراجعه می‌کنند.

مشتریان شما بیشتر از چه نوع موضوعاتی استقبال می‌کنند؟

بسیاری کتاب‌های ادبیات، تریبی و روانشناسی. بیشتر کتاب‌های زبان خارجی می‌خوانند، قشر جوان بیشتر می‌خواند.

والدین مطوری؟

بیشتر کتاب‌های ادبیات، تریبی و روانشناسی.

نوار و CD و آوازه‌تصغیر هم عرضه می‌کنید؟

نه فقط کتاب عرضه می‌کنیم.

مشتریان شما در نوع خرید کتاب با شما مشورت می‌کنند؟

بله، ما هم تا آنجایی که توانیم به آنها آگاهی می‌دهیم.

روزی چند نسخه کتاب می‌فروشید؟

بیش از ۱۰۰۰ نسخه.

از نظر اقتصادی، حرفه‌تان را به‌طورآرزایی می‌کنید؟

خوب است، رضای هستم.

وضعیت کتابفروشی شما در مقایسه با سایر کتابفروشی‌ها چگونه است؟

کتابفروشی انتشارات انتشارات مدرسه مشتریان بسیار خود را دارد و فکر می‌کنم فروش و استقبال کتابفروشی ما بیش از سایر کتابفروشی‌ها باشد.

به‌مشتریان تحفیف هم می‌دهید؟

به مدارس ۲۰ درصد تحفیف می‌دهیم و به دانش‌آموزانی که بالای ۵۰ هزار تومان کتاب خریداری کنند ۱۰ درصد تحفیف می‌دهیم. کتاب‌های خود انتشارات مدرسه هم ۲۰ تا درصد تحفیف فروخته می‌شود.

حافظه‌ای از دوران کتابفروشی‌تان دارید؟

حافظه‌ای که زیاد است ولی یکی از خاطرات حالیم بر می‌گردد به سال ۱۳۷۸، روزی که کتابفروشی در حال تعطیل شدن بود. آقای با عجله وارد کتابفروشی شد و ۲ عنوان کتاب برای مدرسه‌ی می‌خواست. یکی از آنها دانش زیست‌شناسی بود که واقعاً نایاب بود، گفتند آقا فردا بیاید تا کتاب را برایتان تهیه کنیم. آن فرد فرد آمد و من یک نسخه از آن کتاب را که پشت آرشین‌آفتاب مدیرعامل بود گرفتم، فکر می‌کنم قیمت کتاب ۱۲۰ تومان بود کتاب را به وی دادم. گفت: قدرش می‌شود گفتند ۱۴۰ تریه‌ام. امروز تعجب کردم، پوف را داد و رفت. بعد از یک هفته یک بسته کاغذی برای من فرستاد. بعد من فهمیدم که آن کاغذ یکی از معاونین وزارت نیرو بود که برای قدرشناسی بسته‌ای با فرستاد و کنار بسته نامه‌ای نوشت، من فکر می‌کردم به خاطر نایاب بودن کتاب قیمت کتاب را گرفتار حساب می‌کنید و بعد تشکر کرد.

آن وقت‌ها دوست داشتم یک کتابفروشی کوچک داشته باشم و امروز با ۵۰ سال تجربه قصد دارم انتشارات صفی‌علیشاه را واگذار نمایم دیگر دست نهایتم شاید وفش رسیده که می‌شود روزی روزگاری تفریح و گنجشک نوشته شده انتشارات صفی‌علیشاه در سال ۱۳۷۵ تأسیس شده بعد هم پرپر پرواز، پیمان، خوش‌چهره و خوش‌آرامی که گذشت ۷۰ سال تنها موش را سبید کرده اما دانش هوش جوان است می‌خندد و می‌گوید آن وقت‌ها که ما شروع کردیم از مال دنیا هیچ نداشتیم، تنها سرمایه‌مان، علاقه به کتاب بود به اتفاق اردرم که سردیس بیهان بود این مغازه را گرفتیم

چند ساله بودید؟

من چهارده یا پانزده سال داشتم. درست چهار یا پنج سال بعد از جنگ جهانی اول، امروز مترجم آثار داستانی روسی و سوزنیوکیوکیان بود هر دو شاگردان دکتر معین و دکتر هملی بودیم. از اردرم امروز سه کتاب تألیف‌دویش از سری ترجمه‌چاپ شده و من هم آن زمان داستان‌های کودکان ایرانی مؤسسه فرانکلین ترجمه می‌کردم.

چقدر سرمایه‌داشتید؟

با سرمایه صفر (می‌خندد) یک سلمانی آن بالا بود (با دست گوشه‌چپ

انتشارات را نشان می‌دهد) یک مغازه کوچک، آنجا را گرفتیم. کم‌کم آن را بزرگ کردیم. آن وقت‌ها مردم بیشتر کتاب می‌خواندند. سعی شده‌روژ ما هم گسترش مغازه از یک کجمان بود چون کار فرهنگی بود دیگران هم کمکمان می‌کردند. مثلاً صاحب ملک، سلمانی را با تحفیف به ما داد.

بعد از طرف مغازه حالی شدن آنچاه‌ها هم به ما واگذار کرد.

موزا اولی به‌چقدر بود و امروز این موزا چقدر است؟

موزا اولی ۷ یا هشت متر بود امروز وسعت ملک انتشارات ۴۵ متر است.

از همین جا شروع کردید؟

نه، اولین کسب‌وکاری بودیم که در بازارچه کتاب کبونی مغازه گرفتیم. اولین مغازه را کاشی‌چی به ما داد. بعد خیاران شایع سابق (جمهوری فعلی) که کتابفروشی به نام گوهر گرفتیم که شعبه‌ای از همین انتشارات صفی‌علیشاه بود و باز یک کتابفروشی دیگر در همین خیابان که این کتابفروشی را به مؤسسه علمی و فرهنگی واگذار کردیم. بعد هم جایگاهت کاربان را راه‌انداختیم و مجله کاربان را که هر دو واگذار و تعطیل شدند.

وقتی شما کارتان را به‌عنوان ناشر شروع کردید، چند ناشر دیگر مثل شما فعالیت داشتند؟

تعداد آنها زده یا زده ناشر تجارونی کردیان می‌شاید. حتی امیرکمیت چندسال بعد در ناصر خسرو تأسیس شد.یک کتابفروشی در لول‌لاهور بود که بنگه پروین نام داشت که بعدها کتابفروشی معرفت از خیابان همدان‌خا را خرید. کتابفروشی خیام بود خیابان شاه‌کی‌و خیابان‌های اصلی شهر بود که مرکز نشر تهران بود کتابفروشی آند تأسیس شد و به‌تدریج امیرکمیت هم یک شعبه دیگر در این خیابان تأسیس کرد. بیشتر کتابفروشی‌های تهران در خیابان‌شاه‌آباد ناصر خسرو کبونی(ک) شاه (جمهوری فعلی) منظر شده بودند. کتابفروشی‌های راسته ناصر خسرو بیشتر کتاب‌های مذهبی عرضه می‌کردند کتابفروشی‌های راسته‌جمهوری کتاب‌های مطرفه و ادبی.

در واقع در آن زمان تعداد ناشران عمومی بسیار کم بود که بعدها با تأسیس امیرکمیت مؤسس آن که آقای جعفری بود به گسترش کتاب در ایران کمک زیادی کرد. البته مؤسسه فرانکلین هم به همین اندازه مؤثر بود. بعدها مطهروی هم اضافه شد. این ناشران اولی ناشری بود که در مقابل دانشگاه شعبه زد. به دنبال آن تعداد دیگری از ناشران نیز کارشان را در راسته کتابفروشی‌های انقلاب آغاز کردند.

اولین کتاب‌هایی را که چاپ کردید به یاد دارید؟

بله، کارهای خوبی از حجازی، محمد تقیسی، دشتی، اولین ترجمه فاضلی، اولین کتاب فردین مشیری اولین

بنیادها زمر احراج محمدی

گفت‌وگو با ناصر مشفق مجرب مدیر انتشارات صفی‌علیشاه

نشر اگر سودی ندارد؛ فقر و فلاکت هم ندارد

خودمان و خواسته خودمان.

آیا آمار دقیقی از تعداد عنوان‌های منتشر شده در ۵۰ سال دارید؟

راستش خبر، اما به نظرم به ۵۰۰۰ عنوان کتاب رسیده است.

آنگاه کرده‌اید؟

چاپ کتاب هنر نیست. هنر اصلی در توزیع و پخش کتاب است. بازار کتاب امروز سراسر ماسان‌ناب‌شدل‌شد. همین مشکل داریم. همین مسائل در محدود شدن فعالیت‌ها حتی اگر سلفه و تجربه هم داشته باشی، بسیار سزوشناسند. آموزش تکنیک‌که تجربه‌ت هست کافی نیست. من می‌دانم که چه کتابی را باید چاپ کنم اما چاپ کتاب با شمارگان حداکثر ۳۰۰۰ تا با پخش غلط یعنی از دست رفتن سرمایه بدون هیچ پشتوانه‌ای.

سپس شاید اگر قرار می‌بود شغل خود را مجدد انتخاب کنید، کار نشر را گوشه‌ای رها می‌کردید؟

خیر. کار نشر گرچه درآمد خوبی ندارد اما انسان را به

فقر و فلاکت هم نمی‌اندازد. خدا رحمت کند مرحوم رضفانی را که می‌گفت: «کتابفروشی جلوی کتابی را می‌گردد، خودفلاکت خیلی‌ها هم سو استفاده‌های فراوان

کرده‌اند. تعداد کسب‌وکار کتاب را برای کتاب چاپ کرده‌اند پس بعد هم به فقر فقیر شدند. نود سود دلخواه برنده، نیز کم نیست و زیاده

بعنوان یکی از جوانان حامیه ناشران، عملکرد این واحد

خیلی موفق نبوده‌اند. شاید خودشان می‌خواستند کارهایی صورت بدهند. اما همان‌ترمزها پتانسیل آنها اگرچه است.

واقعیه دولت چیست؟

کمک به ناشران، آنها باید با کتاب به‌مهریان باشند. ترمزها را بردارند. سد‌ها را بشکنند. کمک کنند شمارگان کتاب بالا رود. کمک کنند بازار توزیع سراسرمانی بگردد. به خانواده‌ها پیاموزند که کتاب بخردند. احتیاج به کتاب را به کل جامعه شنری دهند. البته به‌دست مردم سال‌های اخیر کمک‌های شایقی به تولید کتاب کرد است اما تولید کتاب نشانه رونق بازار کتاب نیست. وقتی کتاب تولید نمی‌شود اما

ایبار حاکم بخورد، یعنی سرمایه‌ای که مستخدم کتاب است و اگر برای همین میزان تولید مصرف‌کننده کتاب داشته باشیم، یعنی شکست. تولید به‌نظرم ضررناظر کنونی کما عضو یکی رایت هم نیستیم و امکان‌نازوجه به روز افزای خوب و اراداران با انگیزترین هزینه‌ها پیروز می‌گردن مشکلات واقع موجودی توپ‌میلیون‌ها مکان کتابفروشی را در جامعه با ظرفیت بالای افزایش حجم کتابی است. مدارس شروع می‌کنند کتابی است انتشاراتش را از بی‌معاذ کتابی کتابی فروش کتاب اختصاصی دهیم. کتابی است عرضه کتابی را سرمایه‌های بدخیم و آن را از شکل سنتی خارج کنیم و کتابی است یک یا چند شرکت بکشند قدرتمند تشکیل دهیم برای عرضه مناسب کتاب‌ها. همه این راه‌ها که طرف کن آنها واقعاً در عهده ظرفیت‌های فعلی دولت است. رونق نشر را نوید می‌دهد.

انتشارات صفی‌علیشاه در این رونق چه نقشی دارد؟

این انتشارات از قدیم بوده و آن شاه‌آلاله کارش را در آینده نیز ادامه دهد. کارگر چه تنها بصر یا انتخاب رشته

مهندسی رضایی، انتخاب اصلی زندگی اش را کرد.

من مادام و این انتشارات. آلان هم حاضرین این انتشارات را با ۳۰ درصد تحفیف به دولت بفروشم مشروط بر آنکه این مکان همچنان یک کتابفروشی و دفتر شایقی بماند.

چرا این پشتپان‌ها را به مسکاراتان با دوستان و آشناان

هر ناشری قطعاً مشکلی هم بر می‌آید. عرضه آثار خودارود اصولاً به دلیل بحران بود وضعیت نشر ناشران دیگر بویژه

ناشران خصوصی درآمد چندان برای تهیه چنین فضایی برای فروش ندارد و تولید و توزیع از رفتن گوشه کتابی می‌نویسند. به پاس هر تلاشی ولو اندک برای کتاب.

مدیر انتشارات

صفی‌علیشاه: چاپ کتاب با شمارگان حداکثر ۳۰۰۰ تا با

پخش غلط یعنی

از دست رفتن سرمایه

بدون هیچ پشتوانه‌ای

دانش آموزان سال های دور مریم جباری

گفت و گو با دکتر رقیه بهزادی – مترجم و مؤلف

هر کجا بود؛ دلش جای دیگر بود

دانش آموزان سال‌های دور این هفته ما دکتر رقیه بهزادی است که از جمله چهارهای خاص‌تر در نماندشناس هنری و نویز پهنینه قوم‌شناسی است. وی در این گفت‌وگو از ازدواج زودهنگام خود می‌گوید و اینکه در همان سال‌های دبیرستان و پس از ازدواج وقتی به مدراس می رفت معلمش می گفت: «تو هر کجا که هستی دلت پیش دیگری است» مدرسه که هستی به فکر بچیه‌ها منزل که هستی به فکر مدرسه و درس و...

اکثر این دانش آموزان سال‌های دور توانسته با هست و پیشکار تمامی مشکلات را پشت سر بگذارند و مدارج عالی تحصیلی را طی کنند. آخرین کتاب بهزادی ترجمه‌است از جیمز مال با عنوان «فرهنگ‌نگارها ما نماهارا در هر شرق و غرب» که انتشارات فرهنگ کتاب و نشر متوسطی به چاپ سپرد است.

خاتم بهزادی از خانواده‌اتان بزرگوار و اینکه میانه آنها با کتاب و کتابخوانی چگونه بود؟
من در خانواده متوسطی به دنیاآمدم.بدمز مریدی ساده بودم.مادر از زمان فرجهته‌مسلکت بودویکی از چهارزنی بود که مدراس قدیم درس خوانده و در زمان زمامت‌اش، برای اولین بار کاتبخنده و سرکارگفته‌کن این‌سأله در آن زمان خیلی مهم بود.مادر در حوزه خاصی مطالعه نداشت ولی تصور می‌کرد در آن زمان وقتی فریدی تحصیلات کلاسی را داشت خیلی باسواد بودوی زن باسواد را با فرهنگی بود. پدایم می‌آید من هنوز سال آخر دبستان بودم که مادرم روزنامه و کتاب و حافظ و سعدی می‌خواند. بسیار با مطالعه و فکر می‌کنم این زمینه مطالعاتی از مادریه به من منتقل شده‌است.

از دوران سیستانان بزرگوار
۷ ساله بودم که مثل همه بچه‌ها به دبستان رفتم. دبستان من آموزش در خیابان امیریه که در واقع منطقه زادگم بود و در کنار داشت. من و فرعی فرخ اده در یک معلم درسی می‌خواندیم و شاید پدران تکلیف زمامی که به ما منتقل می‌داد و می‌گفت از فلاں درس ۲ بار بنویسیم. من ۵مشت بیشتر می‌نوشتیم. موقع نوشتن مثل کاف کاهمی می‌خطی را بر می‌داشتیم و از بالای صفحه ملأ می‌نوشتیم و اگر ای داخل مرتکب‌هاکنند تا پایین صفحه را سیدیم می‌کردم می‌خواندم.خوب‌تر هم همین صورت‌است) وقتی تکلیف را به نداشتن می‌دهم به طوری از بالای صفحه شروع می‌کنم که جای نیست از عنوان را بگذاریم و تاشر می‌گویم که مطلب راپایین ترا صفحه بنویسیم.چطی کنم عادت دوران کودکی هنوز در من مانده است. پدایم می‌آید،پایکی از دوستانم که الان در دوران دانش آموزی با وریس دانشگاه برسیاری است، در دوران دانش آموزی با هم شش می‌نوشتیم و در حالی که بچه‌ها دیگر اوقات بپریشان بازی می‌کردند، در آن زمان مدرسه‌ها مثل الان که این‌آن درس ۳ طبقه ای از مدرسه می‌کنند نبود بلکه فضای بزگی را به مدرسه اختصاصی می‌دادند.مدرسه ای که حیاط بزرگی داشت. باغ و آب‌نچینه و سرخی که البته بوسیله ماشین‌های ماشینی که کشتاها،با بچه‌ها ملأ آن می‌شدند. در آن هوا، دو نفر گمان شده بود.بعد از انجام تکلیف مدرسه همیشه عادت نوشتن نبودیم. بعد از اینکه کلاس ابتدایی را تمام کردیم به مدرسه ایران رفتیم و در آنجا تا کلاس هفتم درس خواندیم و سپس با پاسر خاله‌ام ازدواج کردم و صاحب فرزند شدیم که الان دکتری قارچ و انگل‌شناسی را گرفته و در کار در این زمینه مشغول است.

بعد از ازدواج چگونه بود؟
کلاس ششم را در مدرسه ششانه خواندم که در آن زمان در شانزادگان خورلله و وارنچه بودیم.دیلم را گرفتیم تا اینکه فرزند دوم به دنیا آمد. با وجود فرزند دوم فاصله ای بین دیلم گرفتیم و دانشگاه رفتن اجابت شد. تا اینکه بچه ۷ساله شد که تصمیم گرفتیم به دانشگاه بروم. **طی این چند سال یعنی از زمان دیلم رابطه اتان با کتابخوانی چگونه بود؟**
پس از آنکه یک طای آن سال‌ها، به هیچ وجه رابطه ام با کتاب قطع نشد. بارها به من پول دادند تا کتابی را بایستی بخرم وقتی من با پولیم به جای خرید کتابش و لباس کتاب می‌خریدم. مدرسه که می‌رفتم کتاب می‌خرم می‌گفت. بالاخره کار خودم را کردوی تو که گفتش خوشتر چرا دوباره رفت کتاب خریدی. پدایم می‌آید وقتی داستان‌های

کرانه ترجمه شده را از روی می‌شنیدیم با خود می‌گفتم که خدایا ممکن است روزی فراموسد. تا من هم متن را ترجمه کنم.

بعد از دیلم چگونه به دانشگاه راه یافتید؟
من سال ۱۳۴۳ در آموزش پرورش به عنوان آموزگار استخدام شدم و سال بعد از استخدام در اثر مطالعه شدید در دوره حقوق و ادبیات در دانشگاه قبول شدم. **خاتم بهزادی بزرگوار به این سال‌های دوره سال‌های دانش آموزتان، منظور کتاب‌های مورد نیازتان را تهیه می‌گروید؟**

می‌گویم:
آن زمان در کل خیابان امیریه یک کتابفروشی لاله بود که باخانه ما فاصله زیاد داشت. من می‌گفتم از پدرم می‌گرفتم و بیاده تا کتابفروشی می‌رفتم و بعد کتاب گزایه می‌کردم.

چه کتاب‌هایی؟
تمام آثار حسیقلی مستغان یا کارهای حجازی مثل آینه ... بعد از خواندن کتاب، کتاب را به کتابفروشی بر می‌گردانتم. کلاً من آثار دشتی و نوسندگان قدیمی را می‌خواندم.

در اوقات گرفتن کتاب از کسی مشورت می‌گرفتید؟
در اوقات گرفتن کتاب از آقای بابایخاتم، پدایم می‌آید که یک شاعر عمده‌ای دانشمند که ایشان داستان‌های شاهنامه را با صدای بلند می‌خواند و از جنگ‌هایشنایان ابراهیم می‌گفت. همین طور داستان‌های ابراهیم‌سلار رومی و ابراهیم می‌خواندم که در حد خوش



در آن زمان من که از خانواده متوسطی بودم امکاناتی نداشتم و حتی نمی‌دیدم که بچه‌های اطراف امکاناتی داشته باشند

یک فرمان عاشق فرخ تقا بود. در دوران کودکی هم مادر گلستان سعدی و حافظ را با صدای بلند برای ما می‌خواند و الان که برخی از اشعار خاتم را از حفظ هستم به جا مانده از همان دوران کودکی‌ام است.

من به داستان‌های قرآن هم علاقه مند بودم و مادر بزرگم همیشه داستان قصصت ابراهیم، اسماعیل و یونس را برایم نقل می‌کرد. ۱۳ساله بودم که به مدرسه‌مادرم به سفر کرمان رفتم و من نماز جعفر طیار را برای مادر می‌خواندم. وقتی مادر کرب و وحله می‌رفت من نماز را برایش می‌خواندم. به داستان‌های مذهبی و دعا و قرآن علاقه مند بودم و از همان دوران کودکی دعای سحر و درآ از حفظ بودم.

در مدرسه به چه درسی علاقه نشان می‌دادید؟
بایدت. من در دوران دبیرستان اشتم بسیار خوب بودم همیشه سرصفه‌اشام و برای بچه‌ها می‌خواندم و دعای سیسنگاهی که ای خدای خوب و مهربان که مارا آفریدی ای س... را با صدای بلند برای بچه‌ها می‌گفتم.

چه موضوعاتی را برای نوشتن انتخاب می‌کردید؟
چون مادرم توانزاده و بیولون بود و پدرم هم در آواز صدای خوبی داشت من هم طبیعاً دانشمند و حتی در کودکی سنتور می‌نواختم. همه این مسائل باعث شد تا آدمی حساس و رزایی بار پاییم. (می‌خواندم) الان که به گذشته نگاه می‌کنم می‌بینم که چقدر روزیایی بودم.

در آن زمان مدرسه اتان کتابخانه داشت؟
نه چیزی از کتابخانه نبود. من بودم و یک کتابفروشی لاله‌الان چه‌ها امکانات زیادی در اختیار دارنده از کامپیوتر... در آن زمان من که از خانواده متوسطی بودم امکاناتی

نداشتم و حتی نمی‌دیدم که بچه‌های اطراف امکاناتی

داشته باشند.

پس چه چیز باعث علاقه مندی شما به کتاب شد؟

من از زمانی که چشم باز کردم، مادرم را می‌دیدم که مدام کتاب می‌خواند و من که در همان آن مدر پرورش

یافتم به مرور زمان به کتاب علاقه مند شدم.

اوقات فراقتان را چگونه می‌گذرانید؟

من که تا چشم باز کردم به خانه شوهرتم، مجردی پدایم نمی‌آید. یاد روزهای کوش می‌دام. از کلاس ابتدایی

که همیشه مشغ می‌نوشتم و گاهی اوقات سر می‌نواختم.

شعر می‌گفتید؟

بله. ولی هیچ وقت تشویق نشدم. یعنی حتی در آن

زمان فرغ هم که در مدرسه مکلاس من بود، هیچ شعر

گفتن را شروع نکردم بود. اما من شعر می‌گفتم. ولی حتی معلمانم هم مرا تشویق نمی‌کردند. شاید شعرهای قابل

عرضه نمودولی در عرض اشتم خوب بود.

وقتی که به مقطع دبیرستان رفتید خواندن داستان و رمان را ادامه دادید؟

نمی‌توانی که وارد زندگی شده. کسی جدی شدم. چون

رمان‌ها، خیلی روزگی بودند. بعد از هلمیم بیشتر

را و زنامه‌های انگلیسی را حفظ می‌کردم.

شما برای بچه‌ها کتاب‌های فربوسری می‌خواندید؟

نه چون اصلارستم نبود.

عاطره ای از دوران دانش آموزتان به یاد دارید؟

بله. من همیشه صبیح با زود به مدرسه می‌رفتم،

یک روز سر راه یک مشت آلوجه خریدم و خاتمی

نشسته آنها را خوردم. خیلی زیاد و مدرسه رسیدم.

بر حسب اتفاق خاتم مدیر برای انجام کارهای دفتری

روزی به مدرسه آمدم. بعد از آنتم کارش به بیروت از

مدرسه آمدم. پدایم در آن طاری مدرسه نبود. من از

ترس دستم را بستم. صبحی کردم. مدیر که میکل کورنت

و پناهی داشت گفت. او چه نشسته قلم کردی؟ چرا

زودیه مدرسه آمده ای؟ دستم را جلور آوردم و آلوجه چای

پرز را خاک در دستم بود. مدیر فریاد زد و گفت: ای دای

چرا نشسته این آلوجه را می‌خوری. من از ترس چیزی

نگفتم. پدایم می‌آید هر صبح پدایم می‌گفت. پایک لقمه

پروار، به خدا در مدرسه را نمی‌داندند. دیر نمی‌بسی اما

من حرف آنها را گوش نمی‌کردم من حله را فروری

داشتم و همیشه به عشق مدرسه و درسی زود می‌رفتم

ایسجی آب می‌نشستم تا مدرسه باز شود. از همان

دوران کودکی اساسی می‌کردم که اینجا آن بهشت

نهایی‌است.

الان که سال‌ها از آن دوران می‌گذرد دوست دارید که به آن دوران برگردید؟

خوب هر کسی دوستش ای رایبه نحوی دوست دارد.

انسان از سن بالا فقط به پشت سرش نگاه می‌کند، در

حالی که در جوانی فقط پیش روزانگه می‌کنند چون آینده

به آن سال‌های کودکی.

یک موقیعی که با برهان خواهر فرقع فرخواد

صحت می‌کنم می‌گویم. می‌گیدم می‌آید آن زمان را خاله‌ما

کنار خانه فرخواد بود. ما بچه‌ها همیشه وقتی با هم

می‌انقادیم شلوغ می‌کردیم و مادر فرقع داد می‌زد که

اینقدر شلوغ نکنند!

وقتی صاحب فرزندان شدید خوردن به آنها توصیه می‌کردید که کتاب بخوانند یا خوردن به کتاب علاقه

بویند؟

زمانی که مسئول یک بود، داستانهای کوتاه

برایشان می‌خواندم و می‌خواندم ولی بچه‌های که حتی

کتاب چشم باز کنند و در خارج از یاد باشند. یک عنصر

اصلی این کتاب باشد. حرفی از اوب و تجارت و... نباشند.

بچه خود به خود به خواندن و مطالعه گرایش پیدا

می‌کنند.

پدایم می‌آید که استادم مرحوم و دکتر رضایی وقتی دیر

سرتلاش داشتم که می‌دیدم می‌رسیدم من گفت. من به نوزم

نمی‌دهم. چون نه مادر خوب، نه زن خوب نه معلم خوب و

نه دانشجوی خوبی هستی. چون هر کجا که هستی دلت

پیش دیگری می‌خوردی.

راستی می‌گفتی وقتی می‌خواستی مطلبی نویسم،

بچهای بلور می‌آمدوسالی می‌کرد می‌گفتم. درجان تلار

این چند صفحه را بخوانم بعد خوب است را می‌دهم...!

راسته کتابفروشا

خاصیت هندوانه

نصرت‌الله حدادی

با فشار دادن تکه تکه کنترل تلویزیون، شاهد بخش قلمی می‌شوم که برانیم چندان جذابیتی ندارد و ناگهان صدای دبیلینگ و دولونگی که گوش می‌رسد ناگهی اسیان برنامه بخشی می‌شود. ماکارونی، پنک تنکی، کره خاکی و گاهی، روغن روغن روغن و چاند و وارنگ ه همه را تشویق می‌کنند تا آنان کتاب را بخوانند و خلاصه اعلام هر، هر، ضربه و دندانشگاه از نوع آزاد و غیر آزادش برزند. به خیل پاساوان و مدرک دارن پیوبندند.

حال این خیل پاساواس از آنکه انمارا از دزیده و مدرک دارند شد و اسری در نوی سرهایا کرده شد می‌خواند بکنده. به این مؤسسات و صدا و سیما ارتباطی ندارد. بخوانند تا آینده، چراغی کردیم. اخبار دانشگاهی است و وعده و پیازده فقط شیب. نشسته سیمتیم عموالله شکه سوس. در مذمت کتاب‌های کمک‌درسی به سرا می‌سوزولان می‌روند و صد البته کسانی که در کنکور سال جاری نوبه آورده‌اند. هر درگروه کتاب‌های درسی راکتبه می‌کنند. کوجکچین تااییز را رانر مرتب نمایی دانسته و خوانند کتاب‌های درسی را کائنات نوشته می‌کنند از خواندن کتاب‌های کمک‌آموزشی ابته می‌کنند. در مؤسسات سازمان سنجش کشور، مؤسسات پرسور حدادی کمک‌آموزشی را بر سر می‌انهدیم. می‌نشانند می‌نویسند. اگر کسی حتی از دم در آنگیکر به مؤسسات هم رنده‌اند، باید نوشتن. ان موقیفتان آن که در پای خود می‌نویسند، و با ه در کوشش کتاب‌های کمک‌درسی دانشمندان دهد.

من می‌مانم معطل که اکره و درودندشه برینش از تبلیغات اینگونه مؤسسه‌ها و وزیرینویسند و پدایم که از فلاان کتاب کمک‌درسی و پنهان کتابی که اگر بخوانی، بی‌سواد می‌مانی مالی اید خود می‌گویم یعنی چه یادآوریش ما مورتی مالیات علیه آن وقت‌ها که می‌گرفتند و حالا کلان مالیات می‌گیرند. در جواب اعتراضی من که به زبانی مالیات اشرا داشتم، گفت: اگر کتابفروشی صرف ندارد، این همه کتاب کمک‌درسی چه که چاپ می‌شده؟ عرض مبارکشان رساندم. همیشه ناشرش که کتاب کمک‌درسی چاپ بکنی و بنشیند و پنهان کتابی به معنی واقعی چاپ می‌کنند. در جوانم گفت، من کاری به این کارها ندارم، کتاب، کتاب و درسی و غیر درسی ندارد.

در همین مدیحتی و بیس‌ایک بار دیگر بکنید. آن هم کتاب کمک‌درسی از مؤسسه‌های که تلاش چندان به گوشه آشنا نیست. با خود می‌اندیشیم، چنانچه واقعاً می‌سوزولان صدا و سیما معتقدند این کتاب‌ها اگر خبری نداشته باشند، خاصیتی هم ندارند. پس چرا تبلیغ. آن هم با این وسعت به عمل می‌آورند و اگر آنها را مفید می‌انگادند، چرا در مذمت آنها با می‌سوزول و دانشجو و قیول شده در فاشکر به گفت و گو می‌ریم. اینده!

عظیم به جایی قدمنی دهند. پدایم با آن بیانی که وارد جایگزینی شده اعلانی شده و با خیال راحت به خوردن غذاهای ذریه ایدم. بود. صاحب جالبتر پرسودانستر بریسیدم و سبیلی بیجاست نمی‌کنی؟

چرا! ما بر می‌خوردیم نمی‌مانی خوردن مال مردم حرام است؟ تخصص هندوانه با را مانم

چون تمام تر گفت، چرا می‌مانم. خوب هم می‌دانم که

خوردن مال مردم حرام است. صاحب بیار ناخج

بریسید، خوب، تو که الاالی بلندی، چرا خوبتر

نیگره به داری نام مردم را می‌خوری؟ بخوانند بار

دیگر با اقصایی از نام بر جواب داد من به اخلاان و

حرامش کاری ندارم و چون هدفواد خنیکه، واسه خاصیتش می‌خورم.

حالا به طوری می‌سند کتاب اسری گوی داشته

باشد. همانا کمک‌درسی است و چاپ کننده و

نهی‌کنند. آن کاری به سوز و زاریشان ندارند. به خاطر

خاصیت آن را چاپ تبلیغ می‌کنند. اخبارمعتاد منم

مرحوم حاج میرزا آقاسی را که چاشمش اگر آب

نداشت، نان که داشت. راستی تبلیغ خیلی چیز خوبی

است‌ها، و ما خاصیت آن را نمی‌دانستیم!

قصه گو، خدایت بیامرزد



نسل ما اولین نسل بود که از قصه گوئی محروم شد. پدر و مادر دانشگدیده اداری گرچه از خرید کتاب یا کتابخوانی کوناهمی نمی کردند اما قصه گوئی بلد نبودند. مهد کودک و مدرسه و کلاس های کانون پرورش و… هم نمی توانستند این خلأ را پر کنند. آریانسان نشینی هم دیدار مامرزبورگ ها را به آخر هفته ها موکول می کرد. پس ما از کجا باید قصه می شنیدیم؟

شنیدم که دو سه هفته پیش از دنیا رفته است. در مطبوعات و رسانه های ایران که چیزی نشنیدم. کسی از ماهواره شنیده بود هر چه گذشت نتوانستم قبول دادم که اطلاعاتی برلم باید اما تا اخیر بیشتر جایز نبود. گفتنا دانش را می بینم. مولود عاطفی در حقیقت مولود آزردی و محسّر مهندس عاطفی رسیس وقت رایون حدود هشتاد سال عمر کرد. گویا از حدود سال ۱۳۴۰ در بر نامه کودک صبح های رایونو بعد از بقیه برنامه ها و تلویزیون به قصه گوئی برای بچه ها پرداخت. تحصیل کرده دارالمعلمت بود. پس از انقلاب هم به خارج از کشور رفت. اگر کارهای خوب یا بد دیگری هم کرده نمی دانم. اما هر چه باشد نسل من صابلیان را فراموش نمی کند. ایکی بود یکی نبود… هر که بود و هر چه کرد، خدایش بیامرزد. خدایا بامرزد صبحی منهدی را او مهنن بیهیم را و سلامت بارد نمودم یزین را. خدایا منهدی را در ارض رهنگذر را و خاتم کلی را و هر که را که سنت هزاران ساله گوسان ها و قضاصین را پاس داشته و می دارد.

خبر

همزمان با هفته کتاب

اولین همایش سراسری دانش آموزان برتر کتابخوان و کتابداران فعال مدارس برگزار می شود

به منظور بزرگداشت روز کتاب و دانش آموز و همزمان با هجدهمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، اولین همایش سراسری دانش آموزان برتر کتابخوان و کتابداران فعال مدارس برگزار می شود.
به گزارش ستاد خبری هفته کتاب ایجاد بسترها و زمینه های مناسب برای توسعه و ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی، فعال سازی کتابخانه های آموزشی و ضرورت تشویق و تقدیر از دانش آموزان کتابخوان و کتابداران پر تلاش مدارس، از مهمترین اهداف برگزاری این همایش است.

تیمار این گزارش این همایش که ۷۰۰ نفر از کتابداران و دانش آموزان برگزیده سراسر کشور در آن حضور خواهند داشت، روز سه شنبه هفتم آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران برگزار خواهد شد.

گفتنی است همایش فوق را دفتر برنامه ریزی امور فرهنگی و مشاوره معاونت آموزش و پرورش نظری و مهارتی با مشارکت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار خواهند کرد.

وقت و کوه

سیامک احمدی، شاعر:

احساس می کنم که به بچه ها توجه نمی شود



سیامک احمدی مولود سال ۱۳۲۷ و فارغ التحصیل تئاتر از دانشکده هنر و معماری است. احمدی از سال ۷۷ شعر گفتن برای کودکان را آغاز کرده و تاکنون سه کتاب از او چاپ شده که همگی شعر هستند. با وی مصاحبه کوتاه‌ای داشتیم که می‌خوانید.

چه شد که برای بچه‌ها شعر گفتید؟

من در سال ۷۷ یک نمایشنامه عروسکی نوشتم که در آن نمایشنامه نیاز به دیالوگ‌هایی داشتم که ریتمیک باشند و خودم شروع کردم. بعد از آن هم عملاً وارد این کار شدم و در واقع از دیالوگ گوئی و اینکه چگونه می‌توان دیالوگ‌ها را با ضرب زده، به قافیه بندی رسیدم.

آیا به ادبیات کودک علاقه داشتید؟

من بچه‌ها و کار برای بچه‌ها را خیلی دوست دارم و سعی می‌کنم برای آنها کارهای زیادی انجام دهم تا بچشد. احساس می‌کنم من‌آسفانه به بچه‌ها به قدر کافی توجه نمی‌شود. در ذهن آنها چراغ‌های بسیاری است که باید پاسخ داده شود. من به هر طریقی برای آنها فعالیت خواهم کرد.

چرا همه کتاب‌های شما شعر است؟

شاید چون شعرا خیلی دوست دارم. اوقتی بچه بودم بیشتر شعر می‌خواندم تا داستان و از آن دوران کتاب هستی نگو به دستم گل آقای رحمان دوست در ذهنم هست که همیشه با خواهرم می‌خواندم. البته

وقتی

سیده سیمیه شیری

خریچاره

خر خریچاره، کورا آنته، کمال پوروزکیا، بلوط سبز، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۶۶ صفحه، ۳۵۰ تومان.

«آلف که عرعر می کرد، کسی نگراش نمی شد، در حقیقت هیچ وقت کسی به او فکر نمی کرد، او هم از همین نگران بود…»

یکی از بزرگترین احتیاجات هر انسان که تمامی زندگی، اعمال و رفتار او را تحت الشعاع قرار می دهد و شاید بتوان گفت خط مشی اصلی زندگی بر پایه آن شکل می گیرد، نیاز به توجه از سوی دیگران است. انسان ها دوست دارند در مقام توجه و اهمیت باشند و زمانی که این نیاز ارضانشده باقی نماند، خود را در معرض خطر بزرگی احساس می کند و ادبیات، جولانگاه مناسبی برای ظهور و تبلور تمامی حسن ها، دردها، آلم و آرزوهای است که روح بشر نیازمند آن است، آن را تجربه کرده و این خواهران تجربه آن می باشد. و این بخصوص در حیطه داستان تئوری ویژه می یابد و آنگاه که داستان قدم به ساخت کودک می گذارد.

ظرفتی ویژه را برای بیان مقصود می طلبد. کورا آنت نویسنده آلمانی با بیانی طنزآمیز،

نیاز مرکز توجه بودن» را به تصویر می کشد. قهرمان داستان او «خر خریچاره‌ای» است که خود را بدبخت یافته و خواهان توجه ویژه از سوی

بررسی معناشناختی گفتمان

فرود ساعت ۵ بعد از ظهر نشست نقد ادبی کتاب ماه کودک و نوجوان با موضوع «بررسی معناشناختی گفتمان» واقعیت یا توهم؟» برگزار خواهد شد.

در این نشست دکتر حمیدرضا شیرینی ، «دکترای معناشناختی از فرانسه و مدیر گروه زبان فرانسه دانشگاه تربیت مدرس - سخنرانی خواهد کرد.

وقتی

سیامک احمدی، شاعر:

احساس می کنم که به بچه ها توجه نمی شود

من‌آسفانه چاپ و بخش خوبی هم نداشت.

پر خورده متفان با کتاب‌های شما بطور بود؟

من‌آسفانه ندیدم کتاب‌هایی جایی نقد شود. البته خیلی دوست داشتم ایرادهای کارم را بفهمم و از تجربیات دیگران استفاده کنم. و بدنام از این به بعد چه کار کنم بهتر است.

شعرهای کدام یک از شاعران حوزه، کودک را دوست دارید؟

بیشتر از همه مصطفی رحماندوست و آرزو دارم یک روز مثل ایشان شعر بگویم. به غیر از ایشان شعرهای کسرائی و اهلی کوچیکه فرغ را هم خیلی دوست دارم. نکته‌ای که دوست دارم بگویم این است که به نظر من اگر امروز به قول ناشران بازار کتاب کودک کساده شد، شاید یک دلیل آن ناآگاهی نویسنده‌ها باشد و اینکه نمی‌دانند چه باید بنویسند. فکر می‌کنم بچه‌ها الان از اینکه بزرگ‌ها بگویند چه کار کنی، خسته شده‌اند و من سعی کردم بچه‌ها چیزهایی را که همیشه از بزرگ‌ها شنیده‌اند، در این کتاب‌ها از زبان دیگری بشنوند.

در حال حاضر چه کتاب‌هایی را آماده چاپ دارید؟
شعرهای آبی که می‌خواست آبی از باشد، «کوجولو» ابروکونان بازن همه قصه‌نویسند، «آسوک» تنها بوزله را آماده دارم. البته باز یکی کتاب اسمیاهی که می‌خواست سفید باشد. و که طرح آن از خردم بود و شعرهایی را دوست آقایی حسینی نوشتم. یا هزینه شخصی خودم در انتشارات خوشبین چاپ کرده‌ام.

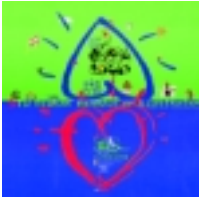
کتاب

دیدار در آینه

کسی در آینه، حسن احمدی، انتشارات آستان قدس رضوی (شرکت به نشر) چاپ اول، ۱۳۸۱، شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه، ۳۰۰۰ ریال (کسی در آینه) داستان زندگی و زندگی قلمی مطبوعاتی او را می‌پوشد. روز است. مایرورنگ را بهانه که هر روز برای توهانش داستانی را می‌پرویز حکایت می‌کرده‌اند.

عهد می‌کند از زمانی که اثری از فرزند پیدا کند و از شهادت او مطمئن نشود، لب از آب بزند و دیگر هیچ داستانی نگویند. راضی در آینه نقش با دلی پرویز ملاقات می‌کند و او را که برای بردن مایرورنگ و رها کردن او از ندره جانگشای آمده است. از مصفوفش مصرف می‌کند. هر عرض فی پرویز پس از دست‌ها نیست. به رویی ماریش باز می‌گردد. مایرورنگ پس از رسیدن به آرشش از اوقات و جملاتی راضی با دلی پرویز، دیوانه، جویگت داستان‌هایش را از سری می‌گردد.

حسن احمدی با انتخاب موضوع دفاع مقدس، به دشنگی‌های مادران ایرانی در سال‌های جنگ پس از آن می‌پردازد و با خلق فضایی غمگین و در عین حال سراسر از آرزو، گروش‌های ارنج طولانی مادران این سرزمین را در غم از دست دادن فرزندان با زگی می‌کنند. اگرچه فضای تیره و اندوهناک این داستان شاید قدری برای نوجوانان سنگین به نظر بیاید، اما روزنامه‌ها می‌برند و سراسر آرمین‌بخش آن از سنگینی این بار می‌کاهد.



کتابخانه شهرداری مشهد، ۸۶، شنبه ۳ آبان ۱۳۸۱ ۱۵

کتابخانه شهرداری مشهد، ۸۶، شنبه ۳ آبان ۱۳۸۱ ۱۵

هائیه توسلی با بازی در فیلم شام آخر وارد سینما شد و هم اکنون هم فیلم «فوری» یا بازی او در سینماها اکران شده است. او با اینکه بازیگر اصلی و مقاله زیادی به نوشتن و خوانندگی دارد. شاید همین علاقه به نویسندگی باعث شود که روزی به نویسندگی حرفه‌ای روی آورد.

نکته جالب این است که شما خیلی اهل مصاحبه نیستید. پس بچطور شده که به مصاحبه‌ای که موهوش کتاب است بدون آقا و خانم راجدیده؟
آیته که به حال یا چندین نشریه به مصاحبه کرده‌ام. اما آنچه که در یک مصاحبه برلم بهم است، این است که پرسش‌های جدی در آن مطرح نبود. در بعضی از مصاحبه‌ها می‌بینم که به مسائل سطحی پرداخته می‌شود، درحالی که بولتن من کتاب موضوع خیلی جدی است و همیشه یکی از دغدغه‌هایم کتاب خواندن است. پس دوست دارید مصاحبه را یا کتاب شروع کنم؟
من تا به حال کتاب‌های متنوعی خوانده‌ام، مثلاً خواندن آخرین نمایشنامه‌های هفت پیش به پایان رساندم، با عنوان داستان خرس‌های پاندا به روایت یک اسکای‌فوتبالیست که دوست دختری در فرانکفورت داده خیلی شیرین و جذاب بود. چه جالب اسم پامپای دارد.
بودی آن نوشته استرامی خوانم که آن هم خیلی خوب است…
درشته تحصیلی شما ادبیات نمایشی است به همین دلیل است که بیشتر کتاب‌های تخصصی این رشته را می‌خوانید؟

آن نزدیک است، به جز کتاب‌های تخصصی و علمی. پزشکی و مهندسی، ولی این حال به غیر از فیلمنامه و نمایشنامه، رمان، داستان کوتاه و کلا کتاب‌های ادبی زیاد می‌خوانم. خود خوانده‌ام و این نوع کتاب‌ها گرایی دارم. فکر می‌کنم بیشتر آثار نمایشنامه‌نویسان خارجی را مطالعه کرده‌ام. در رشته ادبیات نمایشی تحصیل کرده است. او برای نخستین بار به‌عنوان بازیگر سینما در فیلم بوخساره نقش ایفا کرده و هم‌اکنون به‌راهی او در نقش ایلیس جوان» در تلویزیون دیده می‌شود.
اوپیشتر اهل فیلم دیدن است نه کتاب خواندن ولی هنگام مطالعه شاعری می‌کند. تمرکز بیشتری داشته باشد. گفت‌وگویی این هفته با شهاب حسینی پیش روی شماست.

این روزها بیشتر مطالعه می‌کنید؟
این روزها به دلیل اینکه سر صحنه فیلمبرداری هستم، خیلی فرصت کافی برای مطالعه کتاب ندارم. ولی بیشتر فیلمنامه‌های پیشنهادی را می‌خوانم که در مجموع وقت زیادی را می‌گیرد.
یعنی اصلاً کتاب نمی‌خوانید؟
چرا ولی خوب کمتر فرصت انتخاب کردن دارم، منتهای معمول کتابهایی که دیگران توصیه می‌کنند، دیدارش می‌روم و می‌خوانم.
فرصت یافت خود را چگونه بر می‌کنید؟
زمان فراغت را صرف کتابخوانی نمی‌کنم.
چرا؟
چون ترجیح می‌دهم هنگام کتاب خواندن تمرکز بیشتری داشته باشم. همین‌که در مساعلی که دغدغه‌های ندلم کتاب می‌خوانم، به نظر می‌رسد بیشتر اهل فیلم دیدن هستند تا کتاب خواندن.
خوب فیلم زیاد می‌بینم، چون همیشه اعتقاد دارم که از

می‌کند یا ابراهیمی راستش را نخواهد. حدود دو، سه سال است که نمایشنامه ابراهیمی خوانده‌ام. البته حدود پنج، شش سال پیش که در همدان بودم. بسیاری از نمایشنامه‌های غلامحسین ساعدی و بهرام بیضی را خوانده‌ام، مخصوصاً آن زمانی که کتاب‌های بیضی پیدا نمی‌شد، آنها را از دوستانم



● **به نظر من مہمترین مسأله «درست دیدن» است. زندگی سرشار از لحظاتی است که باید درست دیده شود و به نظر من درست فیلم دیدن و کتاب خواندن به این نوع «دید» کمک می‌کند**

به‌سختی قرص می‌گرم. کبھی می‌گرم. کم می‌خوانم. الان هم کلیه آثار نمایشنامه‌نویسان ایرانی را دوست دارم. مثل محمد رحمانیان، حمید امجد و… ولی الان تمرکز اصلی‌ام روی آثار نمایشنامه‌نویسان خارجی است.

چرا؟
چون در دانشگاه «تاریخ تئاتر جهان» ارامی خوانیم و از یونان باستان شروع می‌شود تا به شکسپیر، بن جاسون، برشت و بوختر می‌رسیم و بعد هم به بوچین اوبیل، آستریتز، گدایسین و… ولی با این حال در کنار آنها آثار صادق هدایت، سیمین دانشور و یاداستان نویسان معاصر

گفت و گو با شهاب حسینی، بازیگر تئاتر، تلویزیون و سینما

بیشتر فیلم می‌بینم و کمتر کتاب می‌خوانم

طریق فیلم دیدن باید سطح سوادبصری‌ام را بالا ببرم. مخصوصاً برای مثال من که شغل و حرفه‌اشان سینما و کلاس‌های تصویرگری است.

می‌توانان با «رمان» چگونه است؟
رمان دوست دارم، مخصوصاً رمان‌های خیلی خوب را می‌خوانم. مثلاً یاد رافعه؟

اصلاً هیچ وقت از این رمان خوش نمی‌آید.
پس رمان‌های مورد علاقه‌تان را نام ببرید.
مثل اجابت و مکافات، داستان‌تولفسکی و یابارهستی، میلان کوپلر.
به نظر می‌رسد بیشتر به شرق علاقه‌مند هستید.
چون بیشتر در شرقی هستند و به نظر من اگر در فرهنگ غربی چیزهای جدیدتری برای انسان شرقی باشد، باید مردم و دوجه‌تر بگیرد. در غیر این صورت فرهنگ شرقی معلوم محتوا و ارزش‌هایی است که ترجیح می‌دهم به آنها نزدیک شوم.

آیا به شعر علاقه‌مند هستید؟
آیا به زیاد به عقیده من «شعر» یکی از ابزارهای کاری مااست که باید هر یقه درست خواندن آن را یادیم و بشناسیم. و اگر با این کار درستی خوانده شود، حتی‌البدیه و تأثیر گذار خواهد بود.
شعر امروز یا شعر کلاسیک، کدام یک را ترجیح می‌دهید؟
بیشتر شعر امروز. مخصوصاً شعر سهراب سپهری، شما یوشیح احمد شاملو و برخی از اشعار فردین مشیری.

مثل گللی ترقی و زویا پیرزاد را مطالعه می‌کنم.
این روزها از بیشتر افراد که می‌روسم، این رمان «زویا پیرزاد» تعریف می‌کنند. خودتان از آثارش چه چیزی دریافت کردید؟
شبه‌نگارش و تفریح خلق خیلی جذاب است و منتهای در کتاب اجراها را من روشن می‌کنم. بلکه در مجموعه داستان کوتاه «الف بافتلات روزمره یک جور دیگر تأثیر شده است. یعنی من احساس می‌کنم که تصویرها را گرفته‌اند کار هم می‌چیند و توضیح اضافات هم ندارد.
تخصیص رمان ایرانی که به دهفتان می‌رسد، چه نام دارد؟
نخستین رمان ایرانی که بلافاصله به ذهنم می‌رسد، دهانه آفریسیها» اثر آله علیزاده است.
نظرات درباره این کتاب چیست؟

من قبل از خواندن این رمان اصلاً آفرآله علیزاده را نمی‌شناختم و بعد از خواندن دیدم که تصویرسازی‌های کتاب خیلی غنی است و بدون هر گونه توصیف اضافی، خواننده راه فضای داستان نزدیک می‌کند.

با این توضیحات، من فکر می‌کنم که بیشتر به خواندن داستان کوتاه علاقه‌مند هستید.
بله، داستان کوتاه را خیلی دوست دارم. منتهای رمان‌های طول را هم می‌خوانم. مثلاً چندسال پیش رمان «بینوایان» ویکتور هوگو را خواندم و بعد از خواندن آن فهمیدم که چرا این رمان جلوه‌نامه شده و سطر سطر کلمات و جملات آن عمق زیادی دارد.

به نقد و تحلیل کتاب هم علاقه دارید؟
بله. پس از اینکه یک کتاب را می‌خوانم، با دوستان اطراف ایفایم درباره آن بحث و گفت‌وگو می‌کنم. چون هنگام گفت‌وگو چیزهایی را می‌شنوم که اصلاً راجع به آن فکر نکرده‌ام و همین مسأله اتفاق خیلی خوبی است.

خواهم شما هم منتقد است. چندتا نظر تازش تأثیر می‌گیرد؟
البته ممکن است آدم در یک دورانی از خیلی‌ها تأثیر بگیرد ولی واقعیت این است که من و خواهرم هنوز در ابتدای راه هستیم و در حال دیدن و تجربه کسب کردن



البته من اساسی این شاعران بزرگ را بدون رده بندی عنوان کردم.

چون به درجه و رده بندی خیلی اهمیت نمی‌دهم.
اغوا کتابی به شما توصیه شده است؟
خیر، چون این روزها درگیر مسائرت‌های کاری هستم و چندتا فرصتی ندارم.
به کتاب‌های سیاسی علاقه‌مند هستید؟
بیشتر به کتاب‌های تاریخی علاقه‌مند هستم.
پس به شما خواندن یک کتاب را توصیه می‌کنم.
برمابید.

کتاب مصفا می‌هواد» را.
من این کتاب را خوانده‌ام ولی اگر فرصت پیدا کردم آن را می‌خوانم.
آیا شربتی که معروف به «کتاب» باشد را می‌خوانید؟
تا حالا! چنین شربتی بهتر خواهد شد.
شما تاکنون شربیه «کتاب هفت» را خوانده‌اید؟
نه، اصلاً متها اگر شربت مربوط به کتاب حلوی اطلاعات باشد، کم‌کم در علاقه‌ام باشد. متها آن‌ها را ندلم می‌کنم.
آیا به فتور مطلق فیلم می‌بینید؟
نه، فیلم دیدنم مثل کتابخوانی است. مسائلت و زمان مشخصی ندارد و هر وقت احساس کنم که نیاز دارم فیلم ببینم و یا کتاب بخوانم، حتماً چنین کاری می‌کنم. همین دلیل ممکن است در این خصوص بافصله زیادی برنمغری می‌کنم.

هستیم و هنوز به آن مرحله نرسیده‌ام که بخوایم از هم تأثیر بگیریم.
اصلاً یا چه انگیزه‌ای به طرف این نوع کتاب‌ها می‌روید؟
آدم وقتی یک چیز را دوست دارد، خوب خواهد نوشتش و رازی آن تمرکز می‌کند. البته به این معنی نیست که همه شب و روزش را صرف آن کار کند ولی به هر حال برنامه‌ریزی می‌کند تا به آن چیزی که مورد علاقه‌اش است، برسد.

شما از «احمد محمود» کتابی خوانده‌اید؟
احمد محمود یکی از نویسندگان مورد علاقه‌ام است که فقط داستان یک شهر را در مطالعه کرده‌ام.

«همسایه‌های او را نخونده‌اید؟
مَسْئله نه‌اولی همیشه جزه فهرست برنامه‌هایم بود که این کتاب را بخوانم.
«جزیره سرگردانی» سیمین دانشور را خوانده‌اید؟
نه آن را نخوندم. ولی کتاب معروف لیسان یعنی «سوشن» او را خوانده‌ام که به نظر من نظیر است.
دوست دارید یک روزی نقش «زویا» را بازی کنید؟
خوب، همیشه بحث سر این بوده که از وسوژن، ولی به نظر من رمان آن یک چیز دیگر است. بیشتر دوست دارم آن را بخوانم تا بازی کنم.

تخصیص کتابی را که خوانده‌اید به یاد می‌آورید؟
کتاب‌هایی که در بچگی‌ام خوانده‌ام مثل پنویکو گادانت، «برنده ای آن نوشته اوریس سترلیگ» بود که به زبان بچه‌ها به چاپ رسیده بود و روی من خیلی تأثیر گذاشت. اما در سن ۱۲، ۱۳ سالگی یکسری کتاب‌های تاریخی در کتابخانه پدرم یاد کردم. مثل نوستراداموس، سیوجه و… و یادبرایه جنگ‌های ایران و یونان که مورد علاقه‌ام بود ولی از همه تأثیر گذارتر «دنیان» هرمان حسه بود.

به مضامین فلسفی- عرفانی علاقه‌مند هستید؟
هیچ وقت به طور جدی وارد فلسفه و عرفان نشدم ولی سعی کردم کمی روش‌شان بنگم. بروایع با خواندن «دنیان» از این دنیا کنده شدم و به دنیای دیگر وارد شدم ولی یادبرایه به این دنیا برنگشتم!

داستان می‌نویسید؟
بله تا به حال ۷۸ داستان کوتاه نوشته‌ام.

نقدند دارید آنها را به چاپ برسانید؟

چند زمان‌هایی از روز و شب را به مطالعه اختصاص می‌دهید؟
اگر سر کار باشم، یکی، دو ساعت را یک نیکار هستم. به خواندن کتاب اختصاص می‌دهم. ولی در طول روز هنگامی که نیکار باشم مثلاً از ۱۰ ساعت، ۲ ساعت را به کتاب خواندن، ۲ ساعت را به فیلم دیدن اختصاص می‌دهم. و بقیه رهم صرف کارهای دیگر می‌کنم.
در این روزها چه کتاب‌هایی می‌خوانید؟
شما عشق کتابخانه هستید؟

بله عشق کتابخانه حوزه هنری هستم.
بیشتر کتاب می‌خرید یا از کتابخانه قرض می‌گیرید؟
باز اینکه کتاب زیاد دارم ولی بعضی اوقات دوست دارم باز هم کتاب بخرم.

اگر با یک جمله بخواهید درباره کتاب حرف بزنید چه می‌گویید؟
هر چند این جمله‌ای که می‌گویم کلیشه شده است ولی من به آن اعتقاد دارم. کتاب بهترین دوست است. آیا کتاب همه تهائی شما را پر می‌کند؟
همه تهائی ما را نه ولی باعث می‌شود که اطراف را دقیقتر نگاه کنیم. البته به نظر من همین سن، مسأله دوست دیدن است. زندگی سرشار از عظمتی است که باید درست دیده شود و به نظر من درست کتاب دیدن و کتاب خواندن به این نوع «دید» کمک می‌کند.

زندگی نو

فرانک آریا

هائیه توسلی:

نثر زویا پیرزاد یک نوع دکوپاژ است

اگر به کرمانشاه رفته باشی و به خیابان امیرکبیر، پشت پارک شیرین هم سری زده باشی حتماً آیدیه‌ای که مرکز فرهنگی کرمانشاه ساختمانی است با نمای بیرونی زیبا.

نمی‌دانم به داخل آن هم رفته‌ای یا نه؟ اما اگر به داخل آن رفته باشی می‌دانی این مرکز فرهنگی موزه است، موزه جنگ.

در سرسرا همان طوره که توجهت به آخرین باقی مانده هلی کوپتر سردار شهید علی اکبر شیرودی جلب شده است بایتم نگاههی از کنار موتوریک هواپیمای مهیام شده عراقی رد می‌شوی و درست در مقابل منبع آب سوراخ سوراخ شده می‌ایستی، گویشی اختیار رفتن و ماندن را از تو گرفته‌اند و تو فقط می‌خواهی بیثی و خوت را در صحنه تیرید احساس کنی که یادگارش همین منبع هزار ستاره است، درست را بلند می‌کنی تا شاید اشک از چشمت بیرون ریفتند که درقیشه‌ای و دو میز و هشت صندلی قرانت خانه کوچک کتابخانه را می‌بینی.

اگر این سمت و آن سؤ را کمی بکاوی، سیماک اگر می‌تواند به این جا مراجعه کند. حتی برای خرید نشریات روزانه هم دستمان کاملاً بسته است. تا چند روز قبل تابیلوی هم که نشان دهد این جا کتابخانه‌ای وجود دارد، نداشتیم. می‌گویم پس با این حساب کتاب جدید هم نباید داشته باشی و او با خنده‌ای می‌گوید: «اگر اجازه ندهاند کتاب خریدیم، می‌کنم که نمی‌توانستیم بنشینیم، نگذاشتیم کار زمین بماند، در این مدت حدود ۶۵۰ جلد کتاب به صورت هدیه از افراد و مراکز جمع آوری کرده و به مجموعه ۶۵۰۰ جلد کتاب و ۲۰۰ نسخه مجله‌ای که پیش از این داشتیم، افزودیم.»

سیماک اضافه می‌کند: «در هر صورت امیدواریم

داستان

مدیاری از کتابخانه موزه جنگ کرمانشاه

شاید به این دلیل!



نسل جوان این منطقه بتوانند از این طریق با گذشته‌شان ارتباط بیشتری پیدا کنند و ما هم در این زمینه بتوانیم کام‌های خوبی برداریم.»

به سر و وضع کتابخانه که نگاه می‌کنم، دلم می‌گیرد. قفسه‌هایی که دور تا دور کتابخانه را پر کرده‌اند، قفسه مجله هستند و نه قفسه کتاب. در میان قفسه‌ها به زور می‌توان فضایی را پیدا کرد تا یک نفر بایزاند به سادگی از میان آن ترده‌کند. دیوارهای سیماهی کتابخانه محیط مناسبی را برای حفظ و نگهداری کتاب ایجاد نمی‌کنند. سیماک بازم به علم حمایت‌ها اشاره می‌کند: «باید به طبقه دوم برویم اما…»

نمی‌دانم سیاست جدید بنیاد چیست؟ شاید کتابخانه ارتقا به این دلیل تعطیل نمی‌کند که بودجه صرف شده‌اش را دک نماند…»

امیدواری‌های سیماک زیباترین چیزی است که چشم‌مان را در لحظات آخر بر می‌کند.

کتابخانه موزه دو گونه مشترک و مراجعه‌کننده

دارد. یکصد و چهل نفری که به عنوان عضو دائم بر که عضویت را کامل کرده‌اند و دیگری که به عنوان مهمانان گذری کتابخانه سری به آنجایی زدن.

اولین حرفی که سیماک می‌زند یوی گلابی می‌دهد از کمیود جا.

«جا بسیار کم است. تقاضا کردیم که ساختمان استیجاری بودجه مستقلی را برای این کار اختصاص دهد تا کتابخانه را در حد معمولی گسترش دهیم. اما بنیاد حفظ آثار - و نشر ارزش‌های دفاع مقدس - مرکز هنوز قبول نکرده است.»

گلابی‌های اوتما می‌ندارد. سامعات کار ما به شکل اداری است. یعنی از هفت و نیم صبح تا دو بعد از ظهر. در صورتی که مخاطبین جدی و اصلی کتابخانه عصرها می‌توانند به این جا مراجعه کنند.»

اما اجازه خرید کتاب نداریم. حتی برای خرید نشریات روزانه هم دستمان کاملاً بسته است. تا چند روز قبل تابیلوی هم که نشان دهد این جا کتابخانه‌ای وجود دارد، نداشتیم.»

می‌گویم پس با این حساب کتاب جدید هم نباید داشته باشی و او با خنده‌ای می‌گوید: «اگر اجازه ندهاند کتاب خریدیم، می‌کنم که نمی‌توانستیم بنشینیم، نگذاشتیم کار زمین بماند، در این مدت حدود ۶۵۰ جلد کتاب به صورت هدیه از افراد و مراکز جمع آوری کرده و به مجموعه ۶۵۰۰ جلد کتاب و ۲۰۰ نسخه مجله‌ای که پیش از این داشتیم، افزودیم.»

سیماک اضافه می‌کند: «در هر صورت امیدواریم

«امیدوارم که نویسندگان و روزنامه‌نگاران نگاه تازه‌ای به کرمانشاه داشته باشند و به نوعی مظلومیت این شهر را در کارهایشان انعکاس دهند تا همه مردم ایران از آن باخبر شوند.»

سیماک شیرین‌پور، شیرمردی که نمی‌فرد سر به زیر کارش را جلوی می‌برد، خیماسلفی می‌کنم. در سرسراهی بعدی موزه اتاق‌هایی به یاد شهدای حلبچه، آزدگان، جانپازان، عملیات مراد و چودرود. چندتا ر حیمی زیاد تکه پاره‌های فرفاسی که در اثر موج قفقاز خمیده و از هم دریده‌شده‌اند. توهم را جلوی می‌کنم. اگر کن که هر مدتی زبردست ساعت‌های خلق این اثری حیمی وقت صرف کرده است. گره چابلی نوشته‌های کوچک پاپی این آثار تاچرات می‌کند که به یادپیوری خلق این اثرتها چند لحظه وقت گرفته است و منجاری ناخنده آن را رد گوش‌های از قلمت به یادگار گذاشت.

پادمان عجیب توجهت را جلب می‌کند. مثلث‌های بزرگ، موزون و تا برابر، با لبه‌های سیماز دلپسند هستند. پادمان حمله مسمونی به پنداندن دلپسند هستند. «پادمان حمله مسمونی به پنداندن شیرین» و «حالا برای می‌شوی. مثل این که پارچه سفید رنگ تنها از آن بالا آویزان شده است که جلوی عدت و گمان را بگیرد. «محل اصابت موشک.

راهمانی موزه به کمک می‌آید تا مطمئن شوی که روزی در این مکان مردم پناه گرفته بودند تا شهر را عالی کنند. مردمی که از مرگ ترس نداشتند اما بار نمی‌کردند حتی در کج این مکان آن هم دشمن در کین‌شان دیده بنده نمکین پانگه‌ها در برابر هر نفوذی مقاوم است اما تنها سوراخ کوچک هواکش یک بار کارش را درست انجام نمی‌دهد. موشک تعیین مسیر شده به جای خودش را به درون می‌انداذ.

از ۱۱ تا ۱۳ آبان در فرهنگسرای نیاوران

همایش سراسری مسائل کتاب کودک و نوجوان برگزار می‌شود

شاید صبر اندیز کمیته حقوقی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و روزنامه‌نگار، کاظم طالع‌ی تصویرگر و مدیر هنری مجلات رشد، حسین کلبگی، اسکندر منتقد کتاب‌های کودک و نوجوان، ادر میرزوی به بحث درباره اینترنت و مخاطب کتاب کودک و نوجوان می‌پردازند.

بر اساس این گزارش این همایش همه‌روزه از ساعت

۱۶ تا ۱۸ در فرهنگسرای نیاوران برگزار خواهد شد.

نمایشگاه تصویرگران کتاب کودک و روز پنجشنبه ساعت ۱۷ با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون فرهنگی و معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در فرهنگسرای نیاوران افتتاح خواهد شد.



شماره ۸۶، شنبه ۳ آبان ۱۳۸۱

همایش «چهره‌های ماندگار»

برگزاری همایش «چهره‌های ماندگار» برای نهمین

کردن تکريم علشان در جامعه امروز است.

دکتر علی لاریجانی، رئیس سازمان صدا و سیما در مراسم دومین همایش «چهره‌های ماندگار» با بیان این مطلب گفت: این همایش، فرصت تکبیری است تا دانشمندان علم مختلف در کنار هم در مقام برجستگان علمی تقدیر کنند.

در این مراسم که با حضور تعداد بسیاری از اندیشمندان و دانشمندان داخلی و خارجی در محل سالن همایش های صدا و سیما برگزار شد، دکتر

لاریجانی اهتمام به بزرگداشت مفاخر علمی و فرهنگی - هنری کشور را با توجه به وجود مکتب اسلامی در ایران، امری ضروری دانست.

در ادامه این مراسم، دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز طی سخنانی، ادای احترام به پیشگامان علم و اندیشه را در این همایش، ادای احترام به کل اندیشمندان خواند و افزود: باید مراقب علم به ماریسد تا گلشنگان را به نحوی

و در بخش دیگری از سخنان خود، آموختن شیوه درست تفکر به دانشجویان را از ضروریات آموزش علم در ایران دانست و افزود: توسعه تفکر، بدون آموختن شیوه درست آن، امکانپذیر نیست.

در ادامه این مراسم که با سخنرانی تپی چند از حاضران در جلسه، همچون پروفسور فضل‌الله رضا، دکتر مهدی گلشنی و دکتر ابوالقاسم گرچی همراه بود، دکتر رضا پورحسین، رئیس همایش چهره‌های ماندگار، نیز طی سخنانی، تکريم علم و عالم را در فرهنگ‌ارایی در جواب دانست و تکريم چهره‌های علمی کشور و تقدیر از زحمات پژوهشی آنان را از اهداف این همایش خواند و تبدیل شدن این حرکت به یک فرهنگ را لازمه توجه متولیان فرهنگ و علم در این خصوص دانست. در پایان این مراسم، ۳۵ نفر از استادان اندیشمندان کشورمان به عنوان چهره‌های ماندگار، به شرح زیر

اگر کتابی نوشته در کافلدی از آسان] بر تو تو فرستیم و [مرد] آن را با دستهای خویش لمس کنده، آنها که [به حق] کفر می‌روزند و آن را انکار می‌کنند، باز خواهند گفت: «این تنها جادویی آشکار است.» قرآن کریم، سوره، بقره، آیه ۶۳] ۷ حق را از اهل باطل فرابگیرد و باطل را از اهل حق فرانگیزد. سخن سنج حضرت مسیح (ع) گزیده میزان الحکمه، حدیث ۶۵۸۱

دین

کتابهای دینی و معیار رشد کیفی

سیدعلی محمد رفیعی

در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ و نیمه نخست ۱۳۸۱، در مجموع ۱۹۱۳۷ عنوان کتاب دینی منتشر شده است که در مقایسه با مجموع ۶۷۸۹۹ عنوان کتاب چاپ شده در این مقطع، بیش از ۲۰ درصد مجموع کل کتابهای منتشر شده در کشور است. در سال ۱۳۷۹، رقم ۱۹۹۹۱ در سال ۱۳۸۰، رقم ۶۶۹۹۹ در نیمه اول سال ۱۳۸۱ رقم ۱۲۹۹۹ را برای شمار عناوین کتابهای حوزه دین داشته ایم که برای هر سال در مقایسه با سال قبل خود، رشد ۱۷ درصد و ۲۰ درصد نشان می‌دهد. در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، بیشترین کتابها در نظر موضوعی متعلق به حوزه دین بوده است. در سال ۱۳۸۰، رقم ۵۲۱۸ را نشان می‌دهد که نشانگر رشد ۳۶ درصدی چاپ کتابهای تألیفی دینی در این سالهاست. در مورد کتابهای ترجمه، برای سال ۱۳۷۹، رقم ۶۹۴ و در سال ۱۳۸۰، رقم ۹۲۵ و در سال ۱۳۸۱، رقم ۳۳ در درصدی در این زمینه است. در سال ۱۳۷۹، به میزان ۱۸ درصد؛ در سال ۱۳۸۰، به میزان ۲۲ درصد و در نیمه اول سال ۱۳۸۱، به میزان ۱۸ درصد مجموع عناوین منتشر شده متعلق به کتابهای دینی بوده است. در سال ۱۳۸۰، نسبت کتابهای چاپ اول به چاپ مجدد، ۹۴ و در سال ۱۳۸۰، به میزان ۵۵ و ۲۵ بوده و این نمایانگر افزایش فعالیتها تألیف و ترجمه در حوزه دین است. در همین دوران، مقایسه فعالیتها تألیفی ناشران تهرانی نسبت به شهرستانی از ۲۵۶۵ و ۱۸۵۵ و ۳۱۹۸ و ۳۱۲۵ رسیده است که تونگی چشمگیر فعالیت انتشارات دینی تهران و شهرستانها و رشد چشمگیر شهرستانها را نشان می‌دهد.

موسط صفحات کتابهای دینی [س] از کتابهای کلیات، یرش از دیگر حوزه‌ها و متوسط شمارگان این کتابها نیز بیشتر از متوسط شمارگان حوزه‌های دیگر (چون کودکان و نوجوانان) است. این امر چرایی از سمارتترین کتابهای دینی نیز نگاهداری و پراورگنی کتابهای کلیات، ترجمه و کوششگران بودن آنها و ویژگی کتابهای کودک و نوجوان، کم حجم و پر شمارگان بودن آنهاست. تعداد عناوین کتابهای چاپ اول حوزه دین نیز بیش از دیگر حوزه‌ها و اغلب با فاصله‌ای چشمگیر آ آنهاست. در ۲۵ ساله اخیر شاهد تأسیس و رشد مراکز پژوهشی دینی به ویژه در پژوهشهایی موضوعی بوده ایم. مولای پژوهی، زهرای پژوهی و مهدی پژوهی، فران پژوهی و شیعه شناسی برخی از موضوعهای کارز این مؤسسات اند که در کتابهای منتشر شده از سوی آنها نمایانگر می شوند. به مناسبت سالهای مزین به نام امیرالمؤمنین (ع) سال عزت و افتخار حسینی (ع) نیز شاهد چاپ آثاری با موضوع این امامان هستیم. گزارش و چاپهای جداگانه قرآن و کتابهای کوچک و بزرگ ادعیه و نقل سیراتی کتابهای محسوسی است. در کتابهای منتشر شده از سوی اینها نمایانگر می شوند. اما با وجود این رشد کمی و چشمگیر در شمارگان و عناوین کتابهای دینی، تغییر محسوس در گرایش دینی مردم پدید نیامده و با وجود گرایشهای قلبی بزر و جوان به مذهب و معنویت، رشد عقلی و علمی در این زمینه محسوس نیست. از منظر گزارش و نشر شایده بتوان پاسخی برای این مشکل یافت. در عقاید، مجموعه‌ای که بنیاد پاسنختری شیعه‌های عقیدتی به ویژه شیعه‌های روز دربرابر مبانی اعتقادی یاسند و راهی نوزاده کند، حقایق است. تاریخ تحلیلی اسلام به گونه‌های مختلف و زود زده از نکات ساختگی و جعلی کمتر به چشم می‌خورد. تاریخ تحلیلی زندگی‌های معصومان و خیرات سیاسی و اجتماعی آنان به ویژه امامان صادق، کاظم، جواد، هادی و عسکری (ع) را بسیار نادر می‌بینیم. عرفان و اخلاق اسلامی برای نوجوانان، جوانان و بزرگسالان زبان و نگامی نو و تألیفهای به روز می‌طلبد. گرایش و بازتولید ادعیه و تالیفها به زبان روز و به ویژه برای نسل جوان ضروری است. فلسفه احکام از موضوعهایی است که بسیار کمتر به آن پرداخته می‌شود و کمبود این زمینه و شیوه‌هایی نو را که باید در تألیف و تدوین آن پیشی گرفته شود، نمی‌توان انکار کرد. تاریخ تألیفی کتابهای برای اهل هنر و محراب و مذاهبان و توجه سیران می‌تواند آموزه‌های اصلی دینی را با دقت و به مردم برساند و خرافات و جعلیات و حکایات ساختگی را به گردندگان و سرافکنان مذهبی نشان دهد. و عین فعالیتها، رخدادهای عقاید و احکام دینی را به آنها نشاندهد. در هر حال و با هر دقت و گسترده‌گی که بتوان حوزه نشر آثار دینی را به ارزیابی کیفی نشست، این کیفیت را نباید از نظر دور داشت که میزان رشد فرهنگ و گرایش دینی و مذهبی مردم و مخاطبان کتابها مهمترین شاخص برای ارزیابی کیفی کتابهای دینی است.

کتاب کتاب تازه‌های خمینی پژوهی

۱۳۸ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، مؤسسه چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))، تهران، ۱۳۸۱، بهای ۶۰۰ تومان. **قومیت، ملت و اندیشه قرا ملی** امام خمینی (س) (از مجموعه تیان: آثار موسوعی-دفترسی و چهارم) استخراج و تنظیم معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) چاپ اول، قطع وزیری، ۱۴ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۸۱، بهای ۵۰۰ تومان.

Islamic Government: Governance of the Jurist (به زبان انگلیسی) از امام خمینی (ره) ترجمه خلداد گلزار Hamid Algar، چاپ اول، قطع وزیری، ۱۴۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۸۱ (۲۰۰۲)، بهای ۵۰۰۰ ریال.

Methali Adili: Misemo Ya Busara Na Nasaha (به زبان سواحلی) کلمات قصار: بندها و حکمتها

Methali Adili, Misemo Ya Busara Na Nasaha، چاپ اول، قطع وزیری، ۱۲۰ صفحه، ۱۲۵۰ نسخه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۸۱ (۲۰۰۲)، بهای ۷۰۰۰ ریال.

Kalmomin Hikima da Wa aza ni Imam Khumaini (r.a) (به زبان هوسایی) کلمات قصار: بندها و حکمتها Kalmomin Hikima da Wa aza ni Imam Khumaini (r.a)، چاپ اول، قطع وزیری، ۲۲۵ صفحه، ۱۲۵۰ نسخه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۸۱ (۲۰۰۲)، بهای ۱۰۰۰ ریال.

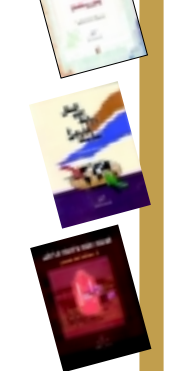
سیاست خارجی و روابط بین المللی بیان دلخیزی و روابط بین المللی از دیدگاه امام خمینی (س) (از مجموعه تیان: آثار موسوعی-دفترسی و هشتم) که تدوین علی دامادانی بزرگی برای معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) که چاپ اول، قطع وزیری، ۱۹۲ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۸۱، بهای ۱۰۰۰ تومان.

کامبایی برای شناخت خدا

عنوان «سلاسراره» دارد. فصل سوم با عنوان «هفت منزل خداه از خداوند حافظ، خداوند قادر متعال، خدای آرامش، خداوند ناجی، خداوند خالق، خداوند معجزات و خداوند هستی ناب می‌گوید. فصل چهارم، «دستنامه قدسیان» به پیداری معنوی و میدان ذهن می‌پردازد. در فصل پنجم با عنوان «قدرتهای شگفت‌انگیزی خدای برادر الهام و بصیرت، توابع، تله پاتی و ادراک فارسی، شخصیتهای پنهان، همزمانی، غیب بینی و پیشگویی ...» می‌خوانیم. فصل ششم با عنوان «ملاقات با خداوند» به نقشه جان (روح) حالت یگانگی، هویت، ایمان و قدرت تبت می‌پردازد. این کتاب می‌کوشد تا به زبانی ساده خواننده را از راههای متعدد از جمله خودشناسی، نقل حکایات و اندیشه در خداها به احساس خداوند در زندگی خود و هستی بیرون برساند و به او پیش و بصیرت عطا کند. از آنجا که نویسنده، هستی و معنقد به باورهای مذهبی خویش است رگه‌های این باورها را در کتاب حاضر می‌توان دید.

Yunkurin Ashura Na Imam Khumaini (r.a) **قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (ره)** (به زبان هوسایی) Yunkurin Ashura Na Imam Khumaini (r.a)، قطع وزیری، ۱۸۸ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۸۱ (۲۰۰۲)، بهای ۵۰۰۰ ریال.

نقض فلسفی امام خمینی (س) نهضت فلسفی امام خمینی، تدوین دکتر علی اکبر ضیایی، چاپ اول، قطع وزیری، ۱۹۶ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، مؤسسه چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))، تهران، ۱۳۸۱، بهای ۵۵۰۰ تومان.



فلسفه تربیتی نبضت امام خمینی (س) فلسفه تربیتی نهضت امام خمینی (س)، نوشته جمیله علم‌الهدای، چاپ اول، قطع رفعی، ۱۰۰۰ نسخه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۸۱، بهای ۱۰۰۰ تومان.

چگونه خدا را بشناسیم، نوشته دی پاک چوپرا، ترجمه زهره فوحی و دکتر فرخ سیفیه بهزاد، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۰، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۱، قطع رفعی، ۲۲۲ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه، نشر اوحدی، تهران، بهای ۲۶۰۰ تومان. در مورد الهی، جایی برای باور نیست یقین باید کرد هر چیزی کمتر از یقین شایسته خداوند نیست. این جملات به نقل از سیمون ویل (Simon Weil) در سر آغاز کتاب به چشم می‌خورد. نظر سنایش امیر برخی از چهره‌های نامدار درباره کتاب و نویسنده اش «کفر دی پاک چوپرا را می‌توان نوآفرین متفحص‌های کتاب میدان دکتر دی پاک چوپرا متخصص هفده داخلی وی یکی از بزرگان ملیتیش و مراقبه است و کتابهای او پر فروشندهترین کتابهای جهان‌اند. کتاب حاضر در پی ارائه روشهایی برای ایالت و شناخت خداوند است. فصل اول کتاب عنوان «خدای واقعی و سوده‌نده و فصل دوم



تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۸۱، بهای ۷۵۰۰ تومان.

امام خمینی و رسانه‌های گروهی امام خمینی و رسانه‌های گروهی (امپانی قهقی و حقوقی) نوشته جواد فخار طوسی، چاپ اول، قطع رفعی، ۳۷۸ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی (س) (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))، تهران، ۱۳۸۱، بهای ۸۰۰ تومان.

تلیغیات (هنر و رسانه‌ها)

تلیغیات (هنر و رسانه‌ها) از دیدگاه امام خمینی (س) (از مجموعه تیان: آثار موسوعی-دفترسی و سوم) تدوین علی اصغر صیباغ پور برای معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) که چاپ اول، قطع وزیری، ۲۲۵ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۸۱، بهای ۱۰۰۰ تومان.



آشنایی با مؤسسه فرهنگی صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها

گستره‌ای برای زهراپژوهان

در راستای ترویج و تحقق فرهنگ علوی و فاطمی و معرفی شخصیت شامخ و بینظیر حضرت فاطمه زهرا(ع) مؤسسه فرهنگی صدیقه کبری فاطمه زهرا(ع) در سال ۱۳۸۰ تأسیس شده است. اهداف این مرکز عبارت‌اند از: ۱) نشر و ترویج کلام و تفکر ناب محمدی و فرهنگ امیل علوی و فاطمی، ۲) ارتقای سطح فکری و دانش عموم و به‌ویژه جوانان با تأکید بر محوریت معارف حضرت فاطمه زهرا(ع)، ۳) تهیه منابع و آثار فرهنگی، هنری، تخصصی، حضرت فاطمه زهرا(ع)، ۴) مطالعه، تحقیق و ترویج معارف و سیره حضرت فاطمه زهرا(ع) در ابعاد مختلف به منظور تبلیغ و پاسنگویی به پرشها و نیازهای جامعه به‌ویژه نسل جوان، ۵) ایجاد فضای مناسب برای محققان، اندیشمندان، نویسندگان و کلیه علاقه‌مندان به مطالعه تخصصی و پژوهشی پیرامون شخصیت حضرت فاطمه زهرا(ع)، فعالیت‌های مؤسسه فرهنگی صدیقه کبری فاطمه زهرا - سلام الله علیها، عبارت‌اند از:

- ۱) ایجاد پایگاه اطلاع‌رسانی به منظور ترویج فرهنگ و معارف علوی و فاطمی.
- ۲) ایجاد زمینه مناسب برای پژوهش، تحقیق و ارتقای سطح آموزشی علمی، فرهنگی، اجتماعی، فعالیت‌های فرهنگی از جمله برگزاری مراسم مذهبی، انتشار کتب و نشریات و آثار صوتی، تصویری در حوزه معارف اهل بیت عصمت و طهارت به‌ویژه حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام.
- ۳) برگزاری کنگره، کنفرانس، همایش و هم‌اندیشی داخلی و خارجی پیرامون شخصیت حضرت فاطمه زهرا(ع).
- ۴) برگزاری کنگره، کنفرانس، همایش و هم‌اندیشی داخلی و خارجی پیرامون شخصیت حضرت فاطمه زهرا(ع).
- ۵) تأسیس مراکز عام‌المنفعه نظیر صندوق قرض‌الحسنه، مراکز آموزشی، بهداشتی، درمانی و...

آشنایی با مؤسسه فرهنگی صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها



آشنایی با مؤسسه فرهنگی صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها

کتاب کتاب

غزالی و دگراندیشی اسماعیلیان

درآمدی بر شناخت غزالی و اسماعیلیان (مجموعه مقالات) ج ۱ و ۲، از مجموعه حکمت و سیاست در ایران نخستین سده‌های اسلامی (۱) به کوشش محمد کریمی زنجانی اصل، چاپ اول، قطع رقمی، ۱۷۶ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، انتشارات کویر، تهران، بهار ۱۳۸۱، بهار ۱۳۸۰، ۴۶۰ تومان

دو جریان سرکوبی معرفی در ایران، دگراندیشی همواره در کانون جدال‌ات و ستیزه‌جویی‌های چندوجهی نهاد قدرت و هم‌اندیشان و چالشگرانش قرار داشته است. در عین حال روند تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی با معرفی دوران اسلامی و سیر عمومی حوادث و رخدادها، منتهی‌النگاشته در دگراندیشیان را با چنان شوخ، گونه‌گونی و تناقضهایی آراسته است که اکنون بدون نقد و تحلیل تاریخی بدون برخورداری از نگاه آسیب‌شناسانه، نمی‌توان با آنها رویار شد و درباره آنها به داور بی‌پارحانه، به‌ویژه که در این منتهای به مرور زمان دگراندیشی و وام‌بازدهای مربوط به آن - چون «زندقی»، «بابی» و «دهری» و... معانی بیش از پیش سیاسی به خود گرفته‌اند و سازوکاری حذف‌کننده یافته‌اند، ساز و کاری که بازتاب و بسامندش را بیش از همه در آثار نگاشته در حیران‌کننده‌های دوسویه‌ای می‌توان دید که در یک سوی آن امام محمد غزالی به عنوان برجسته‌ترین هم‌اندیش دستگاه خلافت عباسی قرار دارد و در سوی دیگرش اسماعیلیان به عنوان مهم‌ترین چالشگر و

شمايشنامه‌ای از نویسنده شهید فلسطینی

نمایشنامه «در» نوشته غسان کفانی، ترجمه فاروق نجم‌الدین، چاپ اول، قطع رقمی، ۱۱۲ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، انتشارات پیام و هنر تهران، ۱۳۸۱، بهار ۱۳۸۰، ۸۰۰۰ ریال

غسان کفانی نویسنده بنام فلسطینی در سال ۱۹۳۶ در شهر «نکا» زاده شد اما تحصیلات متوسطه و دانشگاهی خود را به دور از زادگاهش در دمشق در زادش به پایان برد و به زودی در کنار فعالیت‌های سیاسی خود به نگارش آثار ادبی در زمینه رمان، داستان کوتاه و نمایشنامه روی آورد. تاکنون بسیاری از آثار کفانی به خاطر ارزش ادبی به زبانهای مختلف ترجمه شده است. نمایشنامه «در» به خاطر داشتن دیدگاهی کاملاً متفاوت از اسطوره بهیشت‌شده و ارائه آن در وجهی نمادین و چندلایه، از شهرت بسزایی در میان آثار این نویسنده برخوردار است. غسان کفانی سرانجام در سال ۱۹۷۲ و در اوج شکوفایی هنری در راه آرمان مهین خویش به دست مأموران امنیتی اسرائیل در لبنان به شهادت رسید.



آزاده نبیسی

A Concise Encyclopedia of Islam

دانشنامه مختصر اسلامی

نوشته گوردون د نیوی Gordon D. Newby، ۲۴۴ صفحه، ناشر One World Publications، بهار ۱۳۸۰، ۱۶۸۵ دلار

این کتاب که به تازگی در پی آشنایی با تعالیم اسلامی هستند و به دنبال اطلاعات اساسی درباره رسوم اعتقادی این دین اند، می‌توانند با مراجعه به این کتاب به‌عنوان یک منبع سودمند و برتر بهره‌جویند. مؤلف، حقایق بنیادین را درباره مفاهیم مهم اسلامی، مردم، مکانها و جنبشهای اسلامی ارائه کرده است. مطالب کتاب با وجود اختصار داده شده است (از اطلاعات کاملی برخوردار است). ضمایم آن نیز شامل شرح تاریخی وقایع، فهرستی حاوی نام ۹۹ تن از علما و فضولایی دینی و نیز کتابشناسی منابع اسلامی است.

Catholicism, Protestantism, and Capitalism

سرمایه داری و مذاهب پروتستان و کاتولیک

نوشته آمیتور فانفانی Amintore Fanfani، ۱۷۲ صفحه، ناشر JHS Press، بهار ۱۳۸۰، ۲۰۰۲ دلار

این کتاب اثری است آموزشی، حاوی مطالب فلسفی، تاریخی و مذهبی که در عین حال به روابط و تعالیم کاتولیکها و پروتستانها می‌پردازد. همچنین مسائل تاریخی و ایدئولوژیک کاپیتالیسم (سرمایه‌داری) رشد یافته را نیز مدنظر قرار داده است که با تعریف کاپیتالیسم آغاز می‌شود. مؤلف، چگونگی سازگاری و توافق تعریف مزبور با آموزش مذاهب کاتولیک و پروتستان را تحت بررسی قرار می‌دهد و سپس به نوسعه تاریخی نظریه سرمایه‌داری و رشد آن در تعالیم کاتولیکی و پروتستانی و اثرانش در زندگی اقتصادی می‌پردازد.

منتشر شد

خبرنامه دین پژوهان

سال دوم، شماره ۹، مرداد- شهریور ۱۳۸۱

و همواره رویکردهای دین پژوهی؛ شیوه گفت‌وگو در اسلام؛ چگونگی مقالات؛ اصول و مبانی شبه‌شناسی در گفتارهای علمی مذهبی؛ شریعت علیه تروریسم؛ در سطره ماتریکی؛ در جست‌وجوی مصعب امام، کالبد شکافی صهیونیسم؛ ریشه‌های تغییر طراسی ایران از طریق الهیات اسلامی؛ حقوق بشر دینی برست یهودی؛ مسیحیت؛ جنگ با صلح؛ در آمدی روش شناختی بر مسئله نسبت علم و دین؛ نقش تاریخی مذهب در روند دموکراتیزه شدن جامعه و سیاست؛ مفهوم و نقش مداری دین در جوامع غربی؛ برهان اخلاقی کانت پر وجود خدا؛ ذاتی و عرضی دین؛ کیشناسی دین پژوهی؛ شرقتناسی و دین اسلام؛ تجدید، بهترین اختلاف نظرهای شیعه و اهل سنت در مهدویت؛ اخبار دین پژوهی؛ فراخوان دین پژوهی روی خط اینترنت.

تهیه و تدوین: دیرخانه دین پژوهان کشور



آزاده نبیسی

A Concise Encyclopedia of Islam

دانشنامه مختصر اسلامی

نوشته گوردون د نیوی Gordon D. Newby، ۲۴۴ صفحه، ناشر One World Publications، بهار ۱۳۸۰، ۱۶۸۵ دلار

این کتاب که به تازگی در پی آشنایی با تعالیم اسلامی هستند و به دنبال اطلاعات اساسی درباره رسوم اعتقادی این دین اند، می‌توانند با مراجعه به این کتاب به‌عنوان یک منبع سودمند و برتر بهره‌جویند. مؤلف، حقایق بنیادین را درباره مفاهیم مهم اسلامی، مردم، مکانها و جنبشهای اسلامی ارائه کرده است. مطالب کتاب با وجود اختصار داده شده است (از اطلاعات کاملی برخوردار است). ضمایم آن نیز شامل شرح تاریخی وقایع، فهرستی حاوی نام ۹۹ تن از علما و فضولایی دینی و نیز کتابشناسی منابع اسلامی است.

Catholicism, Protestantism, and Capitalism

سرمایه داری و مذاهب پروتستان و کاتولیک

نوشته آمیتور فانفانی Amintore Fanfani، ۱۷۲ صفحه، ناشر JHS Press، بهار ۱۳۸۰، ۲۰۰۲ دلار

این کتاب اثری است آموزشی، حاوی مطالب فلسفی، تاریخی و مذهبی که در عین حال به روابط و تعالیم کاتولیکها و پروتستانها می‌پردازد. همچنین مسائل تاریخی و ایدئولوژیک کاپیتالیسم (سرمایه‌داری) رشد یافته را نیز مدنظر قرار داده است که با تعریف کاپیتالیسم آغاز می‌شود. مؤلف، چگونگی سازگاری و توافق تعریف مزبور با آموزش مذاهب کاتولیک و پروتستان را تحت بررسی قرار می‌دهد و سپس به نوسعه تاریخی نظریه سرمایه‌داری و رشد آن در تعالیم کاتولیکی و پروتستانی و اثرانش در زندگی اقتصادی می‌پردازد.

منتشر شد

خبرنامه دین پژوهان

سال دوم، شماره ۹، مرداد- شهریور ۱۳۸۱

و همواره رویکردهای دین پژوهی؛ شیوه گفت‌وگو در اسلام؛ چگونگی مقالات؛ اصول و مبانی شبه‌شناسی در گفتارهای علمی مذهبی؛ شریعت علیه تروریسم؛ در سطره ماتریکی؛ در جست‌وجوی مصعب امام، کالبد شکافی صهیونیسم؛ ریشه‌های تغییر طراسی ایران از طریق الهیات اسلامی؛ حقوق بشر دینی برست یهودی؛ مسیحیت؛ جنگ با صلح؛ در آمدی روش شناختی بر مسئله نسبت علم و دین؛ نقش تاریخی مذهب در روند دموکراتیزه شدن جامعه و سیاست؛ مفهوم و نقش مداری دین در جوامع غربی؛ برهان اخلاقی کانت پر وجود خدا؛ ذاتی و عرضی دین؛ کیشناسی دین پژوهی؛ شرقتناسی و دین اسلام؛ تجدید، بهترین اختلاف نظرهای شیعه و اهل سنت در مهدویت؛ اخبار دین پژوهی؛ فراخوان دین پژوهی روی خط اینترنت.

تهیه و تدوین: دیرخانه دین پژوهان کشور

حسین منزوی متولد مهر ۱۳۲۵ زنجان و به تمیز خودش «هزاره پاییز» است. پدرش شاعر و معلم بود و اولین دیدار حسین با شعر در دفتر جلد چرمی پدر بود که با جوهر بنفش و سبز می‌نوشت و همین جذابیت رنگ‌ها، وی را به دانش‌تاش وسوسه می‌کرد.

حسین منزوی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تحصیل کرد و بعدها با تغییر رشته به علوم اجتماعی علاقه‌مند شد. اما سرانجام حوصله خواندن آثار و اقتصاد را پیدا نکرد و لاجرم ادامه تحصیل را رها کرد. چندی در انتشارات فرانکلین به عنوان ویراستار مشغول بود و مدتی هم تدریس کرد. شش سالی هم در رادیو -تلویزیون برنامه «یک شعر و یک شاعر» و برنامه «کتاب امروز» و «پایه ادبیه» را می‌ساخت و اجرا می‌کرد. «از کتیرا یا کاتوره» «حجره زخمی نغزل» «یک کفص پیش نیست» «با عشق در حوالی قانجه» و «از شوکران و شکر» عناوین بخشی از آثار اوست.

حسین منزوی و مرور شعر

شهرستانی با سن و سال آن روز من مطالعه اشعار شهریار یا رهی معیری بود، من خوشبختانه دوست شاعری داشتم، که خیلی مبدون ایشان هستم، چون اولین دریچه‌های شعر امروز را و روی من باز کرد و توسط او با اخوان و ماملو و نیما آشنا شده و وارد قلمرو شعر نو شدم.

آیا در آن زمان **مجموعه شعری منتشر کرده بودید؟**
هنوز نه، این آشنایی مقارن با سال‌های ۳۳ بود، در حالی که اولین مجموعه شعر من در سال ۵۰ منتشر شد. هنوز به تهران نیامده بودم، زمانی که به تهران آمدم از دیدگاه خود سه شاعر در صنف اول شعر امروز ایستاده بودند، شاملو، اخوان و فرخ، آن موقع آرزوی دیدار این سه نفر در من خیلی قوی بود، آرزوی دیدارشان شور و حالی در من برمی‌انگیخت و یکی از چیزهایی که خیلی دنبالش بودم، این بود که اینها را از نزدیک ببینم.

سرانجام این سه شاعر را دیدید؟
صحبتهای آن است که هر سه شاعر را در یک شرایط غیر متعارف دیدم. در یک شرایط طبعی و عادی توانستم با آنها روبرو و در شوم، اخوان را در زمان که جمعه یک خاتمه اش مهمان بودیم پیشنهاد کرد که «می‌خواهی اخوان را ببینی؟» من که از خدا خوشامترم فوراً پاسخ «باید قطعاً» گفتم یک کار بن کتابت پرولتار و راهی ملاقات شدم، اولین بار اخوان را با آن چهار دوست داشتی و عظیم و مصدوم پشت میله‌ها دیدم، یادم می‌آید هر صحبتی که رد و بدل می‌شده، اخوان سربه آسمان می‌کرد و شکر می‌گفت، شاملو راهم برای اولین بار بر سر خاک فرخ دیدم، آن روزی که می‌خواستند فرخ را به خاک بسپارند، در همین روز هم اولین و آخرین دیدار ما فرخ بود، فرخ را کفن پوش دیدم، این را هم بگویم، که این شگفتی فرخ را در آن روز شاهد بودم، این را در چند جا نوشته‌ام گفتم وقتی نظای می‌گویی، «پیش و پس» بیست صفح گریاس شعر آمد و پیش از آنجا، این برهم راهم می‌گفت، که چیزی برایشان نازل می‌شود، عدلی معتقدم که بر پهلوان وحی نازل می‌شود و بر شاعران الهام، از پیشگویی فرخ بر مرگ خودش که در شعری سروده، می‌گفتند.

وقتی شاعر ساعت مرگ خودش را پیشانی اش اعلام می‌کند و وضعیت روز خاکسپاری اش را در شعرش می‌آورد، فرخ می‌گوید: «شاید حقیقت، آن دوست جوان بدو آن دوست جوان که زیر بارش

آقای منزوی آیا زندگی شما از راه آثارتان تأمین می‌شود؟

فیر از سه سال دیگر هیچ وقت کار دولتی نداشتم و از طریق حق التألیف کتاب‌هایم زندگی ام را سپری می‌کنم، البته با توجه با اجتماعی که برخی ناشران در حق اهل قلم می‌کنند و هیچ وقت حق و حقوق اهل قلم را تمام و گمناک پرداخت نمی‌کنند، باید بانه‌های متولی کشور نهمیدی ببینید، که حق مؤلف ضایع شده، ما به عنوان مؤلف اگر کتابی را با شمارگان پنج هزار نسخه قرار داد ببندید و ناشر آدم متصفی بیادند و مثلا در شمارگان بیست هزار آن کم چاپ کنند، شما هرگز نمی‌توانید این را ثابت کنید. من چند سال پیش قراردادی با ناشری بستم و کتابت من را چاپ کرد، در عمل توجه شدم حدود چهار هزار نسخه از آن را کاتفر و ناشر محلوده و دانشگاه فروخته‌اند، و هزار و هادی در زنجان فروخته شده‌است، پس شمارگان کتاب می‌بیست تالم شده، بیست و پنج از اختلاف آن ناشر با شرکت خود، هنگام تقسیم کتاب‌هایم خود، حدود سه هزار نسخه دیگر در بازار مانده بود، در اینجا معلوم شد که ناشر به هزار نسخه اضافی چاپ کرده است، این کار هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی به اهل قلم فاسد می‌زند، البته کتابی هم ترانه‌ای ساخته و نوارهای منتشر کرده‌ام و در این آب پارک رنگ زندگی ام را تأمین می‌کنم و حلال کم باز یاد می‌کنم.

شعر و ترانه‌های شما چگونه بود؟ یعنی ابتدا آهنگی ساخته می‌شد، بعد شعر آن را می‌سرودید یا اینکه برعکس عمل می‌شد؟
کار ساخت ترانه، همان گونه که گفتید، دو نوع است، کار شعر صمیم، بعد آهنگساز، ملودی اش را می‌سازد، کاری هم برعکس است ملودی وجود دارد و شاعر با آن ملودی ترانه‌ای می‌گوید، اما بیشتر ترانه‌های من از نوع اول بوده یعنی ابتدا شعر بوده و رویش آهنگ گذاشتند، مثلا نوار سبب نقره‌ای ابتدا شعر بود آهنگ‌ها را برایش ساختند.

سال گذشته هم نوری که با صدای علی‌رضا افشاری منتشر شد، هفت آهنگ بود که من روی این آهنگ‌ها شعر گذاشتم، به هر حال آن چه که خواننده نصیبش می‌شود حتی آهنگساز، در مقابل سهنی که به شاعر تعلق می‌گردد بسیار ناچیز است. در حالی که نباید این طرز باشد، به نظر من حداقل این است که باید شاعر و آهنگساز و خواننده سهیم مساوی از این همکاری بریند، هفت ترانه و تصنیف با شعر ترانه‌ای که در فرهنگ ما خوانده سهیم است، اما متأسفانه الان کمترین حق و حقوق مادی سنمایی را با هنرپیشه‌اش می‌شناسند که با کارگردان، ترانه را با خواننده می‌شناسند، نه شاعر یا آهنگساز در حالی که هنرپیشه و خواننده نقش دوم و سوم را دارند، ولی نزد مخاطبان درجه اول اهمیت را می‌یابند. شما سرورند شعر را در چه سالی شروع کردید، آیا ابتدا در قالب کلاسیک شعر می‌گفتید یا تو.

طبعی است که من سرورند را با شعر کلاسیک شروع کردم، چون چهارده - پانزده سالگی من مصادف با سال ۱۳۴۰ است، آن موقع در شهرستان‌ها هنوز نه شعر نیمه‌ان، نه شعر بیروان نیمه، شاملو و اخوان و دیگران راه پیدا نکرده بود، نهایت جهش ذهنی شاعر

حسین منزوی متولد مهر ۱۳۲۵ زنجان و به تمیز خودش «هزاره پاییز» است. پدرش شاعر و معلم بود و اولین دیدار حسین با شعر در دفتر جلد چرمی پدر بود که با جوهر بنفش و سبز می‌نوشت و همین جذابیت رنگ‌ها، وی را به دانش‌تاش وسوسه می‌کرد. حسین منزوی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تحصیل کرد و بعدها با تغییر رشته به علوم اجتماعی علاقه‌مند شد. اما سرانجام حوصله خواندن آثار و اقتصاد را پیدا نکرد و لاجرم ادامه تحصیل را رها کرد. چندی در انتشارات فرانکلین به عنوان ویراستار مشغول بود و مدتی هم تدریس کرد. شش سالی هم در رادیو -تلویزیون برنامه «یک شعر و یک شاعر» و برنامه «کتاب امروز» و «پایه ادبیه» را می‌ساخت و اجرا می‌کرد. «از کتیرا یا کاتوره» «حجره زخمی نغزل» «یک کفص پیش نیست» «با عشق در حوالی قانجه» و «از شوکران و شکر» عناوین بخشی از آثار اوست.



من با دیگران کاری ندارم، ولی در شعر من اینگونه نبود، شاید زبان استعاره را در شعر من مخاطبان درنیاختند یا متوجه نشدند و به سراغش نرفتند، من با پیشش خودم از اتفاقات و رویدادهای دور و بر طری این سال‌ها غافل نبودم، آن چیزهایی که برای من عجیب بود و دوست داشتم، در موردشان صحبت کنم، در شعر منبشار است.

آقای منزوی در دهه‌های چهل و پنجاه، محافل روشنفکری و باوق‌های روشنفکری مثل کافه فرورد و کافه نادری محل جمع شاعران و نویسندگان بود، آیا شما هم به آنجا رفت و آمد داشتید؟ حضور در این محافل چه تأثیری در آثار اهل قلم داشت؟

من خیلی به این محافل مثل کافه فیروز و کافه نادری رفت و آمد نداشتم، چنین جاهایی را به عنوان یک باوق قبول داشتم، نه به عنوان یک مکتبی که آثار کسی تأثیر گذارند، تأثیر غیر مستقیم ممکن بود داشته باشد، چون احتمال داشت که در آن جا با نویسنده و شاعری، آشنایی و رفتایی می‌شده‌به هم زد، سال‌های اول با شوق و ذوق می‌رفتم ولی کم کم رده شدم، چون این محافل اگر چیزی از آدم نگردد، چیزی هم به آدم نمی‌دهد.

اعتقاد بر این است که شاعری وقتی به ضرورت شعر نو رسیده، دیگر در قالب کلاسیک شعر نمی‌گوید، شما چگونه هم در قالب کلاسیک و هم در قالب نو شعر می‌گویید؟

من این مرز بندی‌ها را ندارم و معتقدم که جنگ قالب، جنگ شکل‌های شعری، جنگ بیهوده‌ای است که فقط نیرو و انرژی شاعران را هدر می‌دهد و حاصلش هم برای هیچ کس ندارد، وقتی نیما پیشنهادهای خودش را مطرح کرد هرگز گفتگفت فقط این، این قالب را به عنوان شعر نو در کنار دیگر قالب‌ها پیشنهاد داد، منتها به دلیل آزادی بیشتر و سازگاری با معضلات روزگار ما، مقامیهم و مسائلی که در عصر جدید پیدا شده بود، شاعر در این قالب آزادی بیشتری احساس می‌کرد، اگر با شعر من آشنا باشید می‌دانید که من همان آزادی که در قالب‌های نیمایی وقتی کار می‌کنم دارم، با همان آزادی در قول هم کار می‌کنم، این شاید لطف و حمایتی است که از جانب خوانند شامل من می‌شود، البته تصور من این است، اگر در این حیطه توانی هم باشد باز از اوست، من هنوز هم معتقدم که اگر حرف عاشقانه در قول بزنیم زیباتر است.

خیلی‌ها معتقدند که اولین مصرع شعری، هدیه خدایان است، آیا شما هم چنین اعتقادی دارید؟ یعنی شعر به شما الهام می‌شود، یا تصمیم می‌گیرید که؟
نه، من نمی‌شناسم که کاراوده شعر بگویم، به طور معتقد هم نمی‌توانم روی این موضوع انگشت بگذارم که اولین بیت شعری هدیه خدایان است، ولی همیشه شعر به سراغ شعر می‌آید، اگر رابطه درست را بنخواهیم به این شکل است که شعر به سراغ خیال می‌آید، اگر در آن لحظه که مال می‌زند و جایی برای نشستن می‌خواهد به او جایی نشستن بدهید، فرد می‌آید و کرگه می‌برد، یک فرصت از کفک می‌رود.

شما در میان غزلیان امروز، آثار کدام شاعر را بیشتر می‌پسندید؟

اگر بخواهیم جامع به این سؤال پاسخ بدهیم،

یک ریزبرف مدفون شد، این صحنه را دقیقاً آن روز شاهد بودیم که برف مدام جهره و کفشش را می‌پوشاند و مدام برف را کنار می‌زدند تا نماز بر جنازه‌اش خوانده شود و سرانجام به خاکش سپردند، این شاعر روشن تر از این نمی‌توانست سال‌ها قبل از مرگ جنازه‌اش را زیر بارش بگریز بفریب بیند.

البته شاعران دیگری داشتم که مرگ خودشان را پیشگویی کرده بودند، چه از شاعران ایرانی و چه از شاعران خارجی، مثلا سوزار وایه خود هم روز مرگ خودش را و شهری را که در آن می‌مرد در شعری آورده است. بلب، لورکا هم در مورد مرگش شعر سروده و اشاره‌هایی دارد، این جزو تیر هوشی است که از توانایی‌های ذهن شاعران سرچشمه می‌گردد، در اولین کتاب، **آیا تنها شعرهای کلاسیکان چاپ شده** - پا.

هر دو نوع شعر را در کتاب اول خودم آوردم، آن موقع حدود بیست و پنج سال داشتم ولی شعرها متعلق به سنین ۱۸،۱۹ سالگی ام می‌شد، آن کتاب در دو دفتر تنظیم شده بود، دفتر غزل‌ها و دفتر نیمایی، بیست و دو غزل و حدود هجده شعر نیمایی و یک شعری و دو تا قطعه شعر، من در هر دو دفتر شعرهایی داشتم، در آن سال‌ها، شاعران و نویسندگان اهلی به سراسر نویس می‌گرش بشعری داشتند و شعر سیاسی خوانندگانش بیشتری داشت، شما در آن سال‌ها سیاسیات شعر چگونه کنار می‌آمدید؟

کتاب شعر «حجره زخمی نغزل» خصوصیستی دارد که از یک دیدگاه عیش نغلی می‌شود و از دیدگاه دیگر حسرتش، تقریباً این کتاب هیچ تأثیری از هیچ شعر و شاعری نگرفته، علش هم این است که تا آن موقع هیچ شعری نمی‌خواندم، شاید صدافه‌ه دارم به ضعف خودم اشاره می‌کنم، ولی این عین واقعیت است، حتی شعرهای حافظ را هم نخوانده بودم، پس از چند سال که از انتشار این کتاب می‌گذشت، تازه متوجه شدم که چند غزل در این کتاب در استقبال از غزل حافظ است، من در مجموعه شعر کتاب اول چه از نظر عقیدتی و چه از نظر قالب و شکل تحت تأثیر شعر کسی یا کسان دیگر نبودم، خودم بودم با نقد نقض‌ها و ناپختگی‌های نوجوانی که داشتم، خوب شعر سیاسی هم می‌شد، آیا اینکه حال و هوای مملکت و فضای ادبیات آن سال‌ها بر بخورد شاعر با مسائل سیاسی را ایجاب می‌کرد، یکی از پرشورترین و مشهورترین قصه‌هایی که عاشق‌های آذربایجان می‌خوانند، قصه کورافلی است، یک قصه حماسی و بسیار هم زیباست، شعر بلند می‌داشتم برگرفته از قصه کورافلی، که حرف‌های خودم را زده بودم، درباره اوضاع اجتماعی و سیاسی تاریخ و آن سال‌ها و به اشاره یادی کرده بودم از شخصیت‌هایی مثل سمد پورنگی، آل احمد، جهان پهلوان تختی و… که هر کدام سمبل یک طرز تفکر و نماد جنبه‌ای بودند که رو در روی قدرت ایستاده بودند و این شعر مورد اقبال شد، شاعری که یک خواننده در آن سال‌ها به کتاب ترانه خوانده، برای انتشار در کتاب به مشکل برخورد، از زمزمه دلتنگی، از همه‌به یزایرمی و…

چرا این تب شعر سیاسی پس از انقلاب در میان نسل تازه شاعران فروکش کرد؟
تازه شاعران فروکش کرد؟

زندگی و سوز

سار محمدی

^[1] حسین منزوی متولد مهر ۱۳۲۵ زنجان و به تمیز خودش «هزاره پاییز» است

^[2] پدرش شاعر و معلم بود و اولین دیدار حسین با شعر در دفتر جلد چرمی پدر بود که با جوهر بنفش و سبز می‌نوشت و همین جذابیت رنگ‌ها، وی را به دانش‌تاش وسوسه می‌کرد

^[3] حسین منزوی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تحصیل کرد و بعدها با تغییر رشته به علوم اجتماعی علاقه‌مند شد

^[4] اما سرانجام حوصله خواندن آثار و اقتصاد را پیدا نکرد و لاجرم ادامه تحصیل را رها کرد

^[5] چندی در انتشارات فرانکلین به عنوان ویراستار مشغول بود و مدتی هم تدریس کرد

^[6] شش سالی هم در رادیو -تلویزیون برنامه «یک شعر و یک شاعر» و برنامه «کتاب امروز» و «پایه ادبیه» را می‌ساخت و اجرا می‌کرد

^[7] «از کتیرا یا کاتوره» «حجره زخمی نغزل» «یک کفص پیش نیست» «با عشق در حوالی قانجه» و «از شوکران و شکر» عناوین بخشی از آثار اوست

نقل قولی از نادرپور می‌آورد، او معتقد بود در غزل، امروز چهار شاعر دارای سبک مشخص هستند و اگر امضا هم پای شعرشان نباشد می‌شود فهمید این غزل متعلق به کدام شاعر است. از نسل اول شهریار، از نسل دوم سیمین بهبهانی، از نسل سوم منوچهر شبلیانی و از نسل چهارم، اسم مرآ می‌برد. من تا حدودی این نظر را قبول دارم. در مورد خودم باید دیگران نظر بدهند.

با وجود اختلاف‌هایی که من در بسیاری زمینه‌ها با بنام بهبهانی دارم، ولی این باعث نمی‌شود جایگاه ایشان را در غزل معاصر انکار کنم. منوچهر شبلیانی متأسفلهٔ حشّی را نه تنها در شعر معاصر، بلکه در زندگی هم نگرفت. نوع زندگی و از او اطمینان اش در روزگار این سو در گمنامی نگه داشت ولی جایگاهش در غزل جدید معاصر محفوظ است.

غزل شهریار هم پاساژی بین غزل دیروز و غزل امروز است، یعنی در عین ماندگی این امتیاز را هم دارد که به شعر کلاسیک بپلوی می‌زند.

اگر اطلاع داشته باشید منوچهر آشتی هم اسال یک کتاب شعر غزل کرده است
من ندانم. آشتی قبلاً غزل می نوشت و غزل های خوبی هم می نوشت. من اولین شعرم در مجله روشنفکر چاپ شد. در صفحه خواندگان او خوشحال مجله را خریدم و پریم به پریم نشان دادم. روشنفکر یک صفحه شعر داشت که زنده یاد فریدون مشیری مسؤول آن صفحه بود. غزلی از آشتی در همان شماره چاپ شده بود. پدربزرگهای به شعر من کرد و شعر آشتی را خواند و گفت: هر موقع شعرت در این صفحه چاپ شد، قبول است. بعد از آن آن چاپند سال هدف من این بود. به هر حال پدر الگویی من بود و حرفش برام حجت. که برسیم به



● معتقدم که جنگ قالب، جنگ شکل‌های شعری، جنگ بیبوه‌ای است که فقط نیرو و انرژی شاعران را هدر می‌دهد

جایی که شعر در آن صفحه چاپ بشود. شعر آشتی این بود.دلم نمی‌تد از شوق آشنایه زدن/فریبم وار خوش‌قلب هر گزانه زدن، به رکعاز شبلیت کز دکان امان پاینده را به سر کاج کچره لانه زدن، به بجزار توپریکی گلگزر نشد از مرگ نیکسنته باد که بالش بدین نشانده زدن ...

از نادرپور هم غزل‌های خوبی خوانده بودم. سابه هم یکی از بهترین غزلسرایان ماست ولی سبک ویژه خودش را ندارد.

آقای مزوری گویا شما نقد و بررسی‌هایی نیز در غزل داشتید که قرار بود در هیات یک کتاب منتشر بشود. اشعار کدام شاعران را نقد کرده‌اید؟

من پراکنده نقد و بررسی‌هایی روی شعر امروز نوشته‌ام، که حدودهٔ مقاله در مجله رودکی داشتم و با عنوان «دیوار در متن یک شعر در هر شماره» یک شعر مشهور از شاعری مشهور را تفسیر و تجزیه و تحلیل می‌کردم. برای خوانندگان جوان این نقد و بررسی‌ها خیلی از فایده نبود. بعداً این مجموعه را به همراه سروش ادامه دادم. بعداً این مجموعه را به همراه شعر جامع کردم و با ناشری قرارداد بستم. متأسفانه از آن ناشر سال‌هاست که خبری نیست. گویا مشکل مالی پیدا کرد ...

به هر حال کتاب‌های مرآ آن ناشر زندانی کرد. پنج- شش عنوان کتاب را با این ناشر قرارداد بستم که همچنان پلاکتیلف مانده است. این هم یکی دیگر از مشکلات اهل قلم است که هیچ نهادی نیست تا رسیدگی کند که آیا ناشری حق دارد قراردادی با اهل قلم ببندد و ۱۵ سال کتاب را نگه دارد؟

نوشته: پارتیشیا جی بل

ترجمه: احترام ماهودی

مثل خیلی از نویسندگان بعد از نوشتن کتاب به دنبال پیدا کردن یک ناشر بودم. بعد از گذشت حدود ۲ سال از جست‌وجوی بی‌نتیجه، تصمیم گرفتم که خودکاتبم را به چاپ برسانم و جلا فکرم می‌کنم که این شیوه چاپ را ترجیح می‌دهم. از آن سال‌ها به بعد اطلاعات زیادی در مورد نحوه کار صنعت چاپ کتاب کسب کردم که بااستفادهٔ بعضی از این مطالب می‌تواند برای یک نویسنده مشتاق و علاقه‌مند بسیار خوب و سودمند باشد. در مجموعه‌ای از مقالات با ایجادتخلف چاپ تا جایی که به نویسنده مربوط نشده، صحبت خواهم کرد.

ابتدا در مورد اصطلاحات فنی باید بگویم که من بیشتر به دنبال استفاده از شیوه‌های ناشران، مراکز چاپ و جراید قدیمی هستم. خواننده باید آگاه باشد که نام ناشران بعضی از نام بسیاری از چاپخانه‌هاست، اما نباید از چاپخانه به عنوان یک ناشر تلقی کنیم.

سه موضوع زیر در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

• توسعه صنعت چاپ
• نه فقط در نیویورک
• تأمین هزینه‌ها.

توسعه صنعت چاپ

روی کار آمنت کامپیوتر Macintosh که دسترسی به کتاب‌های گرافیکی را سهل‌الوصول کرده، میوه‌ای زاید به همراه داشته است. این کامپیوتر توانایی چاپ رومیزی را دارد. متون مختلف به کمک دوربین تکاملی وارد صفحه کامپیوتر شده و قابلیت چاپ آن به کمک پرینتر سریع می‌شود. ظهور چنین کامپیوتری موجب افزایش تعداد ناشران شد. مجله تجاری Publisher's weekly گزارش کرده است که به طور تقریبی هر سال حدود ۵۰۰۰ ناشر روی کار می‌آید. (در حالی که همین تعداد از صحنه کنار می‌روند) حال باید دید که این ناشران جدید چه کسانی هستند؟ افرادی هستند که می‌خواهند کتابشان را خود به چاپ برسانند. بسیاری از این افراد این پروژه را بعد از چاپ اولین کتابشان کنار می‌گذارند و تعدادی از آنها چاپ کتاب‌های دیگر را نیز ادامه می‌دهند و تعدادی هم ممکن است به دنبال تأسیس یک چاپخانه کوچک باشند. وانگهی اینکه اکثر ناشران در کشور من چاپ‌مجلات کوچک یا متوسط (از نظر حجم) را به عهده دارند، برای نویسندگانی که در جست‌وجوی ناشر هستند، مهم است. امروزه کامپیوتر باعث کاهش حجم تیراژ اسانی در مؤسسات چاپ شده است. ماشین‌های پاسخگو و پست صوتی نیاز تیراژی اسانی را کاهش داده است. تجارت‌های روزمره با کمترین تیراژی اسانی انجام می‌شود. یک چاپخانه بزرگ ممکن است حداقل ۱۵ کارمند داشته باشد، در صورتی که در یک چاپخانه کوچک این تعداد به حداقل می‌رسد. وقتت در

بین الملل

آنچه نویسندگان باید بدانند

جنبه چاپی کتاب

این زمینه بسیار تکانگ است. R.R.Bowker این عنوان یک نمایندگی آمریکایی که شماره گذاری کتاب‌های استاندارد بین‌المللی را بر عهده دارد و کار آن تزبیت اینگونه امور است، پیش از ۵۰۰۰ ناشر را در کشور ششایی کرده و اذعان داشته است که در چند سال گذشته هر سال بیش از ۶۶۰۰۰ موضوعات جدید نوشته شده است که به طور تقریبی ۱۵ کارمزد از این موضوعات جدید فقط معنی به ۱۵ ناشر بوده است که بیشتر این ناشران هم در حوزه خاصی کار می‌کرده‌اند. یک نویسنده باید به این مسأله توجه کند که ناشران به دنبال چه مطالبی هستند. از کاتالوگ ناشری که فقط در مورد نوشته‌های غیر داستانی کار می‌کند هرگز در مورد مجموعه کتاب داستانی خود سؤال نکنید.

نویسندگان در جست‌وجوی ناشران ممکن است فهرستی از اسامی ناشران را که در کتاب‌های راهنما ذکر شده است، جمع‌آوری کنند و با ارسال نامه به آنها ناشری را پیدا کنند. این امر به طور هرواکنی بیابگر عدم فعالیت و صلاحیت نویسنده است، چراکه این امر به منزلهٔ آن است که نویسنده هیچگونه اطلاعاتی در مورد نحوه جست‌وجوی یافتن ناشر خوب ندارد. دوم اینکه این کار اتلاف وقت



است. در واقع با این کار نویسنده وقت ناشران را گرفته و باعث از بین بردن تمرکز آنها شده و نهایتاً اینکه هیچ نفعی هم عاید او نشده است.

نه فقط در نیویورک

اگرچه صنعت چاپ در نیویورک متمرکز می‌باشد، اما چاپ در قسمت‌های دیگر این کشور از اهمیت بیشتری برخوردار است. به نظر من رسد که بسیاری از نشریات، که از کفایت لازم برخوردار نیستند، یک نویسنده، ادبی به دنبال نشریاتی است که در آن فقط به نویسندگان جدید پرداخته شود و نشریاتی که پررونق و اسرار و با چیزهایی از این قبیل متمرکز باشند. در حالی که نشریات غیر داستانی زمانی شروع به کار کردند که تا آن زمان هیچ کس موضوعاتی در یک زمینه خاص چاپ نکرده بود. سازمان‌ها با استیوفا ماندگ گروه‌های پژوهشی یا گروه‌های مذهبی نشریاتی را ایجاد کردند که به کمک آن بتوانند اطلاعات کلی را در مورد مذهب، سلامتی و غیره گسترش دهند. بسیاری از نشریات

کوچک تمایل دارند که به طور انفرادی و مستقل کار چاپ را انجام دهند.

تأمین هزینه‌ها

آوردن آن فاکتورهای حسد که در تعیین اینکه منظور یک چاپخانه شروع به کار کند مؤثرند، بعضی از نشریات مخصوصاً نشریاتی که به چاپ مطالب ادبی اختصاص دارند، به عنوان شرکت‌های غیر انتفاعی طبقه‌بندی شده‌اند. بسیاری از هزینه‌های این مؤسسات از کمک‌های افرادی تأمین می‌شود و میزان این کمک‌ها و تعداد این کمک‌ها در چند سال گذشته، بر روی تعداد نسخه‌هایی که به چاپ می‌رسد، اثری کم‌آورد. معمولاً این یک پرینتر به چاپ می‌رسد. بنابراین هیچگونه سودی عاید ناشران نخواهد شد.

اما در مورد دسته دیگری از ناشران که سعی در به دست آوردن منفعت بیشتر دارند، این امر ممکن است در گذار بسیار ساده به نظر آید. اما در عمل اینگونه نیست. به نظر می‌رسد که از نوشته‌های به چاپ رسیده این انتظار وجود که درآمدی ایجاد کند که نه تنها برای هزینه‌های چاپ ممکن باشد، بلکه تولید، توزیع و همچنین درآمد ناشر را هم به عنوان پاشش برای ناشر و انتخاری از نیز برای نویسنده به همراه داشته باشد. نوشتن یک مطلب چیزی است که به عقاید و اعتقادات نویسنده برمی‌گردد. بسیاری از مطبوعی که به چاپ می‌رسد، نمی‌تواند جوایزی

مخارج و هزینه‌های ذکر شده باشد. نشریه‌های کوچک به طور مشخص تعداد کمی کارمند دارند. مخارج کلی پایین است. لذا فروش تعداد کمی از این نشریات می‌تواند تمام مخارج را پوشش داد. برای مثال در یک چاپخانه کوچک که ۱۰۰۰ نسخه نشریه برای چاپ می‌رساند، لااقل باید ۱۰۰۰ نسخه نشریه به فروش برسد و باز در این صورت است که درآمد حاصل فقط هزینه‌های مصرفی را جبران خواهد کرد. اما چاپخانه بزرگی که ۵۰۰۰ نسخه به چاپ می‌رساند، برای فروش هزینه‌ها باید حداقل نیمی از این نشریات در راه فروش برساند که این تعداد زیادی است.تکفیف نماد که در مقابل، شرکت‌های کوچک مبلغ مالی کمتری دارند. لذا کتاب‌های شرکتی را به چاپ می‌رساند، چرا که معمولاً از سود فروش یک کتاب هزینه‌های چاپ کتاب بعدی را به پوشش می‌دهند.

برای یک نویسنده موارد ذکر شده عوامل مؤثری هستند برای اینکه بتواند نوشته‌اش را به چاپ برساند. در مقالات بعدی بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد.

PATRICIA J.BELL برای آگاهی کتاب چه چیزهایی را قبل از چاپ اولین کتاب خود باید بدانید» برنده جایزه Franklin شده است.

برگ اشتراک کتاب هفته

نام و نام خانوادگی مؤسسه/سازمان/نشانی:	
تلفن:	تعداد کپی:
مدت اشتراک:	□ شش ماه □ یک سال
هزینه اشتراک برای یک سال تهران ۶۲۰۰۰ریال /شهرستان ۶۸۰۰۰ریال (هزینه ماه نصف مبلغ ذکر شده است.)	صندوق پستی:
هزینه اشتراک برای یک سال خارج از کشور: گروه یک ۷۵۳۰۰۰ریال، گروه دو ۹۹۰۰۰ریال، گروه سه ۳۳۰۰۰ریال	
گروه ۱:	گروه ۲:
خاورمیانه	اروپا
جمهوری های آسیای نزدیک	شمال آفریقا
ترکیه	آسیای مرکزی و خاور دور، روسیه، هند و عربستان
	آفریقای جنوبی، استرالیا و ژاپن

نحوه اشتراک: تلفظ آفس و واریز وجه اشتراک به شماره حساب ۸۹۹-۱۸۵۲۰ بانک تجارت شعبه فلسطین (قبل پرداخت در تمامی شعبه‌های بانک تجارت) به نام خانۀ کتاب ایران فیش بانکی را به همراه برگ اشتراک به نشانی: خیابان قائم مقام رفاهان، خیابان شماره ۹، طبقه دوم، دفتر کتاب هفته و یا با نامبار ۸۸۲۰۱۹۹ ارسال فرمایید.

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۸۸۲۰۱۹۹ و ۸۳۱۸۶۵۹ و ۶۶۶۵۲۵ تماس حاصل فرمایید.

کتابخانه

صاحب امتیاز: خانه کتاب ایران

مدیر مسؤول: احمد مسجد جامعی

سردبیر: علی اصغر رمضانیپور

شورای سردبیری:

رسول آبادیان،فرانک آرا
حمید پایونددنرگس،یاز خانه‌ای،نگار پیرام
لیلی یوراسکندر،مریم جباری
زهرا احاج محمدی،حمایون خیری
ابراهیم زرز آرا،بهیار رشیدیان
سید علیمحمد فیعی،محمدرضازینسی
فرزین شیرزادی،مریم طاهری مجد
رضاصفیری،سایر محمدی،سیدمرتضو

عکس:

سپارش حبیب‌اللهی
محمدرضادشتی،رضا ختکار
مدیر هنری: بهروز متین صفت
مدیر فنی و صفحه‌آرا: ناظم رام
حروفچین: متیرسرگلی، غزاله نوروزی
تصحیح نیراسادات: حبیبی
بندبند محمودی: محمدملاحیبی
هماهنگی: آرش آرزنگ

معاون امور اجرایی: محمدرضادقیبمی
مسئول مالی: محمداسکندری قادی
مسئول آذاری: حجیت‌الله زایدلو
امور مالی: ایریمش
مسئول آگهی‌ها: زارنجکی
تلفن آگهی‌ها: ۲۰۲۸۵۹۷
عناوین صدفی:
تلفن امور اجرایی: ۸۳۳۷۵۹۸

نشانی: خیابان قائم مقام فرهانی، اول خیابان فجر (چم)، شماره ۹، طبقه دوم، صندوق پستی: ۱۳۴۵۰۳۳۳
نشانی کتاب هفته در اینترنت: *http://www.keutabehaftch.com*

گلدستانه

جلدبترین شماره گلدستانه ویژه ریحارد روسو برنده

پولیتزر ۲۰۰۲ شد.

مفاهمه گلدستانه که مطالب خود را در بخش‌های پرورنده،موسیقی، شعر،اندیشه، هنرهای تجسمی، داستان‌ها، درجه، گزارش، سینما، تئاتر و ایرانی جای می دهد، گفت وگویی با ریحارد روسو برنده پولیتزر ۲۰۰۲ را چاپ کرده است که به دنبال آن بخشی از رمان سقوط امپراتوری را می خوانیم. یادداشتی بر آلوم «ماهی سیاه» معرفی فریدریکه دورو کا،کاتمه معدن شعر و چهار شعر از او،چالش‌های ترجمه شعر،پاورکا به روایت شامیل، نقدی بر مجموعه شعر اوقات آینه سروده مرشدالسلانی، دیوهای پست مدرن(۲) یا نگاهی به هنرهای تجسمی در دهه پایانی قرن بیستم، گفت وگویی با آتی بروود... از دیگر مطالب این شماره گلدستانه و اشکبلی می دهد.

امتیاز کتاب، نقد فیلم، نقد تئاتر، داستان و شعر را هم می توانید در همین شماره بخوانید.

ماهنامه ادبیات داستانی

جلدبترین شماره ماهنامه ادبیات داستانی ویژه کودکان

و نوجوانان و ادبیات داستانی جنگ منتشر شد.

در مقاله‌ای این شماره با عنوان کودکان و نوجوانان و ادبیات داستانی جنگ، با اعضای شورای سردبیری را می خوانیم. مقاله پست مدرنیسم در فلسفه و ادبیات به قلم شهریار زرنشاس آمده است. در بخش داستان آثاری از فیروز زینوی جلالی، حسین کابلی، پاترشینیا اولی اسمیت و در بخش نقد، با آثاری به قلم راحله صفوی،رضارحکذر، نجمه

قابلی و کامران پارس زاده آشنا می شویم.

داستان‌های شکل کارفرمال در ادبیات دفاع مقدس،مقاله‌ای بر داستان‌های جنایی، چخوف مثل یک عمله روی ادبیات کار می کرد، سخن کوتاه درباره



پرونده موسیقی، شعر،اندیشه، هنرهای تجسمی، داستان‌ها، درجه، گزارش، سینما، تئاتر و ایرانی جای می دهد، گفت وگویی با ریحارد روسو برنده پولیتزر ۲۰۰۲ را چاپ کرده است که به دنبال آن بخشی از رمان سقوط امپراتوری را می خوانیم. یادداشتی بر آلوم «ماهی سیاه» معرفی فریدریکه دورو کا،کاتمه معدن شعر و چهار شعر از او،چالش‌های ترجمه شعر،پاورکا به روایت شامیل، نقدی بر مجموعه شعر اوقات آینه سروده مرشدالسلانی، دیوهای پست مدرن(۲) یا نگاهی به هنرهای تجسمی در دهه پایانی قرن بیستم، گفت وگویی با آتی بروود... از دیگر مطالب این شماره گلدستانه و اشکبلی می دهد.

امتیاز کتاب، نقد فیلم، نقد تئاتر، داستان و شعر را هم می توانید در همین شماره بخوانید.

چه کتابی خوانده اید؟

کاوه میرعباسی

با کدام شخصیت این رمان توانسید بیشتر ارتباط برقرار کنید؟

در حقیقت شخصیت محوری رمان همان کلاریس است. سایر شخصیت‌ها در حاشیه قرار دارند. چون داستان از زبان اول شخص مفرد روایت می شود، نقش سایر شخصیت‌ها را کم‌رنگ می بینیم و همه وقایع را از دید کلاریس می بینیم. این رمان نه از نظر ساخت، بلکه از نظر مضمون یکی از آثار معروف نایاکوف را به خاطر هم می آورد به اسم شاه، بی بی، سرایزه در آنجا هم مضمون داستان حول و حوش اتفاق است که قرار است بقتند نمی افتند. در رمان نایاکوف قرار

فروغ پوری‌اوری، مترجم

خانم پوری‌اوری اخیراً چه کتابی خوانده‌اید؟
امریک در آنده اثر یوسا را خواندم که بی نظیر بود. هم خودکار و هم ترجمه اش واقعاً شاهکار است. **چیز چیزی در این اثر برایتان غافلگیر کننده بود؟**
مر مریویراگاس یوسا را دوست دارم و اغلب آثارش را خوانده‌ام. مخصوصاً زمان گفت وگو در کانتراله **مرگ در آنده** را حتماً خواندید. این رمان وحدت زمان و مکان هم ندارد. واقعاً از این داستان لذت بردم. **می‌توانید راجع به ویژگی‌های این رمان بگویید؟**

حس و حالی که در فرجه‌ها متقابل لمس است. این رمان یک اثر واقعگرایانه است، باهمه چیزهایی که در یک زندگی واقعی جریان دارند این رمان هم مثل همه رمان‌های یوسا ویژگی‌های خاص خودش را دارد. باید آن را یک نفس نشست خواند

کتاب در رسانه‌ها

مینی مالیسم ... به عنوان مقالات این شماره چاپ شده است.
امتیاز، به روایت نویسندگان و گوناگون از دیگر بخش‌های این ماهنامه ادبی است.

اولین شماره آینه

«آینه» خبرنامه سومین جشنواره کتاب‌های آموزشی دوره متوسطه اولین شماره‌اش منتشر شد.

نشریه آینه که در ۸صفحه مطرح شده، مقاله‌ای تحت نام «آغازی دیگر در تداوم یک راه» علی‌رغم سامان بخشی کتاب‌های آموزشی را در سه بند پیشنهاد می دهد. در صفحه اخیر پنج خبر پیرامون حوزه نشر و کتاب و ناشران و به اطلاع مخاطبان می رسد و گفت وگویی با علیرضا حاجیان زاده مدیرکل دفتر انتشارات کمک آموزشی، در صفحه بعد گفت وگو با محبت‌الله همتی دبیر جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد را می خوانیم.



صفحه بعد گفت وگو با محبت‌الله همتی دبیر جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد را می خوانیم.

پیام بهارستان

نازه‌ترین شماره پیام بهارستان با مطالب و مقالات متنوع و خواندنی منتشر شد. در شانزدهمین شماره پیام بهارستان نشریه داخلی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، داده‌آرایی در فهرست رایانه‌ای، مشرح مذاکرات مجلس، کاغذ و جایگاه آن در گذشته و حال،روای معرفت، معرفی پایان‌نامه، معرفی کتاب مرجع، عزم ملی برای جلوگیری از نابودی نسخ خطی، تازه‌های کتاب فارسی، نسخ خطی کتیبه سرگ ملک ملی را می خوانیم. اولین بخش کتابخانه‌ها در افغانستان در ستون اخبار اطلاع‌رسانی و فهرست دانشگاهی‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی در اینترنت.

مستمری به فرهنگ پیوسته کتابداری و اطلاع‌رسانی در وب. در دیگر مطالب نشریه پیام بهارستان است.



جدیدها و کتابها

دکتر محمد اسماعیل رضوانی



محمد اسماعیل رضوانی در دهم اردیبهشت ۱۳۲۰ش در قریه خرنشادزاد توابع بیرجند در فخر خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. از شش سالگی به مکتب رفت و قرآن را فرا گرفت وبعد از آن اولین کتابی که خواندش را شروع کردضرب الصیبان اثر ابونصر فرهای بود. پس از آن آثاری چون امله و شرح امله را آموخت و در همین دوران مسیر زندگی اش به لغف معلم دبستان کتب تغییر کرد و وارد مدرسه عمومی شد و در سال ۱۳۴۲ هجری به اخذ دیپلم کرد و به واسطه به خدمت وزارت فرهنگ بر آمد و در کربس و روستان دین در آن کربس تدریس است. دوره لیسانس را در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴م کرد و وارد دوره فوق لیسانس و به دنبال آن در سال ۹۱ به درجه دکتری تاناکا گردید. رضوانی در سه رشته تاریخ، جغرافیا و امور تربیتی لیسانس خود را گرفت.

رضوانی پس از اخذ دکتری در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها تصاحب کرد و از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۸ سمت اسناد دانشگاه به تدریس پرداخت و به عنوان اسناد راهنما در نوشتن پایان‌نامه‌های تحصیلی به دانشجویانش یاری می رساند. رضوانی علاوه بر رشته تاریخ، جغرافیا و امور تربیتی تحقیقی و پژوهشی نیز می پرداخت. دکتر رضوانی در دوران حیات خدمات شایانی در ارتقای سطح علمی دانشجویان انجام داد و از سال ۱۳۸۰ تا همین سال‌های عصر حضور به نگارش جزوه‌های درسی تاریخ مطبوعات ایران از مؤسسه عالی علوم ارتباطات (۱۳۸۸) همت گماشت و با نشریاتی چون آینده راهنمای کتاب، مجله بررسی‌های تاریخی، یعنا، گنجینه اسناد، مجله دانشگاه ادبیات، گیاه فرهنگی، بندر و دریا و... همکاری می کرد و مقاله‌ای نیز برسی‌های از آثار چون شاه اسماعیل اول و جنگ پهلادان،، لواط شیخ فضل الله نوری، نشر تاریخ ایران، تاریخ مطبوعات کرمان و... نوشت.

دکتر رضوانی یکی از یادگاران کرامت‌پدرش را که مجموعه روزنامه‌ها و مجله‌های قدیمی دوران قاجار و عصر قاجار به نگارش جزوه‌های درسی تاریخ مطبوعات رضوانی قرار می داد این مجموعه اکنون با عنوان تالار دکتر رضوانی در موسسه مطبوعات تاریخ معاصر ایران در اختیار علاقه مندان پژوهشگران قرار دارد.

استاد محمد اسماعیل رضوانی در روز یکشنبه پنجم فروردین ۱۳۷۵ صبح در تقاب حاکم کندی- آثاری که از او در قالب کتاب به چاپ رسیده‌اند از این قرار است.

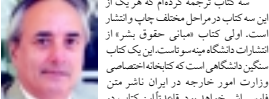
زمینی که روی آن زندگی می کنیم (۲۶) انقلاب مشروطیت ایران (۲۵) زندگی امام هشتم حضرت رضاح(۲۹) اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره قاجار (۲۹) تعلیقات نامه سنتز (۱ همکاری محبتی منبری (۵۲) توضیح تاریخ منظم ناصرلی شاه جلد ۱، ۶۲ سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان (۷۱) روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان (۱ا همکاری فاضله قاضیبا، (۷۱) اعلام آرای عدلی (۷۷) کتابچه‌هایی که با عنوان تاریخ روزنامه نگاری ایران به رسیده‌اند همین زمان پژوهشگر تاریخ و انتشارات نقش سرچشمه منتشر شده و نیز یادداشت‌های امین‌الدوله که منتشر خواهد شد.



کتاب «حوادث تاریخی ایران از سوم شهریور تا ۲۸ مرداد» که خطرات سیاسی بنده است، از سوم شهریور ۱۳۴۴را از حزب میهن پرستان و خان ملک مساسلی که با من بود، شروع می شود و تا ۲۸ مرداد هم من در صحنه حضور فعال داشتم و شاهد حوادث و رویدادها بودم. ادامه پیدا می کند. من قسمتی از این خطرات را در دوران بازنشستگی نوشتم و قسمتی هم یادداشت‌های روزانه من از آن دوران بر تابلوم تاریخ ایران است. زمانی بود که من از طرف دکتر مصدق ملیر گل روابط عمومی و تبلیغات و انتشارات آذربایجان بودم. آن زمان آذربایجان یکپارچه بود. اردلان هم که برای بیرون کردن انگلیسی‌ها همراه هیاتی ما با من جنوب آمد. بعد ها استبداد آذربایجان شد و من او با هم کاری می کردیم.

من شورا سکنف را که فرمانده ناوگان جنوب بود و خیلی از چهره‌های خادم و خان تاریخ ایران را که از نزدیک می‌شناختم، در خاطرات خود آورده‌ام. این کتاب حدود چهار صد صفحه است و تصمیم دارم بزودی آن را منتشر کنم.

فریدون مجلسی، مترجم



سه کتاب ترجمه کرده‌ام که هر یک از این سه کتاب در مراحل مختلف چاپ و انتشار است. اولی کتاب «امانی حقوق بشر» از انتشارات دانشگاه مینه‌سوتا است. این یک کتاب سنگین دانشگاهی است که کتابخانه اختصاصی وزارت امور خارجه در ایران ناشر متن فارسی‌اش خواهد بود. قاعدتاً این کتاب در همین روزها به بازار خواهد آمد. کتاب دیگری هم که بسیار جالب است، همراه با تحلیلی به قلم خودم در دست دارم که از آثار خوب گوربیدال یکی از بزرگترین نویسندگان معاصر است. قبلاً چند کتاب از او در ایران مثل رمان «آفرینش» منتشر شده بود. کتاب گوربیدال اینجا چنین مغفون شدیم. نام دارد. در این کتاب نویسنده به سیاست‌های هیأت حاکمه آمریکا انتقاد می کند و می پرسد که آمریکا در سیاست خارجی چه کرده که انعکاشش باعث مغفون شدن نام آمریکا در مردم جهان شده است. من هم تحلیلی در پایان کتاب دارم که این آثار باید باعث سواستفاده حاکمان کشورهای جهان سوم باشد که محکومیت آمریکا را دلیل بر خفایت سیاست‌های داخلی خود ندانند. و در رفتار خود نسبت به ملت خودشان خیلی برانقادر برخورد نکنند.

کتاب سوم هم با عنوان حضوران ایران در جهان اسلام است که در مرحله صحافی قرار دارد. دو نویسنده اصلی این کتاب پروفیسور اسحاق پارسا شاطر و خاتم آنملاری شپیل هستند. شپیل در این کتاب مقاله خیلی پیرامون سهم ادبی ایران در شرق و غرب دارد. در شرق، امپراتوری عثمانی، امپراتوری گورکانی در هند و امپراتوری صفوی در ایران که زبان هر سه امپراتوری فارسی بود، شپیل تأثیر ادبیات فارسی را در شبه قاره هند هم بررسی می کند. و تأثیر ادبیات فارسی در غرب بخصوص چگونگی آشنایی گونه با محافظ رامطرح می کند. این دو کتاب اخیراً و انتشارات بر مرابرد منتشر می کند.

کوتاه

پدیدآوردنگان : روایت اول شخص



ناصر نجمی، مورخ

کتاب «حوادث تاریخی ایران از سوم شهریور تا ۲۸ مرداد» که خطرات سیاسی بنده است، از سوم شهریور ۱۳۴۴را از حزب میهن پرستان و خان ملک مساسلی که با من بود، شروع می شود و تا ۲۸ مرداد هم من در صحنه حضور فعال داشتم و شاهد حوادث و رویدادها بودم. ادامه پیدا می کند. من قسمتی از این خطرات را در دوران بازنشستگی نوشتم و قسمتی هم یادداشت‌های روزانه من از آن دوران بر تابلوم تاریخ ایران است. زمانی بود که من از طرف دکتر مصدق ملیر گل روابط عمومی و تبلیغات و انتشارات آذربایجان بودم. آن زمان آذربایجان یکپارچه بود. اردلان هم که برای بیرون کردن انگلیسی‌ها همراه هیاتی ما با من جنوب آمد. بعد ها استبداد آذربایجان شد و من او با هم کاری می کردیم.

من شورا سکنف را که فرمانده ناوگان جنوب بود و خیلی از چهره‌های خادم و خان تاریخ ایران را که از نزدیک می‌شناختم، در خاطرات خود آورده‌ام. این کتاب حدود چهار صد صفحه است و تصمیم دارم بزودی آن را منتشر کنم.

هرمز عبداللّبی، مترجم

یکی دو کتاب به دست من رسید که هنوز تصمیم قطعی برای ترجمه آنها نگرفته‌ام. آنهایی را هم که آماده کرده‌ام به نفع من نیست که خیرش چاپ بشود. یک رمان تقریباً سیاسی دارم که خوانش در ایران اتفاق می افتد. این رمان اثر جیمز باکن است و به نام اجای خوبی برای مردن» منتشر خواهد شد. متن بسیار سختی است و پر از شعر است. ناشر کتاب هم نشر علمی خواهد بود.

ضمین این جلد اول کتاب «تمدن های جهان » را ترجمه کرده‌ام، که دیدم این کتاب در دو جلد با ترجمه محمدحسین آریا با عنوان «تمدن مغرب زمین» توسط انتشارات امیر کبیر منتشر شده و مردم برای ادامه ترجمه آن، نویسنده این کتاب اشپیل فولکل است. قرار بود این کتاب را با همکاری انتشارات روزنه کار منتشر کنیم.

کتاب دیگری هم هست با عنوان «به دنبال حسن » که نویسنده اش ترنس وارد آمریکایی است. در ترجمه این کتاب هم در دید دارم. چون دوستی که معرفی و سفارش ترجمه اش را به من داد، خودش مشغول ترجمه این اثر است.

موضوع این کتاب، داستان یک آمریکایی است که قبل از انقلاب در ایران زندگی می کرد و با خانواده ای از طبقه متوسط ارتباط و آشنایی داشت و یکی از اعضای خانواده به اسم حسن برایش اثر می کرد.

بعد از انقلاب که از ایران رفت سال ها از او بی خبر می ماند تا

بعد از دوم خرداد ۷۶ به ایران سفر می کند و پس از چندی حسرت وجو

حسن را پیدا می کند و با هم برای بازدید بناهای تاریخی به شهرهای

ایران سفر می کنند. موضوع این دیدار و شرح سفر … یک اثر

خوندانی را می سازد.

محمد مهدی فولادوند

کتاب‌های ژوبلی شناسی و فران شناسی از اخیلی وقت است که آماده کرده‌ام. انتشارات الست در فادر مورده چاپ آنها تملم می کند. وقتی صحبت هم می کنی بلدانی می آید. این ناشر خیلی شناسی امرامترش کرده پشت جلدش نوشته شده که خیم به خدا عقادناست. در حالی که من از این حرف‌ها در متن کتاب زده‌ام. متن کتاب چند پیگیری می گوید در پشت جلد پیگیری نوشته شد. کتاب ژوبلی شناسی، و ارسال هایش انتشارت مدخنا منتشر کرده بودی. چاپ جدیدش مطالب و مقالات اضافه تر دارد که الست در فادر تارک چاپ این کتاب است و مطرح می کند. در پی تهیه کاغذ هستند. من ناشر خوب پیدا نکردم. شما پیدا کرده‌به من خبر بدهید.

فران شناسی هم حدود پانصد صفحه است. بخشی از آن هم که مربوط به سید قطب است قبلاً چاپ شده بود. الان من دارم قرآن را به فرانسه ترجمه می کنم. کتاب‌های منتشر نشده و زیاد دارم. مثلاً قرافات زده‌ای از قرآن را دارم. در این کتاب نوشتم در قرآن جن دو معنی دارد. یکی همین سیاه پرستان هستند که در خدمت سلیمان بودند. مثلاً مورچه تبار بودند. حرف‌های تازهای در این کتاب آورده‌ام که جوان داخل حرفات نشنود.

منوچهر دانش پژوه

من کلیات سعدی را آماده چاپ دارم. روی کلیات سعدی خاشنه نویسی کرده‌ام. این کلیات را بر اساس چاپ آنته چاپ های متعددی از کلیات را مقابله کردم و هم چاپ فروغی، هم چاپ حالت و هم چاپ سنگی که در واقع بیشتر نظر بر خوانشی متن بوده است. کار من در حقیقت تصحیح متن کلیات سعدی نبود. تصحیح متن را طبعاً باید از روی نسخه های خطی انجام داد. منتها من حواشی و توضیحاتی بر متن نوشته‌ام که قرار است انتشارات هیرمند آن را چاپ کند.

کار دیگری هم در زمینه تاریخ ادبیات دارم که دچار عارضه قلبی شده، مدتی است کار متوقف شده تا آن شاء الله وضعیت روحی و جسمی ام بهتر شود. بعد کار ادامه پیدا کند. تاریخ ادبیات را از آغاز شروع کردیم. منتها با گذرش جدید از نظر تحول سبک، دارم تاریخ ادبیات را می نویسم و هنوز با هیچ ناشری در مورد چاپ این کتاب وارد مذاکره نشده‌ام. چون مقدار زیادی از کار مانده هنوز تصمیم نگرفتم به کدام ناشر بسپارم.

غلامحسین ابراهیمی دینانی

جلد دوم دفتر عقل و آیت عشق را توسط انتشارات طرح نور زیر چاپ دارم و جلد سوم آن را هم مشغول نوشتن هستم. در جلد سوم از عطار نیشابوری شروع کرده‌ام و نجم الدین کبری و… تا می رسم به مولوی.

آنته این مجموعه شاید از سه جلد بیشتر بشود. حال تصمیم دارم در همان جلد سوم، مجموعه را تمام کنم.

جلد دوم کتاب را که طرح نور زیر چاپ دارد، همان مجلد عقل و عشق است که به اعتقاد من با هم سرچنگ ندارند و

برای آیتات دیدگاه خودم، از عرفاد حکما نقل قول و سند می آورم. جلد دوم از فردوسی شروع می شود و به عین القضاة ختم

می شود. این وسط سنایی هست، ابوسعید ابوالخیر هست، ناصر خسرو هست …

در این مستنداتی که نقل می کنم هم اثر شعر و هم اثر عرفا استفاده می کنم. هر چه که داشته باشند، کل تألیفاتی که عرفا و حکمای مادر این حوزه دارند و به آنها دسترسی داشتیم، در این مجموعه آورده‌ام. جلد دوم در پانصد صفحه تدوین شده و احتمالاً طی یکی، دو ماه آینده به بازار می آید.

سالانه ۱۳۸۷

برگ شهم هفته کتاب

«برگ شهم یا کتاب، دانایی، عبرت» عنوان کتابی است که اطلاعات جامعی را پیرامون نهمین دوره هفته کتاب در بر می گیرد. این کتاب که با تدوین محسن رضایی و علی اکبر عبدالحسینی و زیبا درفشه گردآمده، از سوی خانه کتاب ایران و ستاد هفته کتاب بزودی منتشر می شود.

ارتباطات جمعی

«نظریه های ارتباط جمعی» اثر برجسته دنیس مک کوایل با ترجمه پرویز اجلائی توسط مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها بزودی منتشر می شود. همین مؤسسه «جامعه شناسی نظام جهانی» اثر از لی اسکلیور را با ترجمه علی هاشمی گیلائی نیز در دست انتشار دارد.

دو کوتر و پنجره

ادو کوتر کنار پنجره ماه مجموعه ۶۰ شعر از منصور (حسن) ملکی است که با طرح روی جلد همین خسرو جردی و از سوی انتشارات نگاه سبز منتشر خواهد شد. ملکی که در تجربه کاری خود دبیری و سرپوش هنری روزنامه های مختلفی را بر عهده داشته است، شعرهای سال ۲۲ تا به امروز را در این دفتر گردآمده است.

تقد و تحلیل رمان تاریخی فارسی

برمان تاریخی «عنوان کتابی است پژوهشی-تحلیلی که دکتر محمد غلام آن را نگاشته و نشر چشمه هفته آینده روانه بازار نشر خواهد کرد. نویسنده در این کتاب به نقد و تحلیل رمان های تاریخی فارسی از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۸۷ می پردازد. پیش از این کتاب «در پای تزلزل» که در یافتی جامعه شناسانه از رمان های تاریخی ۱۳۲۰-۱۳۰۰ بوده به کوشش سپهران و از سوی نشر شیرازه منتشر شده بود.

دولت و دموکراسی

«دولت و دموکراسی در عرصه جهانی شدن» عنوان کتابی از دکتر محمد نوخید قام است که انتشارات روزنه آن را در دست انتشار دارد. همین ناشر از همین نویسنده کتاب «فرهنگ در عرصه جهانی شدن، چالش ها و فرصت ها» را منتشر خواهد کرد.

موتکاب از شجاعی زند

دکتر علیرضا شجاعی زند کتاب از حسینی تا حسینی « را تألیف کرده و قرار است توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) چاپ و منتشر شود.

«عرضی شدن در تجربه سیبخی و اسلامی» عنوان کتاب دیگری از دکتر علیرضا شجاعی زند است که توسط مرکز پژوهش های اسلام و ایران بزودی منتشر خواهد شد. از این نویسنده پیش از این انتشارات هشتپهری سپرده است.

کتاب کوثر

اکثر ترشاب عشق، بررسی سوره کوثر به قلم علی باقری است که از سوی انتشارات نگار بزودی منتشر خواهد شد. همین ناشر مجموعه شعری از علی باقری را با عنوان «نوعی زندگی» در دست انتشار دارد.

محفل فیلسوفان

«محفل فیلسوفان خاموش» عنوان کتابی از کوروش صفوی است که انتشارات هرمس در دست انتشار دارد. کوروش صفوی کتاب «معنی شناسی کارکردی» خود را هم برای انتشار به مؤسسه انتشارات هشتپهری سپرده است.

جامعه واپس مانده

آکاژ کردهای ذهنی در جامعه های واپس مانده نام کتابی به قلم لوسین لوروی برول است که با ترجمه بدالله موقان بزودی منتشر خواهد شد.

ادبیات داستانی

«بگورته ادبیات داستانی را تحلیل کنیم» عنوان اثری از دیلیو نشر زیبا منتشر خواهد شد.

«یکی است که با ترجمه محمد حنیف، طی روزهای آینده توسط

توصیف و تبیین

«توصیف و تبیین و نقده اثری از کمال خسروی است که توسط نشر اختران بزودی منتشر خواهد شد. این کتاب مباحثی را پیرامون توصیف، تبیین و نقد مطرح می کند.

دریاوردنگان

«دریاوردنگان جزیره آبی تر» عنوان مجموعه داستان های کوتاه منتشر شده و منتشر نشده عباس معروفی نویسنده مقیم آلمان است که از سوی نشر تفکرس در دست انتشار است. این کتاب در برگزیده چهار مجموعه عطر یاس، آخرین نسل برتره، برش های کوچک و چند داستان دیگر است.